


گونه‌شناسی جریان‌های فعال در دانشگاه‌ها




شهر سیرت | رامین کمانگر

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان



گونه‌شناسی جریان‌های فعال در دانشگاه‌ها



© ۱۴۰۰ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد مستقل پژوهشی است که در عقرب ۱۳۹۱ به هدف فراهم‌سازی زمینه‌ی علمی و آکادمیک برای ارزیابی موضوعات راهبردی افغانستان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأسیس شد. انستیتوت تلاش دارد از طریق انجام پژوهش‌های مستقل، ترجمه، انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و سایر مسایل در جامعه کمک کند.

رفع مسئولیت

تحلیل ارائه‌شده در این پژوهش صرفاً نظر نویسندگان است و دیدگاه انستیتوت را بازتاب نمی‌دهد.



گونه‌شناسی جریان‌های فعال در دانشگاه‌ها

نویسندگان: شهیر سیرت و رامین کمانگر

شماره نشر: AISS-P-042-2021

شمارگان: ۵۰۰

تاریخ چاپ: ۱۴۰۰، کابل

نشانی کابل: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

ISBN 978-9936-655-19-5



9 789936 655195

تقدیم به زنانی که این روزها در
خیابان‌های افغانستان برای
عدالت اجتماعی در برابر
استبداد ایستاده‌اند!

فهرست مطالب

ح	سپاس‌گزاری
۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	بیان مسئله
۵	پرسش‌های تحقیق
۵	پرسش اصلی
۵	پرسش فرعی
۶	فرضیه‌های تحقیق
۶	فرضیه اصلی
۶	فرضیه فرعی
۶	بررسی پیشینه پژوهش
۱۰	روش پژوهش
۱۲	سامان‌دهی پژوهش
۱۳	چارچوب نظری و مفهومی
۱۷	گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی
۱۷	گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی؛ بعد نظری
۱۷	(۱) روایت دینی
۲۱	(۲) بینش نظام سیاسی
۲۵	گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی؛ بعد عملی
۲۶	(۱) تشکیلات سیاسی - سازمانی
۳۰	(۲) شدت عمل

۳۴	شرح داده‌ها و تحلیل یافته‌ها
۳۴	جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان
۴۲	شرح داده‌ها
۱۰۱	تحلیل یافته‌ها بر بنیاد چهارچوب نظری
۱۱۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۲۰	پیشنهادات
۱۲۲	منابع و مأخذ
۱۲۷	ضمایم:
۱۲۵	ضمیمه ۱: پرسش‌نامه
۱۳۰	ضمیمه ۲: معلومات عمومی مصاحبه‌شونده

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: شرح نمونه آماری پژوهش بر بنیاد نام دانشگاه و ارقام مجموعی آن ۱۱
- جدول ۲: شرح آماری تقسیم تعداد پرسش‌نامه برای هر دانشگاه بر بنیاد شمار مجموعی جامعه آماری ۳۵
- جدول ۳: شرح آماری عضویت پاسخ‌دهنده‌ها در کلان‌رشته‌های تحصیلی ۳۶
- جدول ۴: آمار پاسخ‌دهنده‌ها نظر به عنصر جنسیت (مرد/زن) ۳۷
- جدول ۵: آمار پاسخ‌دهنده‌ها با نظر داشت عنصر مذهب ۳۸
- جدول ۶: آمار پاسخ‌دهنده‌ها با نظر داشت عنصر محل رشد ۳۹
- جدول ۷: آمار پاسخ‌دهنده‌ها با نظر داشت عنصر قومیت ۴۰
- جدول ۸: آمار پاسخ‌دهنده‌ها با نظر داشت عنصر تعلق سیاسی پدر و مادر ۴۱
- جدول ۹: آمار جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۴۳
- جدول ۱۰: آمار جریان‌ها با بیشترین فعالیت در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۴۶
- جدول ۱۱: درصد فعالیت حزب جمعیت اسلامی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف ۴۹
- جدول ۱۲: درصد فعالیت حزب اسلامی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف ۵۰
- جدول ۱۳: درصد فعالیت طالبان در دانشگاه‌های مختلف ۵۰
- جدول ۱۴: درصد فعالیت داعش در دانشگاه‌های مختلف ۵۱
- جدول ۱۵: درصد فعالیت حزب التحریر در دانشگاه‌های مختلف ۵۱
- جدول ۱۶: درصد فعالیت حزب همبستگی در دانشگاه‌های مختلف ۵۲
- جدول ۱۷: درصد فعالیت حزب جنبش ملی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف ۵۲
- جدول ۱۸: درصد فعالیت حزب وحدت و وحدت اسلامی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف ۵۳
- جدول ۱۹: درصد فعالیت حزب دعوت در دانشگاه‌های مختلف ۵۳
- جدول ۲۰: درصد فعالیت حزب افغان ملت در دانشگاه‌های مختلف ۵۴
- جدول ۲۱: درصد فعالیت جریان تساهل و مدارا در دانشگاه‌های مختلف ۵۴
- جدول ۲۲: درصد فعالیت جمعیت اصلاح در دانشگاه‌های مختلف ۵۵

جدول ۲۳: درصد تصمیم/ عدم تصمیم دانشجویان هر دانشگاه برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده.....۷۷

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: گونه‌شناسی جریان‌های دینی هرات ۷
- نمودار ۲: شکل استخراجی نظریهٔ اسپوزیتو و وال ۱۴
- نمودار ۳: چهارچوب نظری پژوهش ۱۶
- نمودار ۴: درصد عضویت پاسخ‌دهنده‌ها در هر دانشگاه ۳۵
- نمودار ۵: رشتهٔ تحصیلی پاسخ‌دهنده به درصد با تفکیک سه کلان‌رشته ۳۶
- نمودار ۶: درصد پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر جنسیت (مرد/ زن) ۳۷
- نمودار ۷: درصد تعلق مذهبی پاسخ‌دهنده‌ها ۳۸
- نمودار ۸: درصد پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر محل رشد ۳۹
- نمودار ۹: درصد پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر قومیت ۴۱
- نمودار ۱۰: درصد تعلق پدر و مادر پاسخ‌دهنده‌ها به جریان‌های سیاسی ۴۱
- نمودار ۱۱: جریان‌های فعال در دانشگاه‌های افغانستان ۴۵
- نمودار ۱۲: درصد جریان‌ها با بیشترین فعالیت در دانشگاه‌های افغانستان ۴۸
- نمودار ۱۳: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه کابل ۵۶
- نمودار ۱۴: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه هرات ۵۷
- نمودار ۱۵: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه بلخ ۵۸
- نمودار ۱۶: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه بامیان ۵۹
- نمودار ۱۷: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه ننگرهار ۶۰
- نمودار ۱۸: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه البیرونی ۶۱
- نمودار ۱۹: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه قندهار ۶۲
- نمودار ۲۰: نمایش سه‌بعدی نسبت فعالیت جریان‌ها در دانشگاه‌ها ۶۳

- نمودار ۲۱: درصد عضویت دانشجویان در جریان‌ها ۶۳
- نمودار ۲۲: درصد عضویت دانشجویان در جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام دانشگاه ۶۴
- نمودار ۲۳: درصد عضویت دانشجویان در جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۶۵
- نمودار ۲۴: درصد گونه‌های فعالیتی که دانشجویان برای انجام داده‌اند ۶۶
- نمودار ۲۵: درصد جریان‌هایی که فعالیت‌های دینی - سیاسی برای آن‌ها از سوی دانشجویان انجام شده است ۶۷
- نمودار ۲۶: درصد نوع مواجهه دانشجویانی که عضویت جریان‌ها را ندارند با دانشجویانی که عضویت آن جریان‌ها را دارند ۶۹
- نمودار ۲۷: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی با نظام حاضر افغانستان ۷۰
- نمودار ۲۸: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۲
- نمودار ۲۹: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۳
- نمودار ۳۰: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۳
- نمودار ۳۱: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۴
- نمودار ۳۲: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۵
- نمودار ۳۳: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۵
- نمودار ۳۴: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان ۷۶
- نمودار ۳۵: درصد تصمیم/ عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده ۷۸
- نمودار ۳۶: تصمیم/ عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده ۸۱
- نمودار ۳۷: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به طالبان با تفکیک نام دانشگاه ۸۱
- نمودار ۳۸: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب‌التحریر با تفکیک نام دانشگاه ۸۲
- نمودار ۳۹: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب جمعیت اسلامی با تفکیک نام دانشگاه ۸۳
- نمودار ۴۰: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب همبستگی با تفکیک نام دانشگاه ۸۳
- نمودار ۴۱: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب اسلامی با تفکیک نام دانشگاه ۸۴
- نمودار ۴۲: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به جمعیت اصلاح با تفکیک نام دانشگاه ۸۵

- نمودار ۴۳: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به احزاب وحدت و وحدت اسلامی افغانستان ۸۵
- نمودار ۴۴: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به دعوت با تفکیک نام دانشگاه ۸۶
- نمودار ۴۵: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به افغان ملت با تفکیک نام دانشگاه ۸۷
- نمودار ۴۶: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب جنبش ملی افغانستان با تفکیک نام دانشگاه ۸۷
- نمودار ۴۷: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب کنگره با تفکیک نام دانشگاه ۸۸
- نمودار ۴۸: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به گفتمان تساهل و مدارا با تفکیک نام دانشگاه ۸۹
- نمودار ۴۹: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه کابل در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۰
- نمودار ۵۰: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه هرات در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۱
- نمودار ۵۱: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه بلخ در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۲
- نمودار ۵۲: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه بامیان در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۳
- نمودار ۵۳: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه البیرونی در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۴
- نمودار ۵۴: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه قندهار در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۵
- نمودار ۵۵: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه ننگرهار در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان ۹۶
- نمودار ۵۶: درصد تصمیم/ عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به جریان‌ها در آینده بر بنیاد تفکیک نام جریان و نام دانشگاه ۹۷
- نمودار ۵۷: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان ۹۷
- نمودار ۵۸: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه کابل ۹۸
- نمودار ۵۹: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه هرات ۹۸
- نمودار ۶۰: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه بلخ ۹۹
- نمودار ۶۱: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه بامیان ۱۰۰
- نمودار ۶۲: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه ننگرهار ۱۰۱
- نمودار ۶۳: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه البیرونی ۱۰۱
- نمودار ۶۴: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه قندهار ۱۰۰

سپاس‌گزاری

اتمام این پژوهش بدون همکاری شماری از استادان و عزیزان ممکن نبود؛ بنابراین لازم است از تمام کسانی که در انجام این پژوهش سهم داشتند، سپاس‌گزاری کنیم. بر همین مبنا، پژوهش‌گران از دکتر محمد نظیف شهرانی، استاد دانشگاه اندیانا و نافع چودری، پژوهشگر در مکتب حقوقی هاروارد، برای مرور پرسش‌نامه تحقیق، از دکتر سیدعسکر موسوی، استاد دانشگاه برای مرور طرح ابتدایی تحقیق و از آقایان حبیب حمیدزاده، استاد دانشگاه و دکتر جواد رامیار، پژوهشگر، برای مرور گزارش نهایی پژوهش، تشکری می‌کنند.

از همکاران ساحوی پژوهش در ولایات و مرکز که در جمع‌آوری داده‌های پژوهش همکاری کردند نیز ممنون و متشکریم.

در نهایت از تمام کسانی که این گزارش را می‌خوانند، نقد می‌کنند و در راستای بهتر شدن وضع دانشگاه‌های افغانستان از آن استفاده می‌کنند، تشکر می‌کنیم؛ چه‌بسا که مرام و غایت نهایی راه اندازی این پژوهش نیز همین است.

یادداشت

کار روی این پروژه ی پژوهشی در اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی آغاز گردید و بنابر همه گیری کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها که در فرآیند جمع‌آوری هدادهای آماری تاخیر ایجاد کرد، تا میانه‌های سال ۲۰۲۱ میلادی ادامه یافت. نسخه ی نهایی این‌وژیهش در اواخر ماه جون ۲۰۲۱ آماده شد و قرار بود در ماه آگست سال ۲۰۲۱ نشر و رونمایی گردد اما بنا بر تحول سیاسی که در افغانستان پیش شد، این کار اکنون با چند ماه تعویق انجام می‌شو د.

شهیر سیرت و رامین کمانگر

۱۴۰۰هجری خورشیدی

چکیده

در این پژوهش به گونه‌شناسی جریان‌های فعال در دانشگاه‌های افغانستان که بیشتر آن‌ها دینی - سیاسی‌اند، پرداخته شده است. بر اساس داده‌های آماری به دست آمده از این پژوهش، جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی تشخیص شده و سپس بر بنیاد چهارچوب نظری طرح‌شده از منظرهایی چون: روایت دینی، بینش نظام سیاسی، شدت عمل و تشکیلات سیاسی - سازمانی، تحلیل و بررسی و گونه‌شناسی شده‌اند. چهارچوب نظری مذکور چهار عنصر فوق را به دو شاخهٔ عمومی «عمل» و «نظر» تقسیم می‌کند، طوری که عناصر روایت دینی و بینش نظام سیاسی شامل شاخهٔ عمومی «نظر» و عناصر شدت عمل و تشکیلات سیاسی - سازمانی شامل شاخهٔ عمومی «عمل» می‌شود. نتایج حاصله نشان می‌دهد که جریان‌های مختلفی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعال‌اند و در سطوح متفاوت، فعالیت‌های متفاوتی را انجام می‌دهند. داده‌های کمی و تحلیل چهارچوب نظری این گزارش نشان می‌دهد که جریان‌هایی چون حزب جمعیت اسلامی افغانستان، حزب وحدت اسلامی افغانستان، حزب اسلامی افغانستان، حزب همبستگی افغانستان، جمعیت اصلاح، حزب التحریر، گفتمان تساهل و مدارا، حزب دعوت، گروه طالبان، حزب جنبش ملی افغانستان، گروه داعش، حزب کنگره، حزب افغان‌ملت، حزب وطن و شماری دیگر از جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان، در سطوح مختلف حضور دارند.

در مورد دانشگاه و ایده آن مباحث فراوان بوده است. بسته به زمینه فکری و رشته تخصصی، اندیشمندان مختلف مسئولیت‌ها و رسالت‌های متفاوتی را برای دانشگاه قایل شده‌اند. بخشی از این مباحث در مورد چگونگی رابطه دانشگاه با سیاست و دین بوده است. با وجود این که در کار علمی، تأکید بر بی‌طرفی پرداخت علمی است، فضاهای دانشگاهی اما شاهد شور و فعالیت‌های دینی - سیاسی بوده است. واضح است که این شور و فعالیت نظر به زمان و مکان متفاوت است. از طرفی هم دانشگاه‌ها از دیرباز با تدریس الهیات و علوم سیاسی به نحوی به دین و سیاست پرداخته‌اند. این دو مورد، فضایی را شکل داده است که پرسش و مسئله «ایده دانشگاه» به تکرار پرسیده و طرح شده و به آن پرداخته شود. نکته مهم در این میان، چگونگی تأثیرگذاری رابطه فضاهای دانشگاهی با جریان‌های دینی - سیاسی بر وضعیت کلی اجتماعی است. چون دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی - تخصصی، قلب تولید منابع بشری برای اجتماع است. برون‌داد دانشگاه که دانش‌آموخته می‌باشد، متأثر از فضایی که در آن آموزش دیده، عمل می‌کند و تصمیم می‌گیرد.

برآیند چگونگی رابطه فضای‌های دانشگاهی با جریان‌های دینی - سیاسی دو احتمال است: ۱) این رابطه به پویایی و رشد جامعه کمک می‌کند. ۲) باعث ایستایی و عقب‌گرد جامعه می‌شود. به وقوع پیوستن یکی از این دو احتمال، در کنار عوامل تخصصی دیگری که در حوزه کار دانشگاهی متصور است، به نوعیت و فعالیت جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی و نوعیت ساختار حکومتی و برخورد آن با فضای دانشگاهی بستگی دارد. به این معنا که اگر نوعیت و فعالیت جریان‌های حاضر در محیط‌های دانشگاهی و ساختار حکومتی و برخورد آن با این جریان‌ها و فضا دموکراتیک باشد، فضای شکل‌گرفته باعث پویایی و رشد اجتماعی می‌شود. چون دانشجویان در قالب تشکلهای و فعالیت‌های گروهی، شهروندی فعال و رهبری مدنی - سیاسی را تمرین می‌کنند. اما در مقابل، اگر نوعیت و فعالیت جریان‌های حاضر در محیط‌های دانشگاهی یا ساختار حکومتی و برخورد آن با این جریان‌ها و فضا غیردموکراتیک باشد، فضای شکل‌گرفته باعث ایستایی و عقب‌گرد اجتماعی می‌شود. در احتمال نخست، فضای

۱. به عنوان نمونه به دو منبع زیر نگاه شود:

- یاسپرس، کارل (۱۳۹۴) ایده دانشگاه، ترجمه مهدی پارسا و مهرداد پارسا. تهران: ققنوس.
- کانت، هایدگر، گادامر، یاسپرس، هابرماس، دریدا، جان سرل، نیومن، پولاک، مک اینتایر و هوفستتر (۱۳۹۵) مجموعه مقالات ایده دانشگاه، گزینش و ویرایش: میثم سفیدخوش. تهران: انتشارات حکمت.

دانشگاهی به مثابه صحنه‌ای برای حضور و فعالیت دموکراتیک، کثرت‌گرایانه و خشونت‌پرهیز، تبارز یافته و با رشد خود، باعث پویایی و رشد عمومی می‌شود. در احتمال دوم، فضای دانشگاهی به مثابه بستری برای فعالیت‌های غیردموکراتیک، جزم‌اندیشانه و خشونت‌پرور تبارز یافته و با رشد و پرورش جریان‌هایی که فعالیت سازمانی سخت و مخفی دارند، باعث ایستایی و عقب‌گرد اجتماعی می‌شود.

به این ترتیب، رابطه فضاهای دانشگاهی با جریان‌های دینی - سیاسی مسئله‌ای است که پرداختن به آن مهم است و به ما در چگونگی فهم وضع عمومی اجتماعی کمک می‌کند. پژوهش حاضر با موضوعیت این مسئله، تلاش می‌کند گونه‌شناسی‌ای از جریان‌های دینی - سیاسی حاضر در محیط‌های دانشگاهی ارائه دهد.

بیان مسئله

پیوند دانشگاه و سیاست از جمله مسئله‌ها و سوژه‌های جذاب حوزه‌های سیاست و جامعه‌شناسی است. این پیوند به شیوه‌های متفاوت تمرین و مطالعه شده است. دانشجویان بیشترین در فضای دانشگاهی است که با حوزه کار سیاسی به صورت عملی مواجه و آشنا می‌شوند. از منظر تاریخی هم دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی از مهم‌ترین پایگاه‌های کار سیاسی و تولید ایدئولوژی و فکر سیاسی به شمار می‌رود. اما چگونگی و ماهیت پیوند میان دانشگاه و سیاست همواره مورد پرسش بوده است: آیا فضای دانشگاه سیاسی باشد؟ اگر پاسخ بلی است، تا چه حد؟ آیا سیاسی‌بودن فضا و محیط دانشگاه کار دانشگاهی را سیاسی نمی‌کند؟ اساساً آیا امکان داشتن دانشگاه غیرسیاسی و عاری از فضای سیاسی وجود دارد؟ پیوند دانشجو با پایگاه قدرت یا حکومت و دیگر عناصر سیاسی درون و بیرون دانشگاه چگونه باید باشد؟ در واقع مفهوم سیاست دانشجویی^۱ در بستر کار دانشگاهی و سیاسی چگونه واکاوی و بررسی شود؟ و پرسش‌های دیگری که همه در محور رابطه دانشگاه و سیاست مطرح است.

در کنار مبحث پیوند دانشگاه و سیاست، چگونگی تسلط گفتمان سیاسی حاکم بر فضای دانشگاه و کار دانشگاهی نیز مسئله است. به بیان دیگر یکی از پرسش‌ها و مسئله‌ها این است که عوامل، پیامدها و

نتایج سیاسی‌سازی دانشگاه^۱ و کار دانشگاهی چه و کدام‌هاست؟ تسلط ایدئولوژی و روایت‌های ایدئولوژیک سیاسی دین بر فضا و محیط دانشگاه چه پیامدهایی به بار می‌آورد؟

کار سیاسی در افغانستان همچون شمار دیگری از جوامع و کشورها همواره با بحث دین و روایت‌های دینی گره خورده است. به بیان دیگر تاریخ افغانستان نشان از آن دارد که کار سیاسی همیشه به نحوی کاری دینی، یا دست‌کم کار در محور دین نیز بوده است. بخش بزرگی از ایدئولوژی‌های حاکم بر فضای سیاسی ما دینی است. البته این به معنای نفی ایدئولوژی‌های ضددینی و غیردینی نیست، بلکه به این معناست که بیشتر جریان‌های سیاسی در افغانستان به نحوی جریان‌های دینی نیز هستند. ایدئولوژی احزاب و گروه‌های سیاسی در افغانستان بیشتر از فضای فکری و روایت‌های خاص دینی آب می‌خورد. بر این مبنا مطالعهٔ مبحث پیوند میان دانشگاه و سیاست در افغانستان در واقع مطالعهٔ پیوند میان دانشگاه، دین و سیاست است.

با توجه به نکته‌های فوق می‌توان گفت که دانشگاه‌ها و فضای دانشگاهی در افغانستان مسئله‌های بسیاری دارد که بخشی از آن در ارتباط نزدیک با دین و سیاست قرار می‌گیرد و قابل تبیین است. پرداختن به این مسئله‌ها از آن‌جا که در دوره‌های مختلف به عنوان مشکل و چالش مطرح بوده‌اند، نیازمند کار و تلاش فراوان است. برخوردهای فیزیکی در دانشگاه‌های افغانستان که بر مبنای مخالفت‌ها و شکاف‌های قومی و مذهبی بوده است، گردهمایی‌هایی که در جهت پشتیبانی از گروه‌های افراطی چون طالب و داعش صورت گرفته است، برخوردهای سیاسی خشونت‌آمیز میان دانشجویان، لت‌وکوب تعدادی از دانشجویان دختر توسط دانشجویان شرعیات دانشگاه کابل، گرفتاری شماری از دانشجویان و استادان دانشگاه به اتهام همکاری با گروه‌های تندرو و افراطی از سوی نیروهای امنیتی، و اظهارات شکاکانه دانشجویان در رسانه‌ها از جمله نمونه‌های بارز چالش و مشکل در این زمینه است. از همه مهم‌تر این‌که روایت‌های اصلاح‌طلب و میانه‌رو دینی در افغانستان، به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی کم‌رنگ‌تر است که این نیز می‌تواند مثال دیگری از وضعیت پرمسئلهٔ دانشگاهی ما باشد.

فضای تشریح‌شدهٔ بالا نشان‌دهندهٔ سیاسی‌بودن دانشگاه‌ها، ضعف کار دانشگاهی و نبود فضای تخصصی دانشگاهی است. بدون شک فضاهای دانشگاهی همواره سیاسی بوده‌اند، اما مسئله این است که چرا این

۱. Politicization of University

فضای سیاسی به جای پویایی و توسعه اجتماعی، خشونت و عقب‌گرد ایجاد کرده است. چه عوامل و دلایلی باعث می‌شود که گفتمان مسلط بر همهٔ امور دانشگاه سیاسی باشد و گفتگوهایی که می‌تواند به صورت کثرت‌گرایانه راه بیفتد و به مرور، تکامل و توسعه یابد، به صورت خشونت‌آمیز مطرح شود و موازی با خود، سطح کلان‌تر فضای اجتماعی را نیز متشنج کند؟ یکی از عوامل این وضعیت، فعالیت گسترده و نابه‌هنجار احزاب و گروه‌های دینی - سیاسی، از اسلام‌گراها تا سکولارها و از میانه‌روها تا تندروها و از چپی‌ها تا راستی‌هاست. این گروه‌ها با فعالیت‌های خویش سعی دارند دانشجویان را به صفوف سیاسی و حتی نظامی خویش جلب کنند و برای نیل به این هدف، تبلیغات و فعالیت‌های گسترده‌ای را طرح، برنامه‌ریزی، راه‌اندازی و مدیریت می‌کنند.

به این ترتیب، پرسش اصلی این است که تا چه اندازه شناخت درست و واقع‌بینانه از این گروه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها وجود دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش را نمی‌دانیم. از این رو، قبل از هر اقدام دیگری لازم است که مسئله اصلی بر محور شناخت گروه‌های مذکور و فعالیت‌های سازمان‌یافتهٔ آن‌ها بچرخد. بنابراین، تعداد این گروه‌ها، نوعیت این گروه‌ها، نوع فعالیت آن‌ها و چگونگی طبقه‌بندی این گروه‌ها، مسئله‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

طرح این مسئله و پاسخ به آن، از یک سو شناخت دقیقی برای مخاطبین، از کارگزاران حوزه سیاست تا پژوهش‌گران و شهروندان ارائه می‌دهد؛ و از سوی دیگر، دانشجویان و شهروندان را در مقابل گزینه‌های شناخته‌شده‌ای قرار می‌دهد که فرایند گزینش یا عدم گزینش یک حزب یا گروه دینی - سیاسی توسط آنان به صورت بیشتر آگاهانه انجام شود. از این رو، پرداختن به این مسئله مهم تلقی می‌شود.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

- کدام جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعال‌اند؟

پرسش فرعی

- فعالیت جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

- جریان‌های مختلف دینی - سیاسی با روایت‌های متفاوت دینی - سیاسی و در مواردی متضاد، در دانشگاه‌های افغانستان فعالیت می‌کنند.

فرضیه فرعی

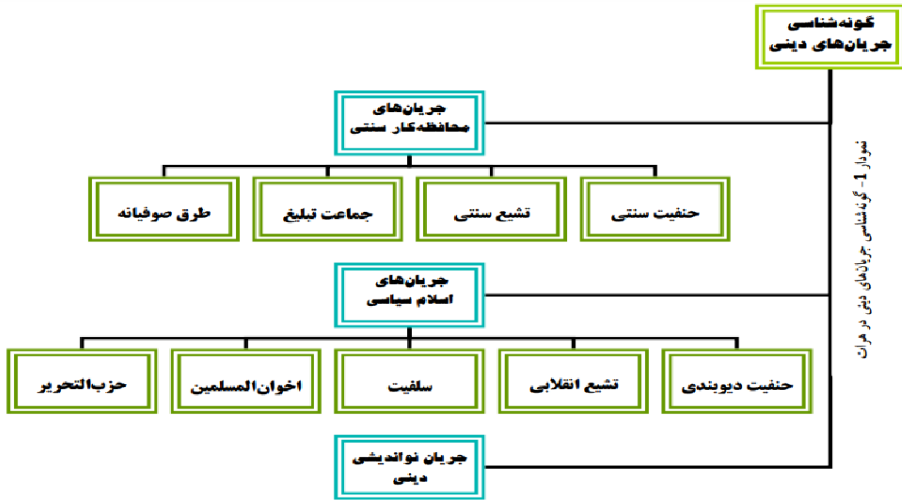
- جریان‌های مختلف با سطوح متفاوت فعالیت‌های دینی - سیاسی، از به‌شدت افراطی گرفته تا میانه‌رو در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعال هستند.

بررسی پیشینه پژوهش

مطالعات مقدماتی و بررسی پیشینه موضوع برای این پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش مشخصی با این عنوان و روش پژوهش تاکنون در این زمینه انجام نشده است. اما به لحاظ مضمونی و محتوایی، پژوهش با مفاهیم و موضوعاتی مرتبط است که از جنبه‌های دیگر، کارهایی در این زمینه صورت گرفته است. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گونه‌شناسی جریان‌های دینی در هرات معاصر (۱۳۹۶) که توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان انجام شده است. در این پژوهش سه جریان محافظه‌کار سنتی، اسلام سیاسی و نواندیشی دینی تشخیص داده شده است. گروه‌های حنفیت سنتی، تشیع سنتی، جماعت تبلیغ، طریقه صوفیانه ذیل جریان‌های محافظه‌کار سنتی؛ و حنفیت دیوبندی، تشیع انقلابی، سلفیت، اخوان‌المسلمین و حزب‌التحریر ذیل جریان‌های اسلام سیاسی قرار گرفته است. این پژوهش از یک طرف به گونه‌شناسی این جریان‌های دینی در هرات و از طرف دیگر به شرح افکار و نظریه‌های این گروه‌ها در سطح محلی خلاصه شده است. گونه‌شناسی این پژوهش در قالب نمودار به صورت زیر ارائه شده است:

نمودار ۱: گونه‌شناسی جریان‌های دینی هرات در یک تحقیق استیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در سال ۱۳۹۶



- ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی؛ بررسی درس‌گفتارهای نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر دانشجویان (۱۳۹۸) نیز توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان انجام شده است. در این پژوهش درس‌گفتارهای سمستر پنجم مضمون ثقافت اسلامی زیر عنوان «نظام سیاسی» اسلام که در دانشگاه‌های دولتی تدریس می‌شود، تحلیل و بررسی شده است. این پژوهش در عین حالی که شماری از مصاحبه‌های نیمه‌منظم کیفی را با شماری از اساتید این مضمون انجام داده است، تعدادی از مصاحبه‌های دیگر را در قالب نظرسنجی با دانشجویان نیز انجام داده است.
- پژوهش دیگری هم که از نشانی استیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان انجام یافته است، تحت عنوان جریان رادیکالیسم در میان دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان (۲۰۱۴) است. این پژوهش به بررسی افراط‌گرایی در میان دانشجویان دانشگاه‌های هشت ولایت جوزجان، بلخ، قندوز، بامیان، کابل، ننگرهار، هرات و قندهار می‌پردازد. این پژوهش از طریق مصاحبه با ۴۰۰ دانشجو و برگزاری ۸ گروه کانونی در دانشگاه‌های ولایات متذکره انجام شده است.

• کتاب «جنبش‌های جدید اسلام‌گرا»^۱ به قلم ژون آرماجانی^۲ بر بنیاد عنوان فرعی کتاب، تاریخ مذهب و سیاست جنبش‌های جدید اسلام‌گرا را مطالعه می‌کند. این کتاب از لحاظ ساختاری به هفت بخش قسمت شده است: به‌اضافهٔ مقدمه و جمع‌بندی، هر کدام از پنج بخش دیگر به مطالعهٔ جنبش‌های اسلام‌گرای یک کشور اختصاص یافته است. این کشورها شامل: مصر، کرانه باختری و غزه و اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان و افغانستان است. در بخش افغانستان، نویسنده نگاه نسبتاً تاریخی به جریان‌های اسلامی افغانستان در زمان حضور اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن دارد. نویسنده مبحث افغانستان را با دخالت و درگیری پاکستان در افغانستان به رهبری جنرال ضیاالحق آغاز می‌کند و پس از آن جریان‌های جهادی، طالبان و القاعده را به بررسی می‌گیرد. نگاه این کتاب به جریان‌های فعال اسلامی در افغانستان آن زمان، بر محور روابط بین‌الملل است و بستر شکل‌گیری آن جریان‌ها را در زمینهٔ مناسبات بین‌المللی مطالعه می‌کند.

• «انقلابی‌ها و اصلاح‌طلب‌ها: جنبش‌های اسلامی معاصر در خاور میانه»^۳ کتاب دیگری است که به گونه‌شناسی و مطالعهٔ جریان‌های فعال دینی - سیاسی در خاورمیانه می‌پردازد. این کتاب با ویرایش باری روبین^۴، توسط مجموعه‌ای از نویسندگان، مطالعاتی موردی را دربارهٔ جریان‌های اسلامی در کشورهایی چون مصر، ترکیه، فلسطین، کویت، آفریقای شمالی و... انجام داده است.

• کتاب «سرنوشت جنبش‌های اسلامی معاصر» از سوی انتشارات سرور سعادت در سال ۱۳۹۴ هج در کابل به نشر رسیده است. قاسم بختیاری (نویسنده) این کتاب را در سه فصل سامان داده است: فصل اول متمرکز بر بررسی مفهوم جنبش و دیگر مفاهیم مرتبط است. فصل دوم دربارهٔ پیوند دین و سیاست، ماهیت اسلام سیاسی، دولت دینی / اسلامی، ویژگی‌های نظام سیاسی در اسلام، و اسلام و خشونت بحث می‌کند؛ و در فصل سوم، شماری از جریان‌های اسلامی چون اخوان المسلمین، طالبان، حماس، حزب‌الله لبنان و جنبش اسلامی مهدی سودانی

۱. Modern Islamist Movements

۲. Jon Armajani

۳. Revolutionaries and Reformers, Contemporary Islamist Movements in Middle East

۴. Barry Rubin

بررسی شده است. نویسنده در فصل اول کتاب اشاره‌ای به تبارشناسی و گونه‌شناسی جریان‌های اسلامی دارد. در بحث تبارشناسی جنبش‌های اسلامی به صورت خلاصه به سه نسل جنبش‌های اسلامی اشاره می‌کند. نویسنده در مبحث گونه‌شناسی، جنبش‌های اسلامی را به سه گونهٔ نوگرایی (اصلاح‌طلبی)، سلفی‌گرایی (رادیکالیسم اسلامی) و نواندیشی (سکولاریسم اسلامی) تقسیم‌بندی کرده است.

- «دانشگاه و عدالت اجتماعی: مبارزاتی از سراسر جهان»^۱ به ویرایش عزیز چودری^۲ و سلیم ولی^۳ به مطالعهٔ موردی شماری از جریان‌های دانشجویی در کشورهای بریتانیا، هند، ترکیه، کانادا، شیلی، فلسطین، مکزیک، فرانسه، آفریقای جنوبی، نیجریه و فلیپین می‌پردازد. این کتاب با مطالعهٔ این جریان‌ها تلاش می‌کند به ماهیت فکری و ایدئولوژیک پیوند این جریان‌ها با دانشگاه و سیاست بپردازد.
- «تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر» نوشته دکتر علی اصغر حلبی از منابع دیگری است که به صورت تاریخی به نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر اسلامی پرداخته است. در این کتاب که با نظری اجمالی به وضع مسلمانان از آغاز تا زوال امپراتوری عثمانی و علل ضعف و انحلال این امپراتوری آغاز می‌شود و در ادامه به مباحثی چون نهضت اسلامی در مصر، حرکت سلفیه، نهضت وهابیت، جنبش اسلامی در هند، نهضت اخوان المسلمین، جنبش اسلامی در لیبی، جنبش اسلامی سوریه، نهضت اسلامی در لبنان، جنبش اصلاح نزد شیعه و نهضت اسلامی در عراق می‌پردازد. این کتاب تلاش می‌کند تصویری از تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر اسلامی ارائه دهد.
- فصل هفتم کتاب «رساله‌ای در باب سیاست آموزش‌های عالی»^۴ زیر عنوان «سیاست دانشجویی: میان نمایندگی و کنشگری» به نویسندگی مانژا کلیمنچ^۵ و بو یون پارک^۶ از

۱. The University and Social Justice, Struggles Across the Globe

۲. Aziz Choudry

۳Salim Vally

۴Handbook on the Politics of Higher Education

۵Manja Klemencic

۶Bo Yun Park

دانشگاه هاروارد به این می‌پردازد که دانشجویان با چه شیوه و با کدام ابزار و وسایل پیوندشان را با سیاست در داخل و بیرون از دانشگاه تنظیم می‌کنند. این کتاب در باب رابطه سیاست و دانشگاه است و فصل هفتم آن بر سیاست دانشجویی تمرکز دارد.

طوری که ملاحظه می‌شود، منابع بیشتر به لحاظ مفهومی با پژوهش مرتبط‌اند و به صورت مشخص با موضوع ربط نمی‌گیرند. به این ترتیب، پژوهش حاضر با موضوعی که اهمیت آن تشریح شد، قدمی در رفع خلأ موجود در این زمینه به لحاظ ادبیات موضوع است و می‌تواند مبنای کارهای بعدی در این زمینه باشد.

روش پژوهش

این پژوهش برای ارائه پاسخ به پرسش‌های تحقیق و بررسی امکان‌های تأیید یا رد فرضیه‌ها و ارائه پاسخ به پرسش‌ها از شیوه پژوهش ترکیبی کمی - کیفی استفاده می‌کند. در این پژوهش علاوه بر پرداختن به مبانی نظری، بررسی ادبیات دانشگاهی و داده‌های مفهومی، از پرسش‌نامه به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها از نمونه آماری استفاده می‌شود. در این تحقیق پیمایشی تلاش شده است که تعدادی مصاحبه‌های منظم با جامعه آماری مشخص - بر اساس گستره پژوهش - انجام شود. این مصاحبه‌های منظم داده‌ها و آمار نسبتاً کافی را در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهد تا بر مبنای آن مسئله اصلی مورد بحث را تحلیل و بررسی کنند. این روش از این جهت برای پژوهش مناسب دانسته شده که جمع‌آوری داده‌ها و انجام پژوهش در این مورد به جز رفتن به محیط‌های دانشگاهی و جمع‌آوری داده‌ها از دانشجویان که عملاً تجربه حضور در این محیط‌ها و مواجهه با جریان‌های دینی - سیاسی را دارند، با روشی دیگر ممکن نیست. این روش امکان جمع‌آوری منابع و داده‌های آماری دست اول را به پژوهش‌گران می‌دهد که بر اساس آن می‌توان وضعیت محیط‌های دانشگاهی را در چهارچوب گستره پژوهش تحلیل کرد.

به این منظور دانشجویان سال سوم، مشخصاً سمستر ششم، دانشگاه‌های کابل، هرات، بلخ، قندهار، بامیان، البیرونی و ننگرهار که دارای بالاترین صنف تا زمان برنامه‌ریزی برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش بوده‌اند، به عنوان جامعه آماری برگزیده شده‌اند. دلیل این انتخاب تجربه کافی و حضور بیشتر این دانشجویان در محیط دانشگاه بوده است. زیرا دانشجویان سمستر ششم در نیمه دوم دوره تحصیلی

خود قرار دارند و تا این زمان از وضعیت دانشگاه خویش آگاهی کافی حاصل کرده‌اند. به این ترتیب، بر اساس داده‌های همکاران ساحوی از دانشگاه‌های مورد بررسی، جدول زیر از جامعه آماری و نمونه آماری ترتیب شده است. نمونه آماری بر اساس جدول مورگان به دست آمده است و تعداد پرسش‌نامه‌های هر دانشگاه با توجه به فیصدی تعداد دانشجو در جامعه آماری، محاسبه شده است.

جدول ۱: شرح نمونه آماری پژوهش بر بنیاد نام دانشگاه و ارقام مجموعی آن

دانشگاه	جامعه آماری به شماره	جامعه آماری به درصد %	نمونه آماری نظر به درصد دانشجو، بر بنیاد جدول مورگان	روندآف نمونه آماری
کابل	۴۴۳۳	۲۴,۳۷۵۸۹۳۵۴	۹۱,۴۰۹۶۰۰۷۸	۹۱
البیرونی	۱۲۰۸	۶,۶۴۲۴۷۲۲۳۱	۲۴,۹۰۹۲۷۰۸۷	۲۵
بلخ	۲۷۷۳	۱۵,۲۴۷۹۹۲۹۶	۵۷,۱۷۹۹۷۳۶	۵۷
ننگرهار	۲۹۸۸	۱۶,۴۳۰۲۲۱۰۵	۶۱,۶۱۳۳۲۸۹۴	۶۲
هرات	۳۸۱۹	۲۰,۹۹۹۶۷۰۰۸	۷۸,۷۴۸۷۶۲۸	۷۹
کندهار	۱۵۷۵	۸,۶۶۰۵۰۸۰۸۳	۳۲,۴۷۶۹۰۵۳۱	۳۲
بامیان	۱۳۹۰	۷,۶۴۳۲۴۲۰۵۴	۲۸,۶۶۲۱۵۷۷	۲۹
مجموع	۱۸۱۸۶	۱۰۰	۳۷۵	۳۷۵

مجموع جامعه آماری پژوهش ۱۸۱۸۶ دانشجو است. بر بنیاد محاسبات جدول مورگان، ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه آماری و به شیوه تصادفی با قسمت‌بندی مشخص بر اساس تعداد دانشجو در هر یک از دانشگاه‌هایی که شامل جامعه آماری می‌شود، انتخاب شده‌اند.

علاوه بر پرسش‌های مرتبط با بحث گونه‌شناسی جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی، دو پرسش نیز جهت ارزیابی کلی فعالیت جریان‌های فعال و سطح اختلاف و هم‌سویی جریان‌ها با نظام حاضر در پرسش‌نامه طرح شده است. در طرح این پرسش‌ها از شیوه امتیازدهی یا نمره‌گذاری لیکرت استفاده شده است. این شیوه دارای مقیاس‌های ۴ تا ۶ گزینه‌ای در زمینه طرح پرسش‌های مرتبط است. بر این مبنای مقیاس‌های مشخصی که بر مبنای آن سؤال‌های مذکور مطرح می‌شوند، به این قرار است: پرسش

«سطح موافقت یا مخالفت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه با نظام حاضر» شامل گزینه‌های «به شدت مخالف» «مخالف» «نظری ندارم» «موافق» و «به شدت موافق» است. گزینه «نظری ندارم» پاسخ مبنی بر نداشتن معلومات یا نداشتن نظر خاص در مورد مسئله است. برای بررسی فعالیت جریان‌ها در محیط‌های دانشگاهی به صورت کلی، این گزینه‌ها شامل موارد «کاملاً مثبت» «مثبت» «نظری ندارم» «منفی» و «کاملاً منفی» ارائه شده است.

از منظر تحلیلی، پژوهش از هر دو روش تحلیل کمی و کیفی استفاده می‌کند. با روش تحلیل کمی تمام داده‌ها و اطلاعات آماری که از پرسش‌نامه‌ها به دست می‌آید، مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرند. این ارزیابی زمینه را برای تحلیل کیفی تحقیق هموار می‌کند. در تحلیل کیفی تلاش می‌شود با استفاده از آمار به دست آمده و مباحث طرح‌شده در مقدمه و چهارچوب نظری، نمودار گونه‌های جریان‌های فعال دینی - سیاسی در دانشگاه‌ها ترسیم شود و در مورد چگونگی فعالیت آن‌ها بحث شود.

سامان‌دهی پژوهش

پژوهش حاضر به‌اضافه بخش نخست که شامل کلیات است، دارای سه بخش دیگر است: بخش دوم تحت عنوان «چهارچوب نظری و مفهومی» به طرح نظریه اصلی که پژوهش از منظر نظری بر آن استوار است، اختصاص یافته است. در این بخش، مفاهیم اصلی مرتبط با پژوهش به صورت مشروح مطالعه شده است.

بخش سوم شامل تحلیل داده‌های کمی است. در این بخش، داده‌های کمی پژوهش که نتیجه مصاحبه با ۳۷۵ دانشجو است، به صورت مفصل با ارائه جدول‌ها، شکل‌ها، گراف‌ها و دیاگرام‌ها تحلیل و بررسی شده است. در این بخش، یافته‌های مشخص آماری پژوهش تجزیه و تحلیل شده و با تحلیل مشروح کیفی، رابطه میان عناصر و پارامترهای متفاوت تحقیق که در پرسش‌نامه مطرح شده است، نیز مورد مطالعه و آناکاوای قرار گرفته است.

قسمت آخر یا چهارم پژوهش نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. در این بخش، نتایج براننده پژوهش به صورت نکته‌وار، ذکر و مباحث جمع‌بندی شده است. پیشنهادهای پژوهش‌گران برای

کارگزاران عرصه سیاست و امور دانشگاهی و تحصیلات عالی نیز در این قسمت آمده است و در ادامه آن، فهرست منابع و ضمایم تحقیق قابل دسترس است.

چهارچوب نظری و مفهومی

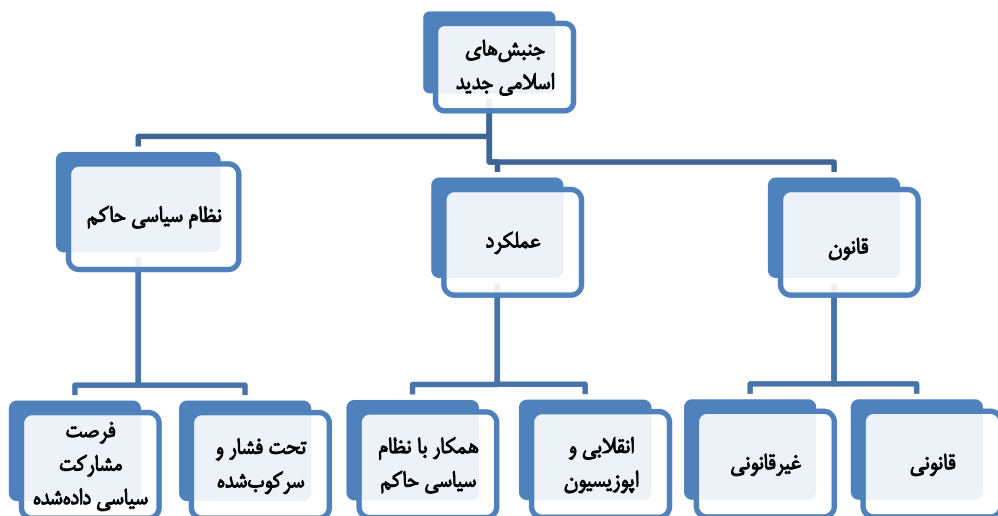
جهت زمینه‌سازی برای تجزیه و تحلیل پژوهش و تبیین هم‌سویی داده‌ها و یافته‌ها نیاز است پژوهش از یک چهارچوب نظری برخوردار باشد که این مهم را امکان‌پذیر کند. به صورت معمول چهارچوب نظری از مطالعه نظریه‌های مرتبط با موضوع پژوهش به دست می‌آید. از این طریق که دیده شود کسانی که قبلاً به موضوع پرداخته‌اند، چطور با مسئله برخورد کرده و از کدام نظریه‌ها استفاده کرده‌اند. مطالعه آن‌ها ممکن است چهارچوبی را برای مطالعه جامعه یا به بیان دقیق‌تر بخشی از جامعه به دست دهد که به وسیله آن پژوهش، داده‌ها و یافته‌های آن، تجزیه و تحلیل شود. گاهی هم چهارچوب نظری با مطالعه و تلفیق چندین نظریه و روش مواجهه به دست می‌آید.

باری، از آن‌جا که چهارچوب نظری شیوه مشخصی را برای ورود به موضوع پژوهش فراهم می‌آورد، گاهی ممکن است نظر به موضوع پژوهش یا عناصر و متغیرهایی که پژوهش‌گر به دنبال آن است، از منابع و پژوهش‌گران قبلی به دست نیاید. در ارتباط با پژوهش حاضر، با وجودی که به موضوع از نشانی‌های مختلف از قبل پرداخته شده، چهارچوبی که بتواند زمینه تحلیل و بررسی تمام عناصر دخیل در یک گونه‌شناسی نسبتاً کامل را در مورد جریان‌های دینی - سیاسی فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فراهم آورد، از مطالعه مقدماتی و مرور پیشینه به دست نیامد. نزدیک‌ترین تلاشی که در این مورد به دست آمد، طیف‌بندی تجارب جهان اسلام در عرصه احیاء دینی و فرایند دموکراتیک‌سازی است که توسط جان اسپوزیتو و جان وال در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» با عنوان فرعی «اسلام و دموکراسی» انجام شده است. آنان زیر عنوان «طیف‌بندی تجارب» عوامل اساسی مؤثر در شناخت جنبش‌های اسلامی جدید، شامل عامل قانونی‌بودن یا نبودن، عملکرد و نظام سیاسی حاکم، را بر می‌شمارند: «چند عامل نقش اساسی در شناخت جایگاه جنبش‌های اسلامی جدید در روابط رو به رشد میان احیاء دینی و فرایند دموکراتیک‌سازی دارند. عامل نخست این‌ها که آیا این جنبش‌ها به شکل قانونی به وجود آمده‌اند یا غیرقانونی و این‌ها چگونه موقعیت آنان در طول زمان تغییر کرده است. دوم این‌ها که این جنبش‌های جدید تا چه اندازه خصلت کنش‌گری انقلابی و اپوزیسیونی در مقابل نظام‌های

سیاسی حاکم داشته و تا چه اندازه مایل به همکاری با رهبر این سیاسی حاکم بوده‌اند. وجه مهم سوم، رویکرد رهبران سیاسی حاکم بر این جنبش‌های اسلامی جدید بوده است: آیا دولت مستقر در صد اعمال فشار و سرکوب جنبش‌های مذکور بوده است یا حداقل فرصت مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز برای آن‌ها وجود داشته است» (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۷: ۲۷).

بر اساس دیدگاه اسپوزیتو و وال، با توجه به دو روند تجربه‌شده (۱) احیای اسلامی (۲) دموکراتیک‌سازی در جوامع اسلامی، چهارچوب نظری سه‌عاملی زیر را می‌توان برای دسته‌بندی جنبش‌های اسلامی جدید ترسیم کرد:

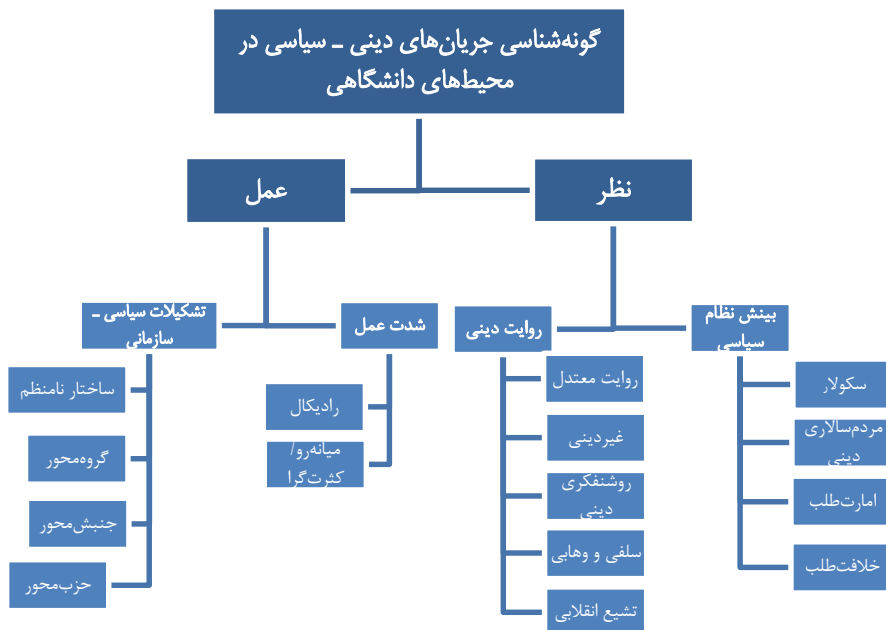
نمودار 2: شکل استخراجی نظریه اسپوزیتو و وال



با وجودی که تلاش اسپوزیتو و وال چهارچوب خوبی را برای طیف‌بندی جنبش‌های اسلامی جدید فراهم می‌آورد، اما برای امکان گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی فعال در محیط‌های دانشگاهی، کامل و مؤثر نیست. چه برای این جریان‌ها و امکان ارائه چهارچوب گونه‌شناسی آن، نیاز است عوامل و عناصر بیشتر و متفاوت‌تری که بتواند ابعاد مختلف حضور نظری و عملی آنان را احتوا کند، شناسایی شده و در چهارچوب یگانه‌ای ارائه شود. این عوامل و عناصر می‌تواند شامل روایت دینی و بینش نظام سیاسی در بعد نظری و تشکیلات سیاسی - سازمانی و شدت عمل در بعد عملی باشد. چهارچوبی که

بتواند این چهار شاخصه را در مورد یک جریان دینی - سیاسی توضیح دهد، می‌توان آن را چهارچوب نسبتاً کاملی برای تحلیل جریان‌های دینی - سیاسی دانست.

به این ترتیب، ادامه این بخش تلاشی در راستای ارائه چنین چهارچوبی است. به این منظور نیاز است نظرها و عمل‌ها، به ترتیب، ذیل روایت دینی و بینش نظام سیاسی در بعد نظری و تشکیلات سیاسی - سازمانی و شدت عمل در بعد عملی قرار گرفته و مشخص شود. به این منظور پژوهش حاضر، نظر به بستر جغرافیایی مورد پژوهش، در بعد نظری روایت‌های سلفی و وهابی، تشیع انقلابی، غیردینی، روشنفکری دینی و اعتدال را ذیل روایت دینی و بینش‌های سکولار، مردم‌سالاری دینی، امارت‌طلبی و خلافت‌طلبی را ذیل بینش نظام سیاسی قرار می‌دهد. همچنین در بعد عملی ساختار نامنظم، جنبش‌محوری، گروه‌محوری و حزب‌محوری را ذیل تشکیلات سیاسی - سازمانی و رادیکال و میانه‌رو/کثرت‌گرا را ذیل شدت عمل قرار می‌دهد. عبارت «نظر به بستر جغرافیایی مورد پژوهش» در بالا به این دلیل آمد که ممکن است نظر به یک بستر جغرافیایی متفاوت، نظرها و عمل‌های متفاوتی ذیل ستون‌های اصلی روایت و بینش نظام سیاسی از بعد نظری و تشکیلات سیاسی - سازمانی و شدت عمل در بعد عملی قرار گیرد. چهارچوب اصلی اما همچنان امکان گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی را فراهم می‌آورد. باری، صورت‌بندی تلاشی که در بالا شرح آن رفت، در قالب شکل به صورت زیر خواهد بود:



از این منظر صورت‌بندی بالا می‌تواند چهارچوب نسبتاً کاملی را برای گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی فعال در محیط‌های دانشگاهی فراهم آورد. قسمی که اگر جریانی به لحاظ نظری با روایت دینی و بینش نظام سیاسی و به لحاظ عملی با ساختار سیاسی و شدت عمل مورد بحث قرار گرفته و چگونگی آن شناسایی شود، نوعیت آن شناسایی شده و جایگاه آن در گروه‌بندی مشخص می‌شود. از نکات قابل توضیح در مورد چهارچوب بالا: (۱) طرح دین به عنوان چتر کلی برای هر امر و جریان اجتماعی و سیاسی در اجتماعی که همه امور با دین پیوند می‌خورد و دارد و (۲) طرح روایت غیردینی، خداناباوری و سکولاریسم، به عنوان امر دینی از جهت ارتباط و ایستادن در نقطه مقابل روایت‌های متعارف دینی است. قبل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش بر اساس چهارچوب نظری بالا، نیاز است به مفاهیم و اصطلاحاتی که ذیل ابعاد نظری و عملی قرار گرفت پرداخته شود. این امر در توضیح مراد پژوهش از آن مفاهیم و در ادامه در تجزیه و تحلیل بهتر داده‌ها و یافته‌ها مؤثر خواهد بود.

گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی

نمودار چهارچوب نظری این پژوهش که در بالا ترسیم شده است، جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی را از دو منظر عمل و نظر دسته‌بندی و گونه‌شناسی می‌کند. برای توضیح بیشتر چهارچوب نظری طرح‌شده، اکنون هر شاخه و زیرشاخه آن به صورت جداگانه و منفرد مورد شرح و مطالعه قرار می‌گیرد.

گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی؛ بعد نظری

شاخه «نظر» گونه‌شناسی جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان، متمرکز بر دو عنصر «بینش نظام سیاسی» و «روایت دینی» می‌شود. طوری که در بالا آمده «بینش نظام سیاسی» شامل زیرشاخه‌های سکولار، مردم‌سالاری دینی، امارت‌طلبی و خلافت‌طلبی می‌شود؛ در حالی که «روایت دینی» زیرشاخه‌های روایت معتدل، سلفی و وهابی، غیردینی، روشنفکری دینی و تشیع انقلابی را در خود جا داده است. در ادامه به شرح تمام این زیرشاخه‌ها می‌پردازیم.

(۱) روایت دینی

یک جریان دینی - سیاسی برای امکان ابراز وجود و حضور، نیاز به روایت خاصی از دین دارد. این جریان یا چنین روایتی را می‌سازد و شکل‌دهنده آن است و یا آن را به میراث می‌برد و ادامه‌دهنده آن است. برای امکان گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی نیاز است به روایت دینی‌ای پرداخته شود که این جریان‌ها یدک می‌کشند و با آن به مناسبات اجتماعی و سیاسی نگاه می‌کنند. در راستای این مهم، در ادامه به روایت‌های معتدل، سلفی و وهابی، غیردینی، روشنفکری دینی و تشیع انقلابی می‌پردازیم که ممکن است یک جریان دینی - سیاسی از آن برخوردار باشد و از طریق آن به مناسبات اجتماعی و سیاسی نگاه کند.

الف: روایت معتدل

در یک تعریف ساده، معتدل، حال یا موقعیتی میان دو حال یا موقعیت است. دو حالی یا موقعیتی که می‌توان به عبارتی آن را افراط و تفریط گفت. ادعای نظر یا عمل معتدل، میانه‌بودن و میانه‌روی است و بر این مبنا نظر و عمل معتدل نمی‌تواند افراطی یا رادیکال باشد. به این ترتیب معتدل می‌تواند شامل نظر و عمل‌های مختلفی در گستره وسیعی از نظر و عمل‌های زندگی انسانی باشد. یک جریان دینی -

سیاسی معتدل، نظری است که میان طیفی از نظریات غیردینی از یک طرف و نظریات افراطی دینی از طرف دیگر قرار می‌گیرد. روایت معتدل دینی دوربنایی را ترسیم می‌کند و در نظر دارد که در آن نه بی‌دینی است و نه افراط‌گرایی دینی. ادعای جریان‌ی با روایت دینی معتدل، پرداخت و نگاه عقلانی به دین است. بر این اعتبار با پیراستن دین از نگاه‌های افراطی که صادق دین خوانده نمی‌شود، می‌توان به میانه‌ای رسید که دین را با شرایط دنیای مدرن آشتی دهد. از این جهت، روایت دینی معتدل تلاشی شبیه و نزدیک به روشنفکری دینی است، اما بنا به دلایلی ممکن است خود را جریان‌ی با روایت روشنفکری دینی نماند.

ب: غیردینی

این روایت در مقابل مجموعه روایت‌هایی قرار می‌گیرد که امور اجتماعی و سیاسی را دینی می‌دانند و به دین پیوند می‌دهند. در این روایت، امور اجتماعی و سیاسی، امور غیردینی تلقی می‌شود که در نتیجه باید با روش‌ها و راهکارهایی به سراغ آن‌ها رفت که بر مبنای عقل انسانی استوار باشد. این روش لزوماً به معنای ضدیت و تقابل با باور دینی نیست و تنها امور اجتماعی و سیاسی را غیردینی می‌داند. در این روایت، حکومت و قانون‌گذاری از امور انسانی است که ملاک آن نیازهای دنیایی انسان‌هاست و نظر به زمان و شرایط می‌تواند دستخوش تغییر شود. در حالی که در نقطه مقابل این روایت، دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرد که قانون و حکومت را امر الهی می‌داند و در بسا موارد آن را قابل تعدیل و تغییر نمی‌داند. این روایت را به لحاظ بینش و نظر می‌توان سکولار خواند که در ادامه بحث خواهد آمد؛ و از این جهت می‌توان آن را محصول رنسانس و سه جریان اصلی آن شامل اصلاحات دینی، انسان‌گرایی و انقلاب علمی دانست.

ج: روشنفکری دینی

روشنفکری دینی تلاشی برای بازخوانی دین و برقراری پیوند میان دین با روشنفکری است. این جریان بر بازخوانی دین از منظر عقلانی و عقلانیت، آشتی‌دادن این دو که سنت آن را جدا نگاه داشته است و نقد سنت دینی تأکید دارد. سنت روشنفکری که پیشینه آن به قرون میانه اروپا برمی‌گردد، یک‌سری ویژگی‌های بارز به شمول اصلاح‌طلبی، عقل‌گرایی و آزادی دارد. روشنفکری دینی تلاش می‌کند تا این ویژگی‌های بارز روشنفکری را با دین آشتی دهد و آن‌ها را در بستر دین پیاده کند. در همین راستاست

که جدال میان عقلانیت و دین و یا به تعبیر دیگر میان عقل و نقل شکل می‌گیرد. جدال عقل و نقل در بستر دین، جدالی درازدامن و بایپیشینه بوده است.

روشنفکری دینی تلاش می‌کند برای عقل در مقابل نقل، جایگاه شایسته و بایسته‌ای قایل شود. از این طریق این روایت و روش از دستاوردهای عقلی و علمی بشر بیشتر سود می‌جوید و به سراغ منابع و واسازی‌هایی می‌رود که نشان از نزدیکی این دو داشته باشد. از همین رو روشنفکری دینی به معنای امروزی آن تلاشی جدید و واکنشی، نسبت به فضایی است که در آن دین کم‌از کم در قالب سنتی رنگ می‌بازد و انسان بیشتر به لطف عقل و علم خویش، عمل می‌کند. در چنین جهانی، روشنفکری دینی تلاش می‌کند با بازخوانی دین، آن را تشریح کند. از نکات برجسته دیگر این روایت، تأکید آن بر تساهل و مداراست. این روایت به کثرت و تنوع جهان انسانی اذعان داشته و می‌کوشد آن را از نشانی دین به رسمیت شناخته و محترم شمارد.

د: سلفی و وهابی

سلفی به فرد یا جریانی در اسلام گفته می‌شود که خود را پیرو «سلف صالح» دانسته و «اهل حدیث» باشد. از این منظر مراد از پیروی کردن از سلف صالح، تبعیت از پیامبر اسلام، صحابه، تابعین و تابع تابعین است که از منظر دینی «پیشگامان درست‌کار» خوانده می‌شوند. دلیل درست‌کاری و برتری آنان «پایبندی نسل‌های آن به احکام شریعت اسلامی و فاصله زمانی اندک به نزول وحی و پیامبر گرامی اسلام (ص) است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶: ۱۳۲). آنان «به عنوان اکتفا به پیروی از «سلف صالح» (= پیشینیان نیکوکار) مسلمین را از آنچه خرافات و بدعت متأخران می‌خوانند، تحذیر می‌کنند» (حلبی، ۱۳۹۰: ۷۲). یک جریان سلفی جریانی بنیادگراست؛ زیرا بنیاد را در شیوه زندگی سلف صالح و صدر اسلام می‌داند و می‌خواهد به آن شیوه زندگی و سنت برگردد. در نتیجه آنچه نو است، از این منظر بدعت دانسته شده و با آن مبارزه می‌شود. این فکر خلاف نوآوری فکری و عملی در دین است و آن را خلاف بنیاد و اصل دین می‌داند. همچنین سلفی‌ها با تأکیدی که بر احادیث دارند، اهل حدیث یا اصحاب حدیث خوانده می‌شوند. اصحاب حدیث که یک جریان نظری بایپیشینه در اسلام است، در مقابل روش و بینش اصحاب رأی قرار می‌گیرند. «اصحاب حدیث برخلاف اصحاب رأی که به عقل و رأی و قیاس و

استحسان در مسائل فقهی توجه می‌کردند، سخت مخالف عقل بودند و به ظواهر قرآن و حدیث و نقل اخبار و روایات و احادیث تکیه می‌کردند» (موثقی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

وهابیت، جریان بنیافته بر اساس آرای محمد بن عبدالوهاب، یکی از شاخه‌های سلفیت است. قسمی که گفته می‌شود: «در روزگار جدید، رواج این اندیشه به ظهور محمد بن عبدالوهاب (۱۷۸۱-۱۷۰۳/۱۲۰۱-۱۱۱۵) برمی‌گردد» (حلبی، ۱۳۹۰: ۷۲). اصول و محورهای اصلی تعلیم وهابیت را همچون سلفیت، مبارزه با آنچه بدعت و شرک خوانده می‌شود و در مقابل، برگشت به اسلام سلف و سلف صالح تشکیل می‌دهد. همچنین این جریان به عنوان یک جریان «اهل حدیث»، مخالف عقل و رأی در امور دینی است.

هـ: تشیع انقلابی

تشیع انقلابی روایتی معطوف به انقلاب اسلامی ایران و یکی از اهداف اصلی آن، صدور انقلاب است. «این انقلاب بسیاری از مسائل مرتبط با بیداری اسلامی معاصر از قبیل ایمان، فرهنگ، قدرت و سیاست را در بر می‌گیرد. در انقلاب اسلامی بر مفاهیمی چون هویت، اصالت فرهنگی، مشارکت سیاسی و عدالت اجتماعی، نفی غرب‌گرایی، استبداد حکومتی، فساد و توزیع نامتوازن ثروت تأکید می‌شود» (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۷: ۱۱۱). همچنین آمده است که «ایران بود که نخستین انقلاب سیاسی «اسلامی» موفقیت‌آمیز خود را به جهان اسلامی مدرن عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلامی جنگید و شعار مرکزی آن «الله اکبر»، نماد اصلی و ایدئولوژی آن انقلابی‌گری شیعی و رهبری آن به دست علمای اسلامی بود» (همان: ۱۲۸).

ریشه این انقلابی‌گری و صدور آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده و بازتاب یافته است. قسمی که در مقدمه این قانون اساسی می‌خوانیم: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» در قسمت دیگری از مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت بیشتر بیان شده است که «در تشکیل و تجهیز

نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم)». مواد ۱۵۲ و ۱۵۴ این قانون نیز با بیان «دفاع از حقوق همه مسلمانان» و «حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» به صورت ضمنی به امکان و راه مداخله جمهوری اسلامی ایران در امور کشورهای دیگر بر اساس روایت انقلاب اسلامی اشاره دارد.

از همین رو گفته می‌شود که «ایران امام خمینی مبدل به منبع و کانون ترس از اسلام رادیکال یا انقلابی شد که تهدیدی برای حکومت‌های جهان اسلام و غرب به حساب می‌آید... خیلی‌ها زمانی که از ماهیت و تهدید «بنیادگرایی اسلامی» در ارتباط با طیفی از مسائل از اسلام و انقلاب گرفته تا اسلام و دموکراسی حرف می‌زنند، همچنان به ایران در مقام نوعی مرجع یا نمونه اشاره می‌کنند (همان). و این که «جمهوری اسلامی ایران همچنان نماد اصلی اسلام انقلابی باقی مانده است» (همان: ۱۱۲). آیت‌الله خمینی در مورد صدور انقلاب می‌گوید: «ما می‌خواهیم که این انقلاب مان را، انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود» (وبسایت ۱). به این ترتیب در کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای نزدیک به نفوذ جمهوری اسلامی ایران، حرکت‌ها و جریان‌هایی بوده که در هم‌سویی با جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و مورد حمایت آن قرار گرفته‌اند.

۲) بینش نظام سیاسی

یک جریان دینی - سیاسی برای امکان فعالیت نیاز به بینشی دارد که بتواند نظام سیاسی مورد نظرش را توضیح دهد. این بینش به‌زعم هر جریان دینی - سیاسی مشخص، ساختاری را فراهم خواهد آورد که در آن روایت دینی‌شان بهتر قابل تطبیق و بازتاب خواهد بود. بنابراین برای گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی نیاز است بینش نظام سیاسی آنان به عنوان یک عنصر اصلی توضیح داده شود. در این

راستا در ادامه به چهار بینش نظام سیاسی شامل بینش سکولار، مردم‌سالاری دینی، امارت‌طلبی و خلافت‌طلبی پرداخته می‌شود.

الف: سکولار

در بینش سکولار تأکید بر جدایی دین از سیاست است، طوری که نهادها و افراد سیاسی جدا از نهادها و افراد دارای مقام دینی باشند. به این ترتیب بینش سکولار یک بینش معطوف به زمان و امور دنیایی، جدا از بینش ازلی و ابدی دین نسبت به امور دنیایی است. «کلمه «سکولار» کلمه‌ای لاتین است و به معنای «حالا» و «زمان حاضر» است. لذا سکولاریسم در حقیقت به معنای «توجه به زمان حال کردن» است» (سروش، ۱۳۹۲: ۷۴). واژه‌نامهٔ کمبریج هم سکولار را بینشی تعریف می‌کند که «با دین مرتبط نیست» (وبسایت ۲). به این معنا سکولار می‌تواند شامل عرصه‌های مختلف زندگی فکری و رفتاری بشر شود. به عنوان نمونه یکی از عرصه‌هایی که سکولاریسم در آن بحث می‌شود و مسئله است، آموزش و پرورش است. پرسش: آیا باید فضای آموزشی یک فضای معطوف به مباحث علمی و عقلی باشد یا به مباحث اعتقادی نیز بپردازد؟ مرتبط به همین مورد است. به همین ترتیب، بینش سکولار در عرصه‌های دیگر نظری و عملی انسان نیز مطرح است.

در مقام یک بینش سیاسی، تکیه و تز اصلی بینش سکولار جدایی دین از دولت است. طوری که این امکان فراهم آید که این دو بتوانند راه خود را بدون مداخله همدیگر بروند. فرض سکولاریسم بر این است که این جدایی برای پیش‌برد امور و نظم‌دادن به آن مفید و کمک‌کننده است و امکان موفقیت در کارها را افزایش می‌دهد. یک بینش سکولار برای سکولارسازی^۲ جامعه تلاش می‌کند. این تلاش معطوف به جدایی دین از امور اجتماعی و سیاسی است. از موارد مناقشه‌برانگیز در مورد بینش سکولار چگونگی رابطهٔ آن با دین است. گاهی خواست جدایی دین از دولت، به معنای بی‌دینی و مخالفت و دشمنی با دین تعبیر و دانسته شده است؛ اما استدلال مخالف آن، ادعای متفاوتی دارد و خواست و تلاش جدایی دین از دولت را بی‌دینی یا مخالفت و دشمنی با دین نمی‌داند. با این وجود در بسا موارد این پدیده در جهان اسلام یک عنصر خارجی و بیگانه دانسته شده است. در سطحی که در تعریف از آن آورده شده که «سکولاریسم در غرب یعنی جدایی کلیسا و حکومت، یعنی جدایی قدرت دینی و قدرت سیاسی...»

۱. Present

۲. Secularization

(الجابری و حنفی، ۱۳۹۲: ۵۷). همچنین در بسا موارد به عنوان صفت در مذمت آنانی به کار رفته که ایده جدایی دین از دولت را مطرح کرده‌اند. باری، بینش سکولار در مقام نگاه به امر سیاسی، جدایی دین از دولت را مراد دارد و آن را مفید می‌داند.

ب: مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی^۱ بینشی است که بر حکومت‌داری مردم‌سالار در محور آنچه ارزش‌ها و اصول دینی تعریف می‌کند، تأکید دارد. ترکیب این دو، مرتبط به مبحث و مراد پژوهش حاضر، بینش و ساختاری است که «جمهوری اسلامی» خوانده می‌شود. در این بینش، تأکید بر مشارکت همگانی در امور جمعی که از دموکراسی می‌آید با ارزش‌ها، اصول و بایدهای دینی در عرصه اجتماعی و سیاسی پیوند زده می‌شود. این امر از یک طرف پاسخی به خواست عمومی و رو به رشد مردم‌سالاری در سطح جهان است که نظر به تحولات سیاسی و سازمانی امکان تعامل نزدیک‌تر و بهتر را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر، برای باشندگان سرزمینی است که به رشد آگاهی سیاسی و درکی از شهروند و شهروندی در مقابل تبعه رسیده‌اند. در نتیجه این بینش کوشش می‌کند میان اسلام و مردم‌سالاری سازگاری نشان داده و در میانه دو طیف متضاد احیای اسلامی و مردم‌سالاری کامل قرار گیرد و این کار را می‌خواهد با جستجوی منابع مشارکت همگانی در سنت دینی و واسازی منطبق آن با مردم‌سالاری انجام دهد.

به عنوان مثال تلاشی از این نوع در تبیین نزدیکی مردم‌سالاری مشورتی^۲ و شوراگرایی اسلامی است. منصور میراحمدی در کتاب قطوری تحت عنوان «اسلام و دموکراسی مشورتی» به این موضوع پرداخته و در پایان نتیجه می‌گیرد که «دو نظریه دموکراسی مشورتی و شوراگرایی اسلامی، اگرچه از لحاظ نظری از تبار خاص و متفاوت برخوردارند، هم‌سویی‌ها و قرابت‌هایی در بنیان‌های نظری آن‌ها دیده می‌شود» (میراحمدی، ۱۳۹۳: ۴۰۴). از این منظر با جزئیاتی که به لحاظ تاریخی ارائه می‌شود، شوراگرایی اسلامی و دموکراسی مشورتی «محصول تحولات فکری هستند که در دو حوزه اندیشه‌های سیاسی اسلام و غرب در دوران معاصر پدید آمده‌اند» (همان: ۱۳). باری، مردم‌سالاری دینی نوعی از مردم‌سالاری است که بینش آن معطوف به تنظیم و اداره جامعه با مشارکت همگانی و بر اساس ارزش‌ها

۱. Religious Democracy

۲. Deliberative Democracy

و اصول دینی است. در این بینش، نظام سیاسی و در مرکز آن قانون‌گذاری، متأثر از ارزش‌ها و اصول دینی است.

ج: امارت‌طلبی

مفهوم «امارت» و «امارت‌طلبی» ریشه در ساختاری از حکومت اسلامی دارد که توسط «امیر» مسلمانان یا مؤمنین (امیرالمؤمنین) اداره می‌شود. در سطح ساختار سیاسی اسلامی «امارت» به هر آن ساختار سیاسی گفته می‌شود که به وسیلهٔ خلیفه یا همان امیر مسلمانان، اداره می‌شود. در این مورد اما مذهب سنی و شیعه دو نظر متفاوت دارند: از نظر اهل سنت، تمام خلفای مسلمانان به‌ویژه خلفای راشدین و خلفای اموی و عباسی همه امیرند. در حالی که شیعیان به‌ویژه شیعه‌یان دوازده‌امامی معتقدند که تنها امیر تمام دوران حکومت‌های اسلامی «علی ابن ابی‌طالب» است و این لقب ویژهٔ اوست. در باب پیوند «امارت» و «خلافت» به عنوان نظام سیاسی، نظریه‌ها دو گونه است: شماری از اندیشمندان تأکید بر همگونی «امارت» و «خلافت» دارند و هر دو را همسان می‌پندارند؛ در حالی که شماری دیگر به ناهمگونی این دو اشاره داشته و هر کدام را دارای ویژگی‌ها و ساختارهای متفاوت و مخصوص می‌دانند.

در افغانستان اما مفهوم «امارت» و «امارت‌طلبی» بیشتر با نوع حکومت و رژیم مورد نظر طالبان گره خورده است. طالبان حکومت خود را که میان سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی بود، امارت می‌خواندند و هنوز هم نظام سیاسی مورد نظر خود را امارت اسلامی معرفی می‌کنند. بر این اساس «امارت‌طلبی» در افغانستان با نام طالبان پیوند خورده است. بر بنیاد روایت‌ها، فعالیت‌های طالبان با ورود آن‌ها از پاکستان آغاز شد: «در ۱۲ اکتوبر ۱۹۹۴، در حدود ۲۰۰ طالب از مدارس قندهار و پاکستان در اسپین‌بولدک در سرحد افغانستان - پاکستان وارد شدند. طالبان بعد از مقاومت اندک و کشته‌شدن ۷ نفر و زخمی‌های زیاد، قوای حکمتیار را از اسپین‌بولدک بیرون راندند.» (بختیاری، ۱۳۹۴: ۱۴۳) طالبان با روایت خاصی که از دین دارند، در زمان حکومت خویش صورتی از اسلام‌گرایی را معرفی کردند که بیشتر همچون زیرشاخه‌ای از حکومت‌های اسلام‌گرای افراطی قرار می‌گیرد.

اما روایت دیگر از مسئلهٔ «امارت اسلامی» در مورد ماهیت و چیستی «امارت» در افغانستان، دیدگاه و تعریف طالبان در مورد امارت است. در کتاب «امارت اسلامی به ما چی داده است؟» که از سوی بخش تألیف و ترجمه کمیسیون امور فرهنگی گروه طالبان در سال ۱۳۹۹ هـ ش نشر شده، آمده است: «امارت

اسلامی یعنی حاکمیت اسلام به گونه‌ای که اسلام معیار فرمان‌روایی باشد و به شمول تقنین، قضا و معارف، تمام جنبه‌های عمده زندگی در روشنی اسلام رهبری شود؛ [و این یک] فریضه شرعی است. به استناد از آیات قرآن کریم، احادیث نبوی (ص) و اجماع صحابه کرام (رض) تمام علمای کرام و مذاهب چهارگانه اهل و السنه و الجماعه اتفاق دارند که تعیین حاکم یا امیر اسلامی فرض کفایی بر مسلمان‌هاست» (سعید، ۱۳۹۹: ۹). در این کتاب که متشکل از مجموعه مقاله‌های رسانه‌ای و تحلیلی است، شرحی در مورد جزئیات گزاره «تمام جنبه‌های عمده زندگی در روشنی اسلام رهبری شود» نیامده است. از این رو آنچه در دست می‌ماند، مطالعه تاریخی دوران حاکمیت طالبان در افغانستان است که نشان می‌دهد چگونه طالبان به صورت عملی آن گزاره را اعمال کردند. بر بنیاد آنچه طالبان در زمان حاکمیت خویش به صورت عملی به نمایش گذاشتند و مشاهده دیگر جریان‌ها، شایان ذکر است که تمام اسلام‌گراها با پالیسی‌ها و روایت دینی طالبان موافق نیستند (Armajani, p. 199). از این منظر نظام «امارت» و «امارت‌طلبی» در افغانستان از موارد جنجال‌برانگیز است.

د: خلافت‌طلبی

خلافت‌طلبی بینشی است معطوف به خواست خلافت. خلافت که در لغت به معنای جانشینی یا جانشینی پیامبر است، به عنوان ساختار سیاسی نوعی از حکومت اسلامی دانسته شده که خلافت‌طلبان طرف‌دار برپایی آن هستند. «خلافت، واژه‌ای عربی به معنای جانشین‌ساختن، و واژه خلیفه (جمع آن خلفا و خلائف) به معنای جانشین، وکیل و قائم‌مقام است» (وبسایت ۳). صمیم به نقل از ابن‌عابدین شامی می‌گوید: «خلافت عبارت از ریاست عمومی در امور دین و دنیا به عنوان جانشینی از پیامبر (ص) است» (صمیم، ۱۳۹۶: ۱۲). همچنین آمده که «خلافت، جانشینی پیامبر اسلام (ص) در امر سیاست، حکومت و دیانت است» (وبسایت ۴). به این ترتیب خلافت نظام سیاسی‌ای است که در آن خلیفه به عنوان یک مقام مذهبی و سیاسی، جانشین پیامبر دانسته شده و رهبری «امت اسلامی» را بر عهده می‌گیرد. به لحاظ تاریخی نیز خلافت به عنوان یک ساختار سیاسی بعد از وفات پیامبر اسلام به وجود آمد و اداره امور جوامع اسلامی را به دست گرفت. خلفای راشدین که متولیان نخستین خلافت اسلامی بودند، به عنوان جانشین پیامبر اسلام این منصب را متصرف بودند. بعد از خلفای راشدین دست‌کم سه خلافت بزرگ دیگر شامل خلافت اموی، خلافت عباسی و خلافت عثمانی نیز با همین رویکرد اداره امور را به دست داشتند.

بینش امروز خلافت‌طلبی از مشکلات امروزی جوامع اسلامی به عنوان مسئله آغاز کرده و برپایی خلافت را راه‌حل آن می‌داند؛ طوری که عقب‌ماندگی و دیگر مشکلات جوامع اسلامی به دوری از یک نظام اسلامی پیوند زده شده و با ذکر مثال‌های بزرگ تاریخی خلافت که در بالا آمد، راه‌حل برگشت به آنان دانسته می‌شود. هم از این رو خلافت‌طلبی جدید را می‌توان واکنشی به توسعه‌یافتگی و عقب‌ماندگی دانست. جهان توسعه‌یافته در جستجوی سود به تمام نقاط جهان که ممکن بود از جمله جوامع اسلامی، سرک کشیده و به استعمار و استثمار پرداخت. این ناکامی در جوامع اسلامی در مواردی اعتقادی تعبیر شده و در پاسخ به آن، طرح دوباره خلافت اسلامی به عنوان راه‌حل مطرح شد.

گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی؛ بعد عملی

در بعد عملی مسئله و یا زیرشاخه «عمل» گونه‌شناسی جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان، دو زیرشاخه فرعی «شدت عمل» و «تشکیلات سیاسی - سازمانی» شامل است. شدت عمل دارای زیرشاخه‌های فرعی تر رادیکال و میانه‌رو/ کثرت‌گرا است. تشکیلات سیاسی - سازمانی دارای زیرشاخه‌های ساختار نامنظم، گروه‌محور، حزب‌محور و جنبش‌محور است. در ادامه، شرح هر کدام از این شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها ارائه می‌شود.

۱) تشکیلات سیاسی - سازمانی

تشکیلات سیاسی - سازمانی یکی دیگر از شاخه‌های شناخت و گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی است. در واقع این تشکیلات نوعیت چتری که افراد زیر آن جمع می‌آیند را مشخص می‌کند. «افراد برای نیل به اهداف سیاسی، امکانات خود را روی هم گذاشته و در قالب تشکیلاتی چون گروه‌های ذی‌نفع، جنبش‌های اجتماعی و احزاب سیاسی فعالیت می‌کنند» (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۲۱۲، ج ۱). این تشکیلات چتر حقوقی - قانونی و رابطه یک جریان را با اجتماع و دستگاه قدرت یا حکومت مشخص می‌کند. به این ترتیب، در این بخش به تشکیلات سیاسی - سازمانی نامنظم، گروه‌محور، حزب‌محور و جنبش‌محور پرداخته می‌شود.

الف: ساختار نامنظم

یک ساختار نامنظم شامل گروه یا جریانی می‌شود که بنا به دلایل مختلف نتوانسته باشد یا نظر به ساختار سیاسی برای آن ممکن نبوده باشد که از یک نشانی مشخص دست به فعالیت ساختارمند یا سازمانی بزند. به این معنا که چنین گروه یا ساختاری ممکن است نظر به عدم توانایی و علاقه‌مندی خودی یا نظام سیاسی‌ای که مجال و فرصت حضور ساختارمند و سازمانی را نمی‌دهد و یا هم به هر دو دلیل، فاقد ساختار منظم باشد. آنچه چنین گروهی را برجسته و قابل شناخت می‌کند، فکر و بینشی است که دنبال می‌کنند. از مثال‌های بارز چنین گروه‌ها یا ساختارهایی در افغانستان، می‌توان از جریان‌های چپی‌ای یاد کرد که با وجود این که به صورتی ایدئولوژی خویش را حفظ کرده‌اند و به تبلیغ آن می‌پردازند، از یک چتر سازمانی یا ساختاری منظم برخوردار نیستند. همچنین گروه‌هایی که به لحاظ نظری: (۱) از جهت بینش سیاسی بینش سکولار و (۲) از جهت روایت دینی، روایت غیردینی دارند، در این زمره قرار می‌گیرند.

ب: گروه‌محور

گروه‌محوری فعالیتی معطوف به برنامه‌ها و خواسته‌های یک گروه خاص است. گروهی که با فعالیت و انسجام اجتماعی می‌خواهد بر امور اجتماعی و سیاسی تأثیر بگذارد. به چنین گروه یا گروه‌هایی در ادبیات سیاسی گروه‌های ذی‌نفوذ می‌گویند. «گروه‌های ذی‌نفوذ سازمان‌هایی می‌باشند که در جهت منافع، خواسته‌ها، تقاضاها و مطالبات گروه‌های خاصی از مردم عمل کرده و غالباً هدف آن‌ها تحت تأثیر قراردادن دولت جهت انجام برنامه‌های مورد نظر خویش است. در حقیقت این گروه‌ها سازوکار دیگری برای مشارکت توده‌ای در نظام‌های سیاسی دموکراتیک به شمار می‌روند» (قوام، ۱۳۹۱: ۱۶۳-۱۶۲). این گروه‌ها خواسته‌های خویش را از طریق دادخواهی و اعمال فشار بر نهادها و افراد رسمی، احزاب سیاسی و نامزدهای انتخاباتی تعقیب می‌کنند. یک گروه فشار یا گروه ذی‌نفوذ دست‌کم دو تفاوت اساسی با حزب که در عنوان بعدی بحث می‌شود، دارد: «اول آن که احزاب سیاسی دارای سازمانی رسمی و نهادینه‌اند که گروه‌های فشار یا ذی‌نفوذ الزاماً بدان مجهز نیستند. دوم این که احزاب سیاسی آشکارا و رسمی به دنبال احراز قدرت سیاسی‌اند. در حالی که گروه‌های فشار به دنبال اعمال فشار بر قدرت سیاسی و هدایت آن در جهت خواسته‌های خودند» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۸). در مورد این گروه‌ها توانایی اعمال فشار عنصر و مورد اساسی است. در واقع فلسفه وجودی این گروه‌ها امکان اعمال فشار است.

البته نظر به چتری که یک گروه فشار زیر آن به فعالیت می‌پردازد، اعمال فشار صورت‌های متفاوتی دارد. گاهی ممکن است یک گروه دانشجویی در دانشگاه به عنوان گروه فشار و ذی‌نفع در پی اعمال فشار بر دانشگاه و سیاست آموزشی آن یا موردی از این قبیل باشد. در سطح بزرگ‌تر اما یک گروه فشار می‌تواند برای تعقیب خواسته‌های خویش به دنبال اعمال فشار و تأثیرگذاری در سیاست‌های کلان کشوری، قوانین و سیاست‌گذاری‌ها باشد.

در کنار موارد بالا در باب گروه‌محوری که در مورد گروه‌های متعهد به فعالیت دموکراتیک در یک ساختار سیاسی دموکراتیک، ذیل عنوان گروه‌های فشار و ذی‌نفع بحث شد، ممکن و قابل طرح است که در شرایط متفاوت، یک گروه در راستای تعقیب خواسته‌های خویش به فعالیت دموکراتیک و اعمال فشار بر نشانی‌های سیاسی نپرداخته و دست به فعالیت مسلحانه و خشونت‌آمیز بزند و به دنبال قدرت سیاسی باشد. همچنان که معکوس این نیز می‌تواند مطرح باشد و یک گروه در یک نظام غیردموکراتیک، دست به اقدام و فعالیت دموکراتیک بزند. البته چگونگی و امکان موفقیت هر دو مورد می‌تواند محل بحث باشد.

ج: حزب‌محور

فرهنگ امید حزب را «گروهی از مردم که دارای مرام و مسلک معینی باشند» (وبسایت ۵) تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، «یک حزب، در مفهوم عام، گردهمایی مردمی است که درباره برخی مسائل نظریات مشترک دارند و می‌خواهند برای دست‌یافتن به هدف‌های مشترک با هم کار کنند» (عالم، ۱۳۸۷: ۳۴۳). احزاب سیاسی در واقع چهارچوبی را فراهم می‌آورند که خواست‌های انفرادی به صورت جمعی طرح یافته و مطرح شوند: «احزاب سیاسی عبارت از نهادهایی هستند که میان خواسته‌های متفاوت و متعارض مردم میانجی‌گری کرده، آن‌ها را به سیاست تبدیل می‌کنند» (قوام، ۱۳۹۱: ۱۵۲). همچنین آن طوری که حسین بشیریه می‌گوید: «احزاب سیاسی در واقع شکل خاصی از سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی هستند و خود به عنوان سازمان، تحت فشار گروه‌ها و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند» (بشیریه، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

در بستر مناسبات سیاسی، حزب نظر به خط‌مشی و ساختار سیاسی موجود، به روش‌های مختلف در پی تأثیرگذاری بر سیاست، حکومت و کسب قدرت است. در صورتی که حزب و ساختار سیاسی دموکراتیک

باشد، حزب با خطمشی دموکراتیک در پی تأثیرگذاری بر سیاست، حکومت و کسب قدرت می‌برآید. در غیر آن و در صورتی که حزب و ساختار سیاسی غیردموکراتیک باشد، حزب هم با خطمشی غیردموکراتیک و با توسل به جنگ و نظامی‌گری، در پی تأثیرگذاری بر سیاست، حکومت و کسب قدرت می‌برآید. البته این هم امکان دارد که در یک ساختار دموکراتیک، خطمشی یک حزب غیردموکراتیک باشد و معکوس آن هم ممکن است که در یک ساختار غیردموکراتیک، خطمشی یک حزب دموکراتیک باشد. نقیب‌زاده به نقل از ماکس وبر «احزاب سیاسی را جمعیت‌هایی می‌داند بر پایه تعهدات رسمی و آزاد که هدف آن‌ها تحصیل قدرت برای رییس خویش در درون گروه مربوطه و تحصیل اقبال (مادی یا معنوی) و دست‌یابی به اهداف عینی یا امتیازات مادی برای اعضای فعال خویش است» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳-۱۴). امروزه در بحث احزاب که با تفکیک، احزاب جدید خوانده می‌شوند، بر عنصر سازمان تأکید بیشتری صورت می‌گیرد. در واقع حزب یک تشکل سازمانی دانسته می‌شود که در پی تعقیب خطمشی است: «احزاب سیاسی جدید، سازمان‌های باثباتی هستند که همراه با توسعه حق رأی همگانی شکل گرفتند و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به صورت سازمان‌های سراسری و غیروابسته به اشخاص درآمدند که دیگر به بنیان‌گذاران خود وابسته نبودند و به طریق مشخص از طریق تکیه بر رأی مردم در پی کسب قدرت سیاسی بودند» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

د: جنبش‌محور

جنبش‌محوری فعالیتی معطوف به یک جنبش است. جنبش یک حرکت و حضور جمعی اجتماعی است که به دنبال تغییر و دگرگونی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. از همین جهت هم یک جنبش می‌تواند اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی باشد. همچنین نظر به داعیه و تعداد افراد تعقیب‌کننده آرمان و متعهد به جنبش، یک جنبش می‌تواند محلی، ملی یا بین‌المللی باشد. «به طور کلی جنبشی اجتماعی و سیاسی به کوششی جمعی برای پیش‌برد هدف یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌شود» (موتقی، ۱۳۸۹: ۱). البته در مورد نخست، پیش‌برد هدف، خود می‌تواند دگرگونی باشد که در مورد دوم مقاومت در برابر آن آمده است.

از مباحث مهم پیرامون جنبش‌های اجتماعی، وجه تمایز آنان با دیگر گونه‌های رفتار جمعی بوده است. بنابراین لازم است که این تمایز به صورت هرچند گذرا بیان شود: «وجه تمایز جنبش اجتماعی از سایر انواع رفتار جمعی^۲ و پدیده‌های مشابه اجتماعی و سیاسی نظیر شورش^۳، انقلاب^۴ و حزب^۵ در این است که جنبش یا نهضت و قیام در مقایسه با شورش - که حرکتی محدود و فاقد هدف یا ایدئولوژی و سازمان است - کوششی همگانی برای ایجاد تغییر با مشارکت آگاهانه و فعالانه اعضای آن و دارای حداقل نظم و سازمان و انگیزه‌های ایدئولوژیک است؛ اما در مقایسه با حزب، یک جنبش دارای سازمانی کمتر و شیوه عملی پراکنده‌تر است» (همان). بیشتر از این «معمولاً» جنبش‌ها^۶ به عنوان مجموعه‌ای افرادی که دارای نگرش‌ها و ارزش‌های مشابهی هستند، از «سازمان» که ممکن است در درون جنبشی پدید آید، تمیز داده می‌شود» (بشیریه، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

از آنجا که مبحث جنبش‌ها به لحاظ تاریخی دارای پیشینه است، در مطالعات سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی آنان را به جنبش‌های قدیم و جدید یا نو تقسیم کرده و نظر به اهداف کلی که تحت شرایط زمانی خویش دنبال می‌کردند، گونه‌بندی می‌کنند: «همان گونه که جنبش‌های کارگری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روی مصائب و بن‌بست‌های حاصل از سرمایه‌داری صنعتی تأکید می‌کردند و اشکال ویژه‌ی سلطه‌نهیفته در روابط طبقاتی را به چالش می‌طلبیدند، جنبش‌های اجتماعی جدید در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نیز به چالش‌هایی اشاره می‌کردند که در سطح مصرف و سامان‌دهی سیاسی روی داده بود» (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۰).

۲) شدت عمل

بررسی و تشخیص شدت عمل یا چگونگی فعالیت یک جریان دینی - سیاسی ستون آخر گونه‌شناسی جریان‌های دینی - سیاسی است. این بررسی امکانی را فراهم می‌آورد که ببینیم جریانی فعالیت تندروانه

۱. Movement

۲. Collective Behavior

۳. Rebellion

۴. Revolution

۵. Party

دارد یا میانه‌روانه و کثرت‌گرا و به این طریق، علاوه بر موارد بالا گونه‌آن را در میان جریان‌های دیگر مشخص کنیم. در این بخش به شدت عمل رادیکال و میانه‌روانه یا کثرت‌گرا پرداخته می‌شود.

الف: رادیکال

معادل رادیکال در فارسی تندروی می‌شود. اینجا اما به دلیل متداول بودن رادیکال از این لفظ استفاده می‌شود. «از رادیکال^۱ و رادیکالیسم^۲ تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است. هرچند این تعریف‌ها از شباهت‌هایی برخوردارند، ولی در مواردی نیز متفاوت‌اند. از شباهت‌های مفهومی در تعریف آن می‌توان به دلالت ضمنی منفی آن اشاره کرد. این دلالت ناشی از پیوندی است که رادیکالیسم با افراط‌گرایی دارد. تفاوت‌ها نیز ناشی از بستری است که رادیکال و رادیکالیسم در آن تعریف می‌شود که از هنر تا دین را در بر می‌گیرد» (کمانگر، ۱۳۹۸: ۶). در ادامه برای روشن شدن بیشتر این مفاهیم، به چند تعریف اشاره می‌کنیم که به این پدیده به عنوان یک مفهوم در بستر سیاسی می‌پردازد.

۱) رادیکالیسم «تغییرات اساسی و ریشه‌ای در جامعه است، ولی برای توضیح چگونگی این تغییرات، رادیکال‌ها در هر کشوری جهت و برنامه خاص خود را دارند؛ معیذاً احزاب رادیکال در همه کشورهای از جمله احزاب جناح چپ به شمار می‌آیند و غالباً عنوان سوسیالیست را هم به دنبال نام رادیکال یدک می‌کشند. اصطلاح رادیکال اخیراً در مورد عناصر افراطی و تندرو هم به کار گرفته شده است» (طلوعی، ۱۳۸۵: ۵۳۵).

۲) «رادیکال واژه‌ای است برای همه نظرها و روش‌هایی که خواهان دگرگونی بنیادی و فوری در نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود و حاکم هستند و همچنین برای هر گونه نظری در زمینه هنر و دانش به کار می‌رود که با نظریه‌های پابرجا و حاکم به ستیزه برخیزد» (غلامی، ۱۳۹۳: ۳۲).

۱. Radical

۲. Radicalism

۳) «شخص، مکتب و یا حزبی که معتقد به تغییرات فوری و اساسی در بنیادهای سیاسی و اجتماعی است، به‌ویژه اگر این تغییرات موجب تعدیل اوضاع اجتماعی و یا برطرف‌ساختن مفاسد ناشی از آن‌ها شمرده شود» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۵۶۵).

۴) «در عام‌ترین معنا، «رادیکال» برای اشاره به آن دیدگاه‌های سیاسی و دینی‌ای به کار رفته است که طالب تغییر مفرط نظم اجتماعی‌اند. رادیکالیسم معمولاً با جنبشی در جهت تغییر بنیادی مرتبط است؛ اما تغییر دقیقاً مطلوب، از دوره‌ای تا دوره‌ی دیگر متفاوت است. وانگهی، اگرچه «رادیکالیسم» غالباً برای جنبش‌های دموکراتیک چپ استفاده شده است، گهگاه به جنبش‌های لیگارشیک راستی که خواهان نوزایش^۱ جامعه هستند نیز اطلاق می‌شود» (دیویس، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

طوری که دیده می‌شود، تعریف‌های مختلف آمده، با وجود تفاوت‌ها، همگونی‌های نیز دارند. همگونی بارز آن‌ها خواست تغییرات بنیادی است. «بیشتر از این، رادیکالیسم اندیشه‌ای است که نظم موجود را نابرابر و دارای مشکلات بسیار می‌داند. در این مرحله، رادیکالیسم نیز چونان هر ایدئولوژی دیگر، رشته‌ای از اندیشه‌های هم‌پیوند و نظام‌دار است که برای سازمان‌دادن سیاست، اقتصاد، فرهنگ و به طور کل جامعه تلاش می‌کند... اما از آن‌جا که رادیکالیسم طالب تغییر بنیادین و مفرط است و چنین امری در بستر سیاسی - اجتماعی دشوار است، در مرحله بعد جزمی شده و به اندیشه انقلابی بدل می‌گردد» (کمانگر، ۱۳۹۸: ۷). به این ترتیب، جریان رادیکال که با خواست تغییرات بنیادی و فوری، انقلابی شده، برای ابراز وجود خود به خشونت و اقدام‌های غیر کثرت‌گرایانه و تساهل‌مدارانه دست می‌زند.

ب: میانه‌رو/ کثرت‌گرا

میانه‌روی، عمل یا رفتار مقابل رادیکالیسم است. گفتیم که جریان یا نظریه رادیکال طرف‌دار تغییرات بنیادی و فوری است و چون در عرصه اجتماعی تغییرات بنیادی و فوری ممکن نیست، جریان یا فکر رادیکال انقلابی شده و دست به خشونت و براندازی می‌زند. در مقابل این نوع نظر و جریان، میانه‌روی قرار می‌گیرد که خط‌مشی خود را آهسته و پیوسته از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز تعقیب می‌کند. از همین رو میانه‌رو را می‌توان جریان یا فردی دانست که از افراط و تفریط برحذر است. میانه‌روی به عنوان مفهوم می‌تواند در مورد سیاست و دین به طور جداگانه نیز مطرح باشد. این مفهوم را در ارتباط با دین

۱. Regeneration

به صورت جداگانه به نحوی ذیل عنوان روایت معتدل در بالا بحث کردیم. اما در سیاست می‌تواند شامل جریان‌های دینی - سیاسی به عنوان هویت‌های سیاسی شود که شامل جریان یا رفتاری می‌شود که متمایل به چپ یا راست افراطی نباشد. تجلی نظریه چپ یا راست افراطی در عمل یک جریان، همانا رفتار رادیکال است.

هرچند میانه‌روی و کثرت‌گرایی به عنوان دو مفهوم، بینش و اصل رفتاری، در جاهایی می‌توانند تفاوت‌هایی داشته باشند، اما بر اساس آنچه گفته شد و در پیوند با چهارچوب نظری پژوهش، میانه‌روی با کثرت‌گرایی پیوند می‌خورد و یک جریان میانه‌رو طبعاً کثرت‌گرا نیز هست. کثرت‌گرایی در سیاست به معنای پذیرش تنوع و گوناگونی رفتار و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی است. از این منظر هم می‌توان گفت همان طوری که رادیکالیسم با انقلابی شدن به جنگ و خشونت می‌رسد، در مقابل آن میانه‌روی و کثرت‌گرایی به تساهل، مدارا و هم‌زیستی می‌انجامد.

شرح داده‌ها و تحلیل یافته‌ها

این بخش از تحقیق ویژه تحلیل داده‌های کمی و تفصیل یافته‌های تحقیق است. یافته‌های پژوهش بر بنیاد تحلیل داده‌های کمی به صورت مفصل در این بخش شرح داده می‌شود. این بخش شامل سه بخش فرعی دیگر می‌شود: بخش «جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان»، تحلیل داده‌های جمعیتی پاسخ‌دهندگان است. بخش «شرح داده‌ها» به توضیح کمی داده‌ها و یافته‌های آماری تحقیق اختصاص یافته است. بخش «تحلیل یافته‌ها بر بنیاد چهارچوب نظری» به عنوان مهم‌ترین بخش تحقیق بر چهارچوب نظری و داده‌های کمی استوار است. در این بخش، تحلیل کیفی داده‌ها بر بنیاد چهارچوب نظری و مفهومی انجام می‌شود که در قسمت چهارچوب نظری تحقیق طرح و تدوین شد. بر این مبنای نتایج اصلی داده‌ها و پیوند آن با وضع سیاسی - اجتماعی و کار دانشگاهی امروز افغانستان در همین بخش قرار دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان

چنان که در شرح «روش تحقیق» آمده است، بر بنیاد جدول مورگان ۳۷۵ پاسخ‌دهنده، نمونه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. پاسخ‌دهندگان بر بنیاد عناصری چون دانشگاهی که در آن درس می‌خوانند، رشته تحصیلی، جنس، مذهب، محل رشد، قومیت و تعلقات سیاسی پدر و مادر تفکیک و تقسیم شده‌اند. گزینه‌های موجود در هر یک از عناصر مذکور از سوی پژوهش‌گران به عنوان پرسش جمعیتی «باز» و نه «بسته» مطرح شده است. به بیان دیگر، پژوهش‌گران گزینه‌ها را در قالب پرسش بسته به اشتراک‌کنندگان ارائه نکرده‌اند، بلکه اشتراک‌کننده‌ها خود تعلقات جمعیتی خویش را در قالب گزینه‌های باز نوشته‌اند.

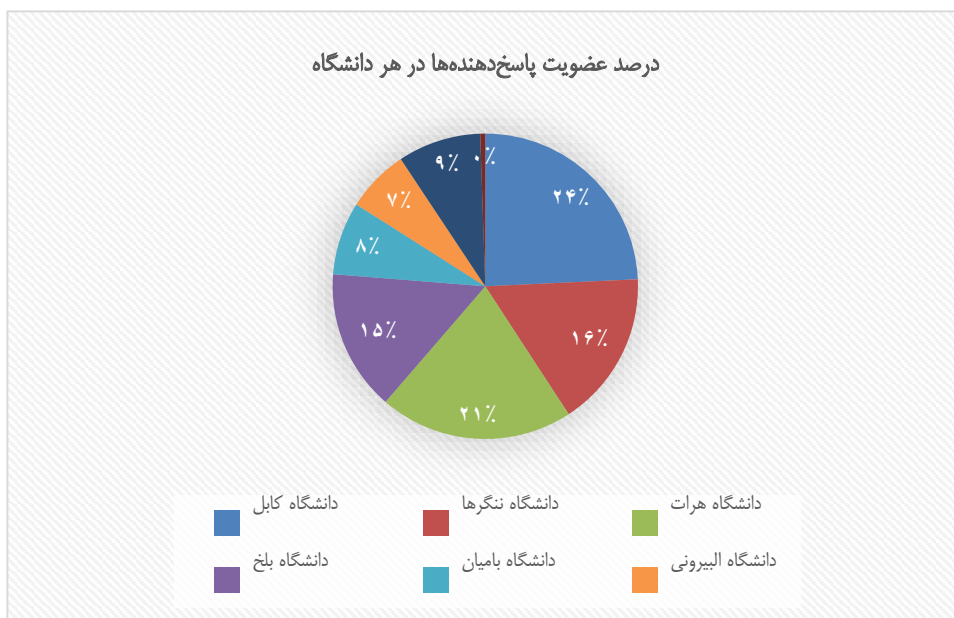
تقسیم‌بندی شمار پاسخ‌دهندگان / پرسش‌نامه‌ها از منظر عنصر نام دانشگاهی که در آن درس می‌خوانند، بر بنیاد محاسبه جدول مورگان و نسبت آن با شمار مجموعی دانشجویان هر دانشگاه به شرح زیر است:

جدول ۲: شرح آماری تقسیم تعداد پرسش‌نامه برای هر دانشگاه بر بنیاد شمار مجموعی جامعه آماری

شمار پاسخ‌دهنده	نام دانشگاه
۹۱	دانشگاه کابل
۶۲	دانشگاه ننگرهار
۷۷	دانشگاه هرات
۵۶	دانشگاه بلخ
۲۹	دانشگاه بامیان
۲۵	دانشگاه البیرونی
۳۳	دانشگاه قندهار
۲	عدم پاسخ
۳۷۵	مجموع

بر بنیاد این تقسیم‌بندی ۲۴٪ پاسخ‌دهنده‌ها از دانشگاه کابل، ۲۱٪ از دانشگاه هرات، ۱۶٪ دانشگاه ننگرهار، ۱۵٪ دانشگاه بلخ، ۹٪ دانشگاه قندهار، ۸٪ دانشگاه بامیان و ۷٪ از دانشگاه البیرونی هستند.

نمودار ۴: درصد عضویت پاسخ‌دهنده‌ها در هر دانشگاه



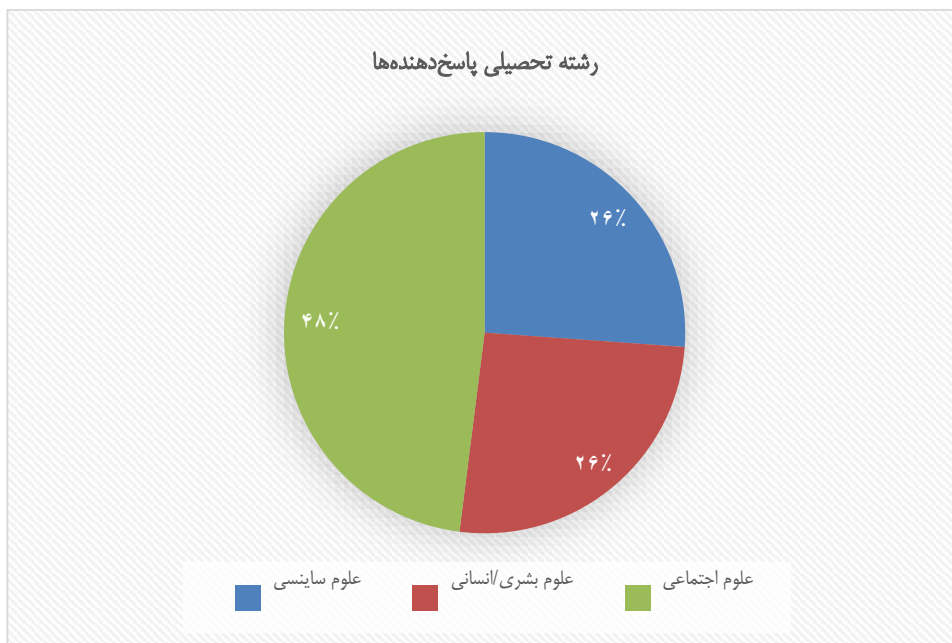
از منظر عنصر رشته تحصیلی، پاسخ‌دهندگان به سه کلان‌رشته تحصیلی علوم ساینسی، علوم بشری یا انسانی و علوم اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شوند.

جدول ۳: شرح آماری عضویت پاسخ‌دهنده‌ها در کلان‌رشته‌های تحصیلی

شمار پاسخ‌ها	رشته تحصیلی
۹۸	علوم ساینسی
۹۷	علوم بشری / انسانی
۱۸۰	علوم اجتماعی
۳۷۵	مجموع

بر این بنیاد، ۴۸٪ پاسخ‌دهنده‌ها دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی، ۲۶٪ دانشجویان رشته‌های علوم ساینسی و ۲۶٪ دانشجویان رشته‌های علوم بشری یا انسانی هستند.

نمودار ۵: رشته تحصیلی پاسخ‌دهنده به درصد با تفکیک سه کلان‌رشته



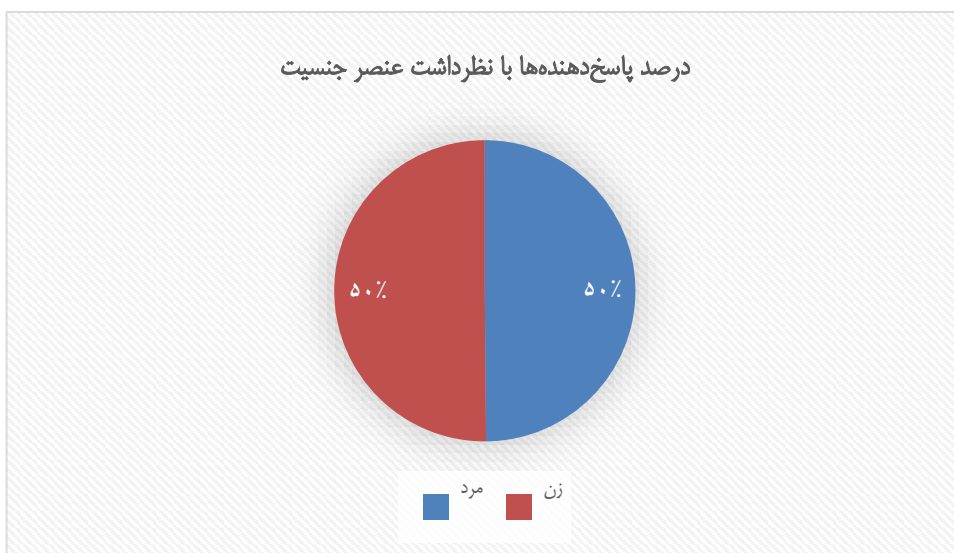
از منظر عنصر جنسیت (مرد/زن)، پاسخ‌دهندگان پژوهش به نسبت آماری زیر تقسیم می‌شوند.

جدول ۴: آمار پاسخ‌دهنده‌ها نظر به عنصر جنسیت (مرد/زن)

شمار پاسخ‌ها	جنس
۱۸۷	مرد
۱۸۸	زن
۳۷۵	مجموع

از منظر تفکیک جنسیت پاسخ‌دهنده‌ها ۵۰٪ را مردان و ۵۰٪ را زنان تشکیل می‌دهند. البته شمار پاسخ‌دهنده‌های زن یک نفر بیشتر از پاسخ‌دهنده‌های مرد است که در آمار فیصدی به صورت پنجاه - پنجاه برابر محاسبه شده است.

نمودار ۶: درصد پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر جنسیت (مرد/زن)



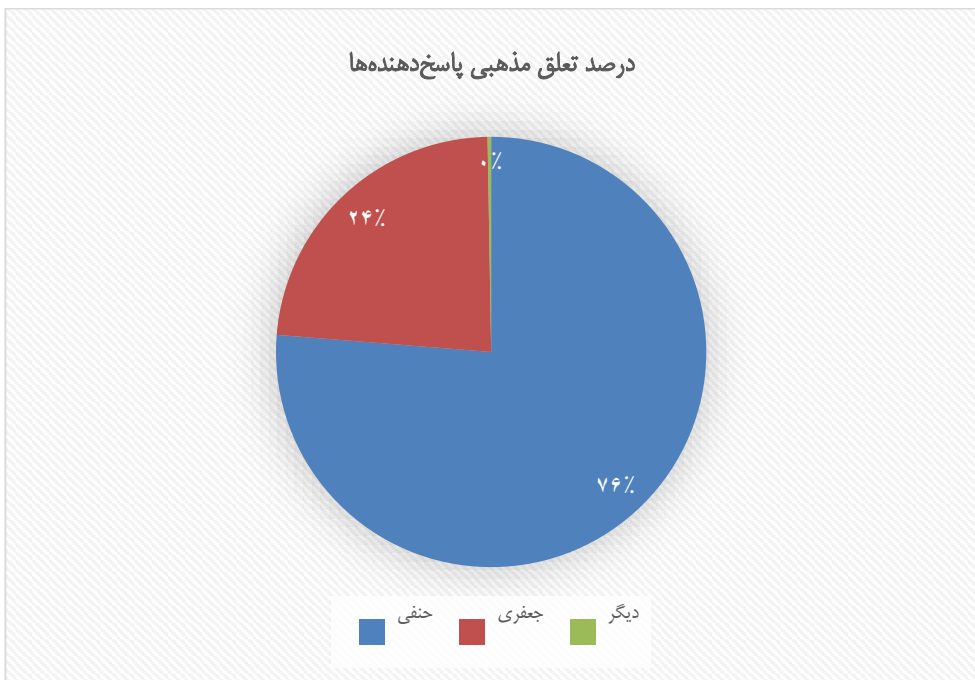
پاسخ‌دهندگان از لحاظ عنصر وابستگی مذهبی به دو گروه حنفی و جعفری تقسیم می‌شوند. یک نفر از پاسخ‌دهنده‌ها در مورد علایق مذهبی گزینهٔ دیگر را انتخاب کرده، اما نام مذهب مورد نظر خود را نوشته است. همچنان شایان ذکر است که در میان پاسخ‌دهندگان هیچ غیرمسلمانی حضور نداشته است.

جدول ۵: آمار پاسخ‌دهنده‌ها با نظرداشت عنصر مذهب

مذهب	شمار پاسخ‌ها
حنفی	۲۸۶
جعفری	۸۸
دیگر	۱
مجموع	۳۷۵

بر این بنیاد، ۷۶٪ پاسخ‌دهندگان از مذهب حنفی و ۲۴٪ آنان از مذهب جعفری بوده‌اند. گزینه «دیگر» که یک پاسخ‌دهنده داشته است، کمتر از ۱٪ با تقرب به صفر درصد است.

نمودار ۷: درصد تعلق مذهبی پاسخ‌دهنده‌ها



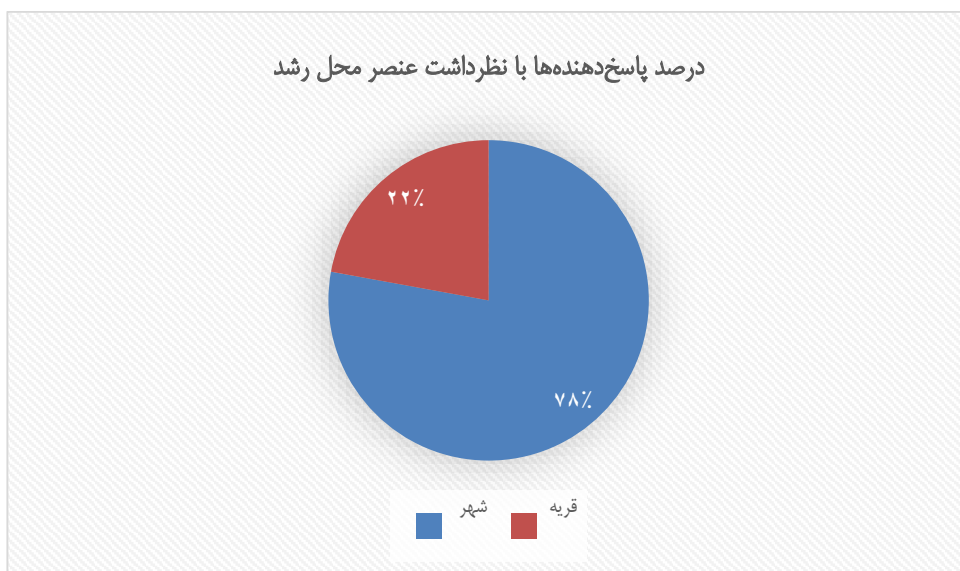
پاسخ‌دهندگان از منظر عنصر «محل رشد» به دو گروه «شهر» و «قریه» تقسیم می‌شوند. داده‌های آماری پاسخ‌دهنده‌ها در مورد محل رشد آن‌ها به قرار زیر است.

جدول ۶: آمار پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر محل رشد

محل رشد	شمار پاسخ‌ها
شهر	۲۹۲
قریه	۸۳
مجموع	۳۷۵

از این رو ۷۸٪ پاسخ‌دهنده‌ها کسانی‌اند که در شهرها پرورش یافته‌اند. ۲۲٪ پاسخ‌دهنده‌ها را نیز افرادی تشکیل می‌دهند که در قریه‌ها و محیط‌های غیرشهری رشد کرده‌اند.

نمودار ۸: درصد پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر محل رشد



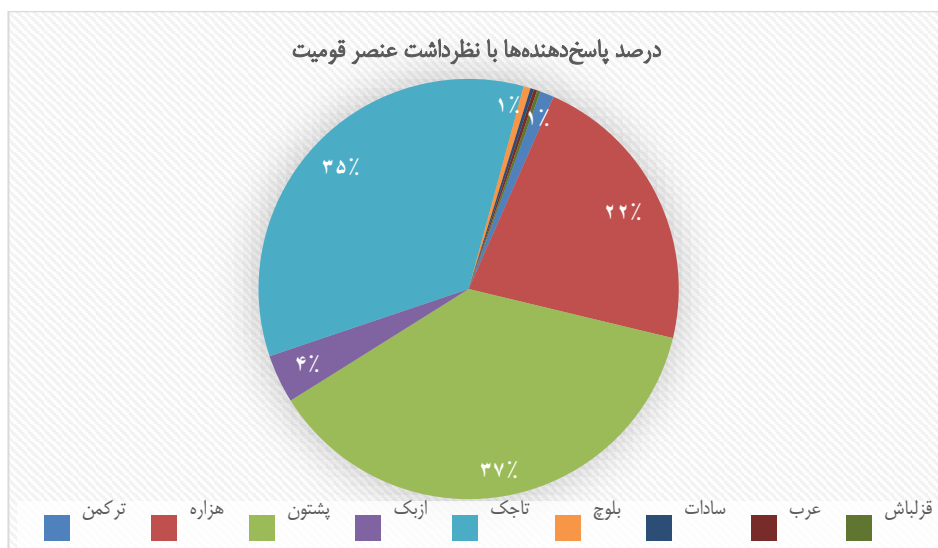
پاسخ‌دهندگان از منظر عنصر تعلقات قومی شامل گروه‌های قومی ترکمن، هزاره، پشتون، ازبک، تاجیک، بلوچ، سادات، عرب و قزلباش می‌شوند. در این میان شمار بیشتر اشتراک‌کننده‌ها تعلق قومی خویش را پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک و شمار کمتر آن‌ها ترکمن، قزلباش، عرب، سادات و بلوچ نوشته‌اند. آمار تعلق قومی پاسخ‌دهندگان به قرار زیر است.

جدول ۷: آمار پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر قومیت

شمار پاسخ‌ها	قومیت
۴	ترکمن
۸۳	هزاره
۱۴۰	پشتون
۱۴	ازبک
۱۲۹	تاجیک
۲	بلوچ
۱	سادات
۱	عرب
۱	قزلباش
۳۷۵	مجموع

بنا بر آمار، ۳۷٪ پاسخ‌دهندگان پشتون، ۳۵٪ تاجیک، ۲۲٪ هزاره، ۴٪ ازبک، ۱٪ ترکمن و ۱٪ دیگر قزلباش، عرب، سادات و بلوچ هستند.

نمودار ۹: درصد پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر قومیت



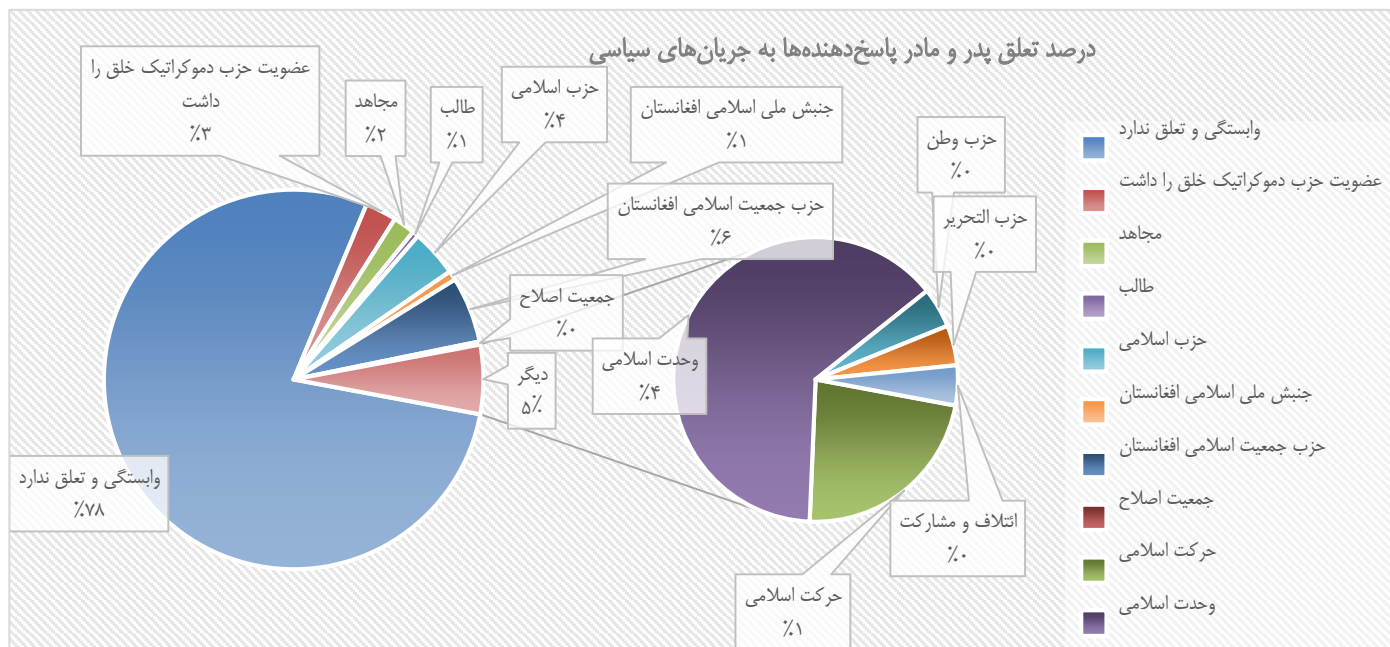
از منظر عنصر تعلق سیاسی پدر و مادر، پاسخ‌دهندگان به دو گروه تقسیم می‌شوند. ۲۹۳ تن از پاسخ‌دهنده‌ها اذعان داشته‌اند که پدر و مادر آنان تعلق و وابستگی سیاسی ندارند؛ در حالی که ۸۳ تن از پاسخ‌دهندگان تعلق سیاسی پدر و مادر خود را به یکی از گروه‌های حزب دموکراتیک خلق، طالبان، حزب اسلامی، جنبش ملی اسلامی افغانستان، جمعیت اسلامی افغانستان، جمعیت اصلاح، حرکت اسلامی، وحدت اسلامی، حزب وطن، حزب التحریر و ائتلاف و مشارکت دانسته‌اند. هفت نفر از پاسخ‌دهنده‌ها نیز نوشته‌اند که پدر یا مادر یا هر دوی آن‌ها مجاهد بوده‌اند؛ اما مشخص نساخته‌اند که آیا شامل یکی از احزاب جهادی بوده‌اند یا خیر. داده‌های کمی تعلق سیاسی پدر و مادر پاسخ‌دهنده‌ها به قرار زیر است.

جدول ۸: آمار پاسخ‌دهنده‌ها بانظرداشت عنصر تعلق سیاسی پدر و مادر

شمار پاسخ‌ها	تعلق سیاسی پدر و مادر
۲۹۳	وابستگی و تعلق ندارد
۱۰	حزب دموکراتیک خلق
۷	مجاهد
۲	طالب
۱۵	حزب اسلامی
۳	جنبش ملی اسلامی افغانستان
۲۱	جمعیت اسلامی افغانستان
۱	جمعیت اصلاح
۵	حرکت اسلامی
۱۴	وحدت اسلامی
۱	حزب وطن
۱	حزب التحریر
۱	ائتلاف و مشارکت
۳۷۵	مجموع

بر این بنیاد، پدر و مادر ۷۸٪ از پاسخ‌دهنده‌ها هیچ تعلق سیاسی ندارند. از میان ۲۲٪ پدر و مادرهای پاسخ‌دهندگان که تعلق سیاسی دارند، ۳٪ آنان عضویت حزب دموکراتیک خلق را داشته‌اند؛ ۶٪ آنان عضویت حزب جمعیت اسلامی افغانستان را دارند؛ ۴٪ عضویت حزب اسلامی افغانستان را دارند؛ ۲٪

آن‌ها مجاهد بوده‌اند (مشخص نیست که عضویت کدام یک از احزاب جهادی را داشته‌اند)؛ ۱٪ آن‌ها طالب‌اند؛ ۱٪ عضویت جنبش ملی اسلامی افغانستان را دارند؛ ۴٪ عضویت حزب وحدت اسلامی را دارند و ۱٪ باقی‌مانده، عضویت یکی از احزاب وطن، التحریر، حرکت اسلامی و ائتلاف و مشارکت را دارند. در این میان، بیشترین شمار پدر و مادر پاسخ‌دهنده‌ها به ترتیب عضویت حزب جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، حزب وحدت اسلامی و حزب دموکراتیک خلق را دارند یا داشته‌اند.



شرح داده‌ها

در این بخش به تحلیل داده‌های آماری که از پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها به دست آمده، پرداخته می‌شود. همچنین یافته‌های آماری پژوهش به صورت مفصل شرح داده می‌شود. تحلیل داده‌ها در این بخش در کنار محاسبه‌های آماری با بررسی آمار به دست آمده بر بنیاد چهارچوب نظری که در بخش قبلی شرح داده شد، نیز همراه است. این بخش با تحلیل هر یک از پرسش‌های مطرح‌شده در پرسش‌نامه به ترتیب عددی طرح و تکمیل شده است. شایان ذکر است که مجموع درصدهای هر نمودار و جدول بنا بر قاعده انتخاب یک خانه عددی پس از نشانه اعشاری گاهی به ۱۰۰ کامل نمی‌رسد، اما به صورت معمول بیشتر از ۹۹,۵٪ است.

پرسش اول: بر بنیاد مشاهدات، کدام جریان‌ها در محیط دانشگاه شما فعال است؟ می‌توانید چند گزینه را انتخاب کرده و در پایان اگر جریان دیگری را می‌شناسید که نام آن در گزینه‌ها نیامده باشد، بنویسید.

- حزب‌التحریر
- حزب همبستگی افغانستان
- حزب جمعیت اسلامی افغانستان
- حزب اسلامی افغانستان
- جمعیت اصلاح
- گروه طالبان
- حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان
- حزب کنگره ملی
- گروه داعش
- وحدت اسلامی مردم افغانستان و وحدت اسلامی افغانستان
- حزب دعوت
- حزب افغان ملت
- گروه گفتمان تساهل و مدارا
- دیگر:

در این پرسش اشتراک‌کننده‌ها فرصت داشتند تا بیشتر از یک گزینه را در صورت نیاز انتخاب کنند و اگر گزینه مورد نظرشان موجود نبود، می‌توانستند آن را در مقابل گزینه «دیگر» بنویسند. مجموع گزینه‌های مورد نظر پاسخ‌دهندگان برای این پرسش ۱۰۱۸ است که شرح آماری آن به قرار زیر است.

جدول ۹: آمار جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان

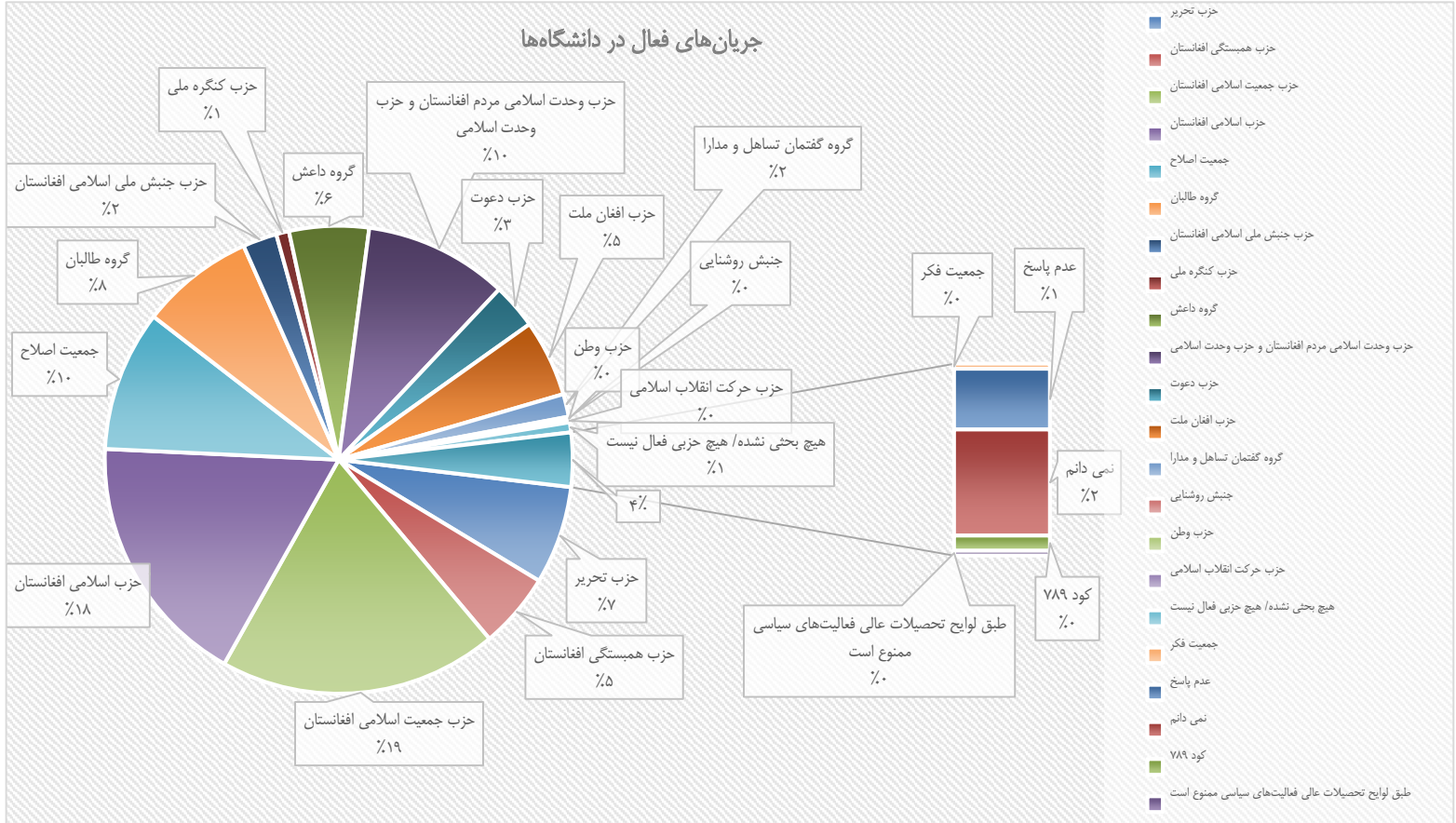
شمار پاسخ	نام جنبش / حزب / جریان فعال
۶۹	حزب التحریر
۵۳	حزب همبستگی افغانستان
۱۹۶	حزب جمعیت اسلامی افغانستان
۱۷۹	حزب اسلامی افغانستان
۹۹	جمعیت اصلاح
۸۰	گروه طالبان
۲۴	حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان
۹	حزب کنگره ملی
۵۶	گروه داعش
۱۰۱	حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و حزب وحدت اسلامی
۳۲	حزب دعوت
۵۴	حزب افغان ملت
۱۶	گروه گفت‌وگو تساهل و مدارا
۱	جنبش روشنایی
۱	حزب وطن
۲	حزب حرکت انقلاب اسلامی
۷	هیچ بحثی نشده / هیچ حزبی فعال نیست
۱	جمعیت فکر
۱۲	عدم پاسخ
۲۱	نمی‌دانم

کود ۱۷۸۹	۳
طبق لوایح تحصیلات عالی فعالیت‌های سیاسی ممنوع است.	۱
مجموع	۱۰۱۸

بر اساس مشاهده دانشجویان و آمارهای بالا، ۱۹٪ حزب جمعیت اسلامی، ۱۸٪ حزب اسلامی، ۱۰٪ جمعیت اصلاح، ۱۰٪ حزب وحدت اسلامی و حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، ۸٪ گروه طالبان، ۷٪ حزب التحریر، ۶٪ گروه داعش، ۵٪ حزب همبستگی افغانستان، ۵٪ حزب افغان ملت، ۳٪ حزب دعوت، ۲٪ حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان و ۲٪ گروه گفتمان تساهل و مدارا فعال است. در این میان ۱٪ دانشجویان نوشته‌اند که «هیچ بحثی نشده/ هیچ حزبی فعال نیست» و ۲٪ دانشجویان گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. ۱٪ هم بدون پاسخ مانده است. جریان‌هایی چون جنبش روشنایی، حزب وطن و جمعیت فکر که هر کدام فقط یک بار انتخاب شده‌اند و حزب حرکت انقلاب اسلامی که فقط دو بار انتخاب شده است، در محاسبه درصد زیر ۱٪ بوده و با تقرب به صفر دسته‌بندی می‌شوند. یک نفر از اشتراک‌کننده‌ها هم نوشته که «طبق لوایح تحصیلات عالی فعالیت‌های سیاسی [در محیط دانشگاه] ممنوع است». سه نفر از اشتراک‌کننده‌ها هم گزینه «دیگر» را انتخاب کرده‌اند، اما در مقابل آن، نام جریان مورد نظر خویش را نوشته‌اند (کود ۷۸۹).

۱. پاسخگو گزینه «دیگر» را انتخاب کرده، اما نام جریان مورد نظر خود را مشخص نکرده است.

نمودار ۱۱: جریان های فعال در دانشگاه های افغانستان



پرسش دوم: به نظر شما کدام جریان‌ها در محیط دانشگاه بیشترین فعالیت را دارند؟

در پرسش دوم اشتراک‌کننده‌ها می‌توانستند تا پنج گزینه را انتخاب کنند یا بنویسند. گزینه‌های پرسش دوم نیز همان گزینه‌های پرسش اول است. مجموع گزینه‌های انتخاب‌شده برای پرسش دوم ۶۹۷ است که شرح آماری آن به قرار زیر است.

جدول ۱۰: آمار جریان‌ها با بیشترین فعالیت در محیط‌های دانشگاهی افغانستان

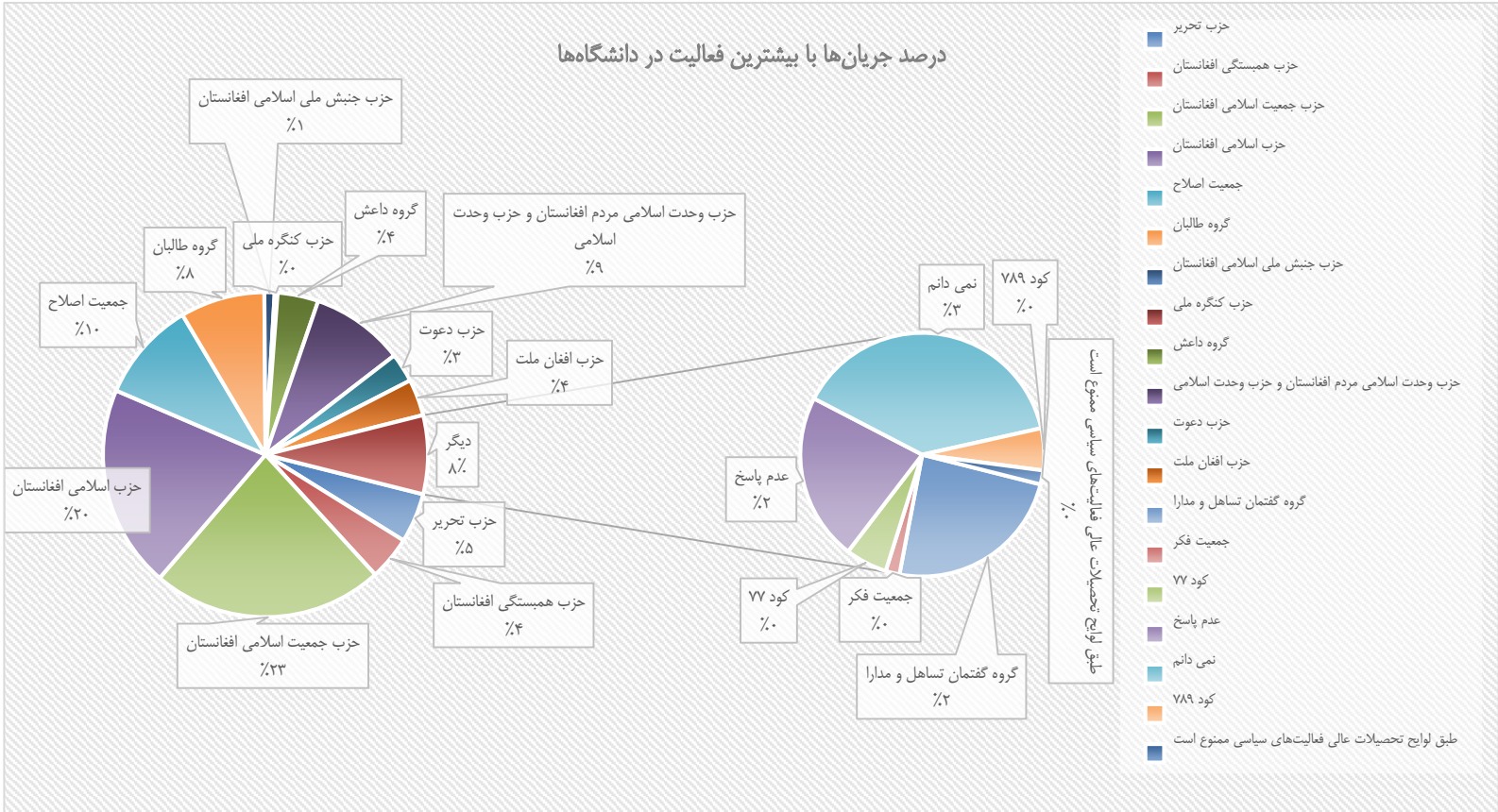
شمار پاسخ	نام جنبش / حزب / جریان فعال
۳۴	حزب‌التحریر
۳۰	حزب همبستگی افغانستان
۱۵۹	حزب جمعیت اسلامی افغانستان
۱۳۹	حزب اسلامی افغانستان
۶۹	جمعیت اصلاح
۵۸	گروه طالبان
۷	حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان
۲	حزب کنگره ملی
۲۸	گروه داعش
۶۴	حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و حزب وحدت اسلامی
۲۰	حزب دعوت
۲۵	حزب افغان ملت
۱۳	گروه گفتمان تساهل و مدارا
۱	جمعیت فکر
۳	کود ۷۷ (احزاب در دانشگاه‌ها اجازه و حق فعالیت ندارند)
۱۲	عدم پاسخ
۲۱	نمی‌دانم
۳	کود ۷۸۹
۱	طبق لوايح تحصیلات عالی فعالیت‌های سیاسی ممنوع است.
۶۹۷	مجموع

۱. پاسخگو گزینه «دیگر» را انتخاب کرده، اما نام جریان مورد نظر خود را مشخص نکرده است.

بر بنیاد مشاهده و تجربه دانشجویان و آمار به دست آمده، جریان‌هایی که بیشترین فعالیت را در محیط‌های دانشگاهی دارند، به ترتیب از بیشترین به کمترین به این قرار است: حزب جمعیت اسلامی افغانستان ۲۳٪، حزب اسلامی افغانستان ۲۰٪، جمعیت اصلاح ۱۰٪، حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و حزب وحدت ۹٪، گروه طالبان ۸٪، حزب التحریر ۵٪، حزب همبستگی افغانستان ۴٪، حزب افغان ملت ۴٪، گروه داعش ۴٪، حزب دعوت ۳٪، گروه گفت‌وگو تساهل و مدارا ۲٪ و حزب جنبش ملی افغانستان ۱٪.

در این میان ۳٪ پاسخ‌دهنده‌ها گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند و ۲٪ هم به این پرسش پاسخ نداده‌اند. حزب کنگره ملی با دو بار انتخاب و جمعیت فکر با یک بار انتخاب از سوی پاسخ‌دهنده‌ها در محاسبه درصد، زیر ۱٪ با تقرب به صفر قرار می‌گیرند. سه نفر از پاسخ‌دهنده‌ها گفته‌اند که احزاب در دانشگاه‌ها اجازه و حق فعالیت ندارند (کود ۷۷) و سه نفر دیگر گزینه «دیگر» را انتخاب کرده‌اند، اما در مقابل آن، نام جریان مورد نظر خود را نوشته‌اند (کود ۷۸۹). درصد کودهای ۷۷ و ۷۸۹ نیز زیر ۱٪ با تقرب به صفر قرار دارند. یک نفر از پاسخ‌دهنده‌ها نوشته است که «طبق لوایح تحصیلات عالی فعالیت‌های سیاسی ممنوع است» که در محاسبه درصد زیر ۱٪ قرار می‌گیرد. انتخاب‌هایی که هر کدام زیر ۱٪ هستند، به صورت مجموعی ۱٪ تمام آمار به دست آمده این پرسش را تشکیل می‌دهند.

درصد جریان‌ها با بیشترین فعالیت در دانشگاه‌ها



نمودار ۱۲: درصد جریان‌ها با بیشترین فعالیت در دانشگاه‌های افغانستان

این پرسش بر بنیاد دو متغیر «نام دانشگاه» و «نام جریان» مطرح شده است. برای طرح مباحثی بهتر نیاز است داده‌های این پرسش بر بنیاد این دو متغیر به صورت منفرد نیز تحلیل شود. به بیان دیگر، پرسش فرعی «کدام جریان در کدام دانشگاه بیشترین فعالیت را دارد؟» و پرسش فرعی معکوس آن، «در کدام یک از دانشگاه‌ها کدام جریان بیشترین فعالیت را دارد؟» باید پاسخ داده شوند. در پرسش فرعی اول داده‌ها بر بنیاد «نام جریان» و در پرسش فرعی دوم، داده‌ها بر بنیاد «نام دانشگاه» تفکیک می‌شوند.

از منظر تفکیک داده‌ها بر بنیاد نام جریان و فعالیت هر جریان در دانشگاه‌های افغانستان، چگونگی جزئیات فعالیت جریان‌ها بر بنیاد محاسبه درصد به شرح زیر است. البته جریان‌هایی که یک درصد و یا کمتر از آن فعالیت دارند، بر بنیاد متغیر «نام جریان» نمودارگذاری نشده‌اند.

حزب جمعیت اسلامی افغانستان

حزب جمعیت اسلامی به عنوان حزبی که بیشترین فعالیت را در محیط‌های دانشگاهی افغانستان دارد، ۲۰,۷۵٪ فعالیت در دانشگاه هرات، ۱۸,۲٪ در دانشگاه بلخ، ۱۷,۶٪ دانشگاه کابل، ۱۴,۵٪ دانشگاه قندهار، ۱۲,۵٪ دانشگاه ننگرهار، ۱۰,۶٪ دانشگاه البیرونی و ۵,۶٪ در دانشگاه بامیان دارد. حزب جمعیت اسلامی افغانستان بیشترین فعالیت را در دانشگاه‌های هرات، بلخ و کابل و کمترین فعالیت را در دانشگاه بامیان دارد.

جدول ۱۱: درصد فعالیت حزب جمعیت اسلامی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف

۱۷,۶٪	دانشگاه کابل
۲۰,۷۵٪	دانشگاه هرات
۱۸,۲٪	دانشگاه بلخ
۱۴,۵	دانشگاه قندهار
۱۲,۵٪	دانشگاه ننگرهار
۵,۶	دانشگاه بامیان
۱۰,۶	دانشگاه البیرونی

حزب اسلامی افغانستان

حزب اسلامی ۳،۳٪ فعالیت در دانشگاه ننگرهار، ۳،۲۲٪ در دانشگاه قندهار، ۲،۱۲٪ در دانشگاه هرات، ۱۰٪ در دانشگاه کابل، ۳،۹٪ در دانشگاه البيروني، ۵،۶٪ در دانشگاه بلخ و ۳،۴٪ در دانشگاه باميان دارد. اين حزب بيشترين فعاليت را در دانشگاه ننگرهار و کمترین فعاليت را در دانشگاه باميان دارد.

جدول ۱۲: درصد فعاليت حزب اسلامی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف

۱۰٪	دانشگاه کابل
۱۲،۲٪	دانشگاه هرات
۶،۵٪	دانشگاه بلخ
۲۲،۳٪	دانشگاه قندهار
۳۵،۳٪	دانشگاه ننگرهار
۴،۳٪	دانشگاه باميان
۹،۳٪	دانشگاه البيروني

طالبان

طالبان ۵۰٪ فعاليت‌های خود را در دانشگاه قندهار، ۳۱٪ در دانشگاه ننگرهار، ۱۲٪ دانشگاه کابل و در هر یک از دانشگاه‌های البيروني، باميان، بلخ و هرات ۱،۷٪ دارند و متمرکز ساخته‌اند. طالبان بيشترين فعاليت را در دانشگاه‌های قندهار و ننگرهار و کمترین فعاليت را در دانشگاه‌های البيروني، باميان، بلخ و فعاليت را در دانشگاه‌های قندهار و ننگرهار و کمترین فعاليت را در دانشگاه‌های البيروني، باميان، بلخ و هرات دارند.

جدول ۱۳: درصد فعاليت طالبان در دانشگاه‌های مختلف

۱۲٪	دانشگاه کابل
۱،۷٪	دانشگاه هرات
۱،۷٪	دانشگاه بلخ
۵۰٪	دانشگاه قندهار
۳۱٪	دانشگاه ننگرهار
۱،۷٪	دانشگاه باميان
۱،۷٪	دانشگاه البيروني

داعش

فعالیت‌های داعش متمرکز در سه دانشگاه است: ۶۴,۲٪ در دانشگاه کابل، ۳۲,۱٪ در دانشگاه ننگرهار و ۳,۵٪ در دانشگاه البیرونی. از این رو داعش بیشترین فعالیت را در دانشگاه‌های کابل و ننگرهار و کمترین فعالیت را در دانشگاه‌های قندهار، بامیان، بلخ و هرات دارد.

جدول ۱۴: درصد فعالیت داعش در دانشگاه‌های مختلف

۶۴,۲٪	دانشگاه کابل
۰	دانشگاه هرات
۰	دانشگاه بلخ
۰	دانشگاه قندهار
۳۲,۱٪	دانشگاه ننگرهار
۰	دانشگاه بامیان
۳,۵٪	دانشگاه البیرونی

حزب‌التحریر

حزب‌التحریر ۴۱٪ فعالیت در دانشگاه هرات، ۲۹,۴٪ در دانشگاه البیرونی، ۱۴,۷٪ در دانشگاه قندهار، ۸,۸٪ در دانشگاه کابل، ۳٪ دانشگاه بلخ و ۳٪ در دانشگاه ننگرهار دارد. حزب‌التحریر بیشترین فعالیت را در دانشگاه‌های هرات و البیرونی و کمترین فعالیت را در دانشگاه بامیان دارد.

جدول ۱۵: درصد فعالیت حزب‌التحریر در دانشگاه‌های مختلف

۸,۸٪	دانشگاه کابل
۴۱,۲٪	دانشگاه هرات
۳٪	دانشگاه بلخ
۱۴,۷٪	دانشگاه قندهار
۳٪	دانشگاه ننگرهار
۰	دانشگاه بامیان
۲۹,۴٪	دانشگاه البیرونی

حزب همبستگی افغانستان

حزب همبستگی ۴۰٪ در دانشگاه کابل، ۱۶٫۶٪ در دانشگاه هرات، ۱۶٫۶٪ در دانشگاه بلخ، ۱۳٫۳٪ در دانشگاه بامیان و ۱۳٫۳٪ در دانشگاه ننگرهار دارد. این حزب بیشترین فعالیت را در دانشگاه کابل و کمترین را در دانشگاه البیرونی و قندهار دارد.

جدول ۱۶: درصد فعالیت حزب همبستگی در دانشگاه‌های مختلف

۴۰٪	دانشگاه کابل
۱۶٫۶٪	دانشگاه هرات
۱۶٫۶٪	دانشگاه بلخ
۰	دانشگاه قندهار
۱۳٫۳٪	دانشگاه ننگرهار
۱۳٫۳٪	دانشگاه بامیان
۰	دانشگاه البیرونی

حزب جنبش ملی افغانستان

حزب جنبش ملی ۵۷٫۱٪ فعالیت در دانشگاه بلخ، ۱۴٫۲٪ در دانشگاه کابل، ۱۴٫۲٪ در دانشگاه هرات و ۱۴٫۲٪ در دانشگاه ننگرهار دارد. این حزب بیشترین فعالیت را در دانشگاه بلخ و کمترین فعالیت را در دانشگاه‌های البیرونی، قندهار و بامیان دارد.

جدول ۱۷: درصد فعالیت حزب جنبش ملی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف

۱۴٫۲٪	دانشگاه کابل
۱۴٫۲٪	دانشگاه هرات
۵۷٫۱٪	دانشگاه بلخ
۰	دانشگاه قندهار
۱۴٫۲٪	دانشگاه ننگرهار
۰	دانشگاه بامیان
۰	دانشگاه البیرونی

احزاب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان

این دو حزب بیشترین فعالیت را در دانشگاه قندهار و بلخ و کمترین را در دانشگاه البیرونی دارد. این دو حزب ۳۰٪ در دانشگاه قندهار، ۱۸٫۸٪ در دانشگاه بلخ، ۱۴٪ در دانشگاه کابل، ۱۴٪ در دانشگاه هرات، ۱۰٫۹٪ در دانشگاه بامیان، ۱۰٫۹٪ در دانشگاه ننگرهار و ۱٫۵٪ در دانشگاه البیرونی فعالیت دارند.

جدول ۱۸: درصد فعالیت حزب وحدت و وحدت اسلامی افغانستان در دانشگاه‌های مختلف

۱۴٪	دانشگاه کابل
۱۴٪	دانشگاه هرات
۱۸٫۸٪	دانشگاه بلخ
۳۰٪	دانشگاه قندهار
۱۰٫۹٪	دانشگاه ننگرهار
۱۰٫۹٪	دانشگاه بامیان
۱٫۵٪	دانشگاه البیرونی

حزب دعوت

حزب دعوت ۵۰٪ فعالیت در دانشگاه ننگرهار، ۱۵٪ در دانشگاه کابل، ۱۵٪ در دانشگاه هرات، ۱۵٪ در دانشگاه قندهار و ۵٪ در دانشگاه بلخ دارد. این حزب بیشترین فعالیت را در دانشگاه ننگرهار و کمترین را در دانشگاه‌های البیرونی و بامیان دارد.

جدول ۱۹: درصد فعالیت حزب دعوت در دانشگاه‌های مختلف

۱۵٪	دانشگاه کابل
۱۵٪	دانشگاه هرات
۵٪	دانشگاه بلخ
۱۵٪	دانشگاه قندهار
۵۰٪	دانشگاه ننگرهار
۰	دانشگاه بامیان
۰	دانشگاه البیرونی

حزب افغان ملت

افغان ملت ۴۸٪ فعالیت در دانشگاه ننگرهار، ۲۸٪ در دانشگاه قندهار، ۱۶٪ در دانشگاه کابل و ۸٪ در دانشگاه هرات دارد. این حزب بیشترین فعالیت را در دانشگاه ننگرهار و کمترین فعالیت را در دانشگاه‌های البیرونی، بامیان و بلخ دارد.

جدول ۲۰: درصد فعالیت حزب افغان ملت در دانشگاه‌های مختلف

۱۶٪	دانشگاه کابل
۸٪	دانشگاه هرات
۰	دانشگاه بلخ
۲۸٪	دانشگاه قندهار
۴۸٪	دانشگاه ننگرهار
۰	دانشگاه بامیان
۰	دانشگاه البیرونی

گروه تساهل و مدارا

گروه تساهل و مدارا ۳۰,۷٪ فعالیت در دانشگاه کابل، ۳۰,۷٪ در دانشگاه هرات، ۲۳٪ در دانشگاه بلخ، ۷,۷٪ در دانشگاه بامیان و ۷,۷٪ در دانشگاه البیرونی دارد. این جریان بیشترین فعالیت را در دانشگاه‌های کابل و هرات و کمترین فعالیت را در دانشگاه‌های قندهار و ننگرهار دارد.

جدول ۲۱: درصد فعالیت جریان تساهل و مدارا در دانشگاه‌های مختلف

۳۰,۷٪	دانشگاه کابل
۳۰,۷٪	دانشگاه هرات
۲۳,۱٪	دانشگاه بلخ
۰	دانشگاه قندهار
۰	دانشگاه ننگرهار
۷,۷٪	دانشگاه بامیان
۷,۷٪	دانشگاه البیرونی

جمعیت اصلاح

جمعیت اصلاح ۵۲٫۱٪ فعالیت در دانشگاه ننگرهار، ۱۷٫۳٪ در دانشگاه هرات، ۱۴٫۵٪ در دانشگاه بلخ، ۵٫۸٪ در دانشگاه کابل، ۵٫۸٪ در دانشگاه البیرونی، ۲٫۸٪ در دانشگاه بامیان و ۱٪ در دانشگاه قندهار دارد. این جریان بیشترین فعالیت را در دانشگاه ننگرهار و کمترین را در دانشگاه قندهار دارد.

جدول ۲۲: درصد فعالیت جمعیت اصلاح در دانشگاه‌های مختلف

۵٫۸٪	دانشگاه کابل
۱۷٫۳٪	دانشگاه هرات
۱۴٫۵٪	دانشگاه بلخ
۱٫۴٪	دانشگاه قندهار
۵۲٫۱٪	دانشگاه ننگرهار
۲٫۸٪	دانشگاه بامیان
۵٫۸٪	دانشگاه البیرونی

از منظر تفکیک داده‌ها بر بنیاد نام دانشگاه، چگونگی جزئیات فعالیت جریان‌ها بر بنیاد محاسبه درصد به شرح زیر است.

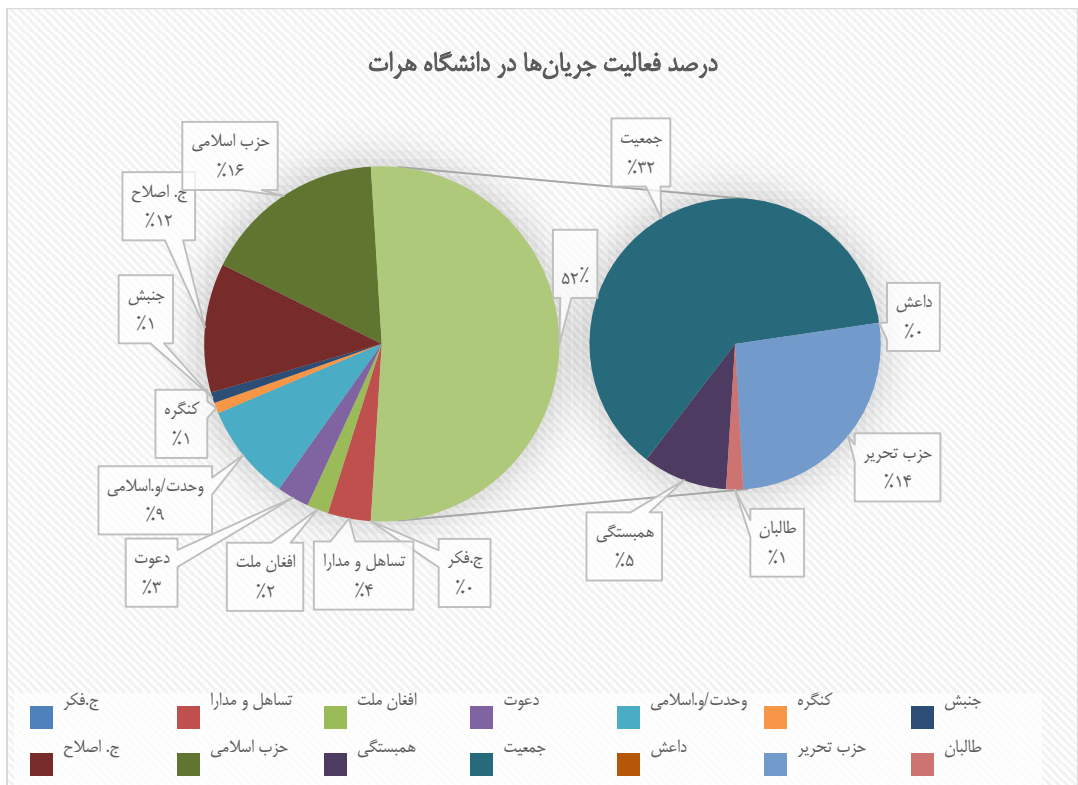
دانشگاه کابل

در دانشگاه کابل بیشترین فعالیت را حزب جمعیت اسلامی با ۲۶٪ و کمترین، زیر یک درصد، فعالیت را جریان جمعیت فکر و کنگره ملی دارد. در این دانشگاه داعش ۱۷٪ فعالیت، همبستگی ۱۱٪، حزب اسلامی ۱۳٪، حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان ۸٪، طالبان ۶٪، جمعیت اصلاح، گروه تساهل و مدارا و افغان ملت هر کدام ۴٪، حزب التحریر و حزب دعوت هر کدام ۳٪ و حزب جنبش ملی افغانستان ۱٪ فعالیت دارد.

دانشگاه هرات

در دانشگاه هرات حزب جمعیت اسلامی با ۳۲٪ بیشترین فعالیت و داعش و جمعیت فکر کمترین، زیر یک درصد، فعالیت را دارند. در این دانشگاه ۱۶٪ حزب اسلامی، ۱۴٪ حزب التحریر، ۱۲٪ جمعیت اصلاح، ۹٪ حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان، ۵٪ حزب همبستگی، ۴٪ جریان تساهل و مدارا، ۳٪ حزب دعوت، ۲٪ حزب افغان ملت، و احزاب جنبش و کنگره ملی و گروه طالبان هر کدام ۱٪ فعالیت دارند.

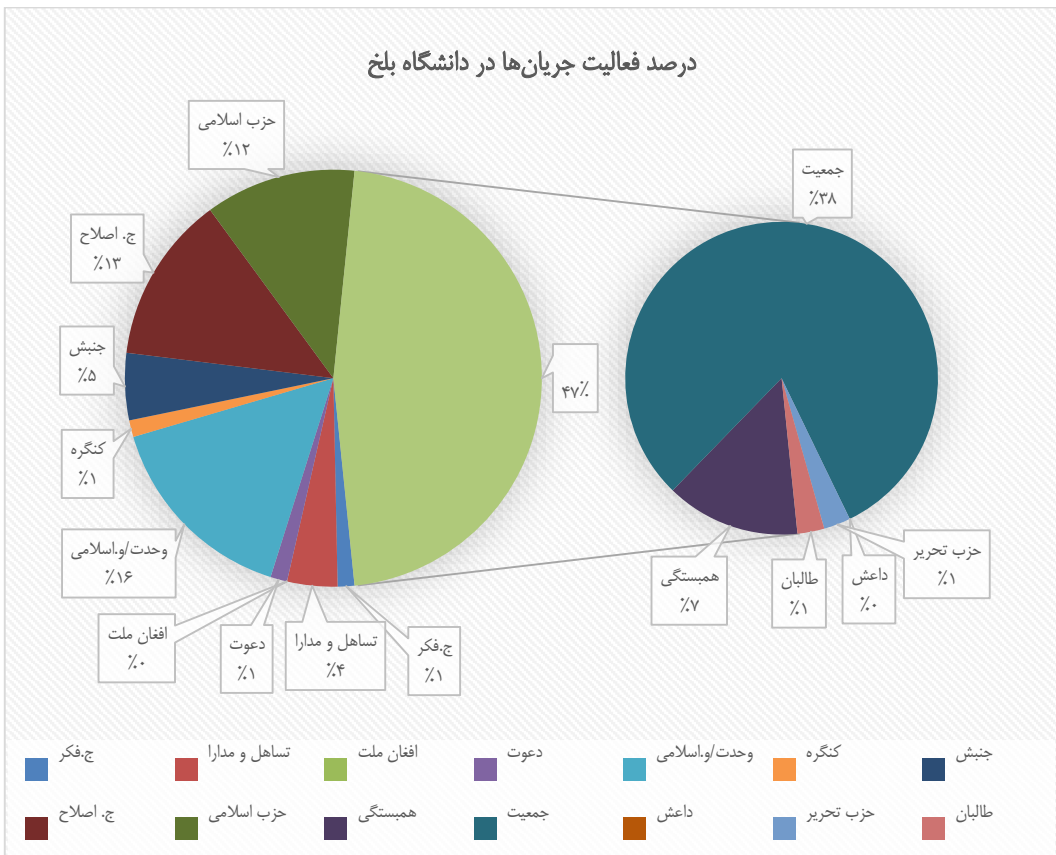
نمودار ۱۴: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه هرات



دانشگاه بلخ

در دانشگاه بلخ حزب جمعیت با بیشترین فعالیت ۳۸٪، جمعیت اصلاح ۱۳٪، حزب اسلامی ۱۲٪، حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان ۱۶٪، حزب همبستگی افغانستان ۷٪، حزب جنبش ملی افغانستان ۵٪، جریان تساهل و مدارا ۴٪ و حزب التحریر، طالبان، جمعیت فکر، دعوت و کنگره هر کدام ۱٪ فعالیت دارند. در این دانشگاه داعش و افغان ملت کمترین فعالیت (زیر یک درصد و نزدیک به صفر) را دارند.

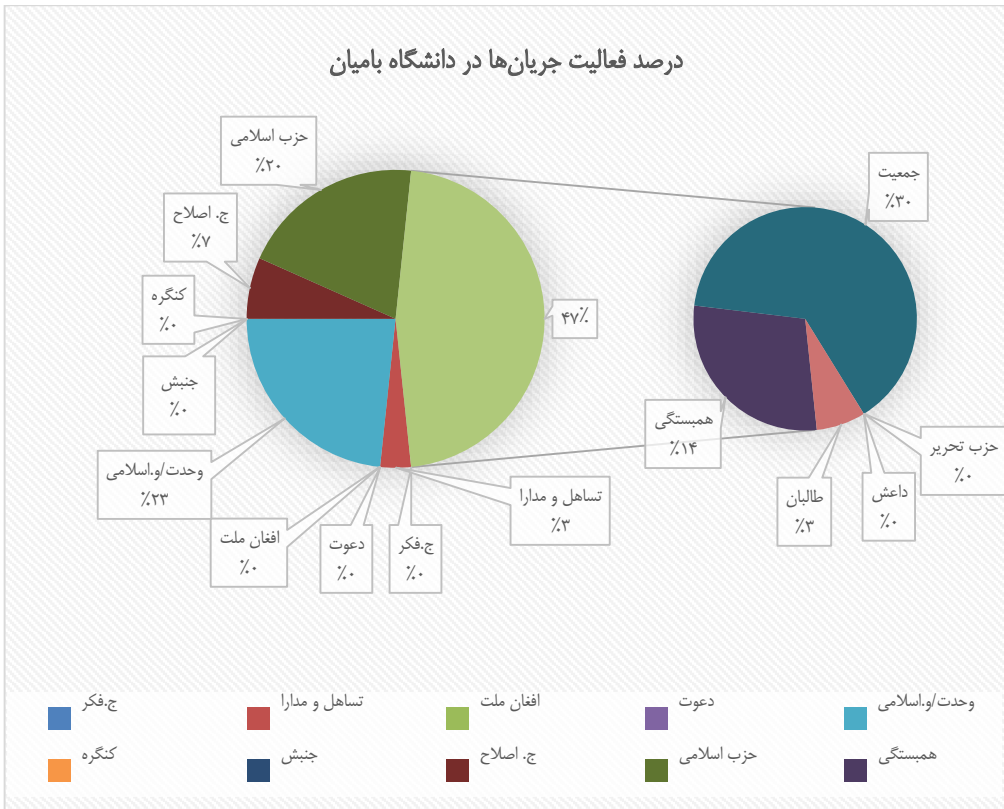
نمودار ۱۵: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه بلخ



دانشگاه بامیان

در دانشگاه بامیان حزب جمعیت اسلامی با بیشترین فعالیت ۳۰٪، حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان ۲۳٪، حزب اسلامی ۲۰٪، حزب همبستگی ۱۴٪، جمعیت اصلاح ۷٪ و طالبان ۳٪ فعالیت دارند. حزب التحریر، داعش، جمعیت فکر، افغان ملت، دعوت، جنبش و کنگره ملی کمترین فعالیت (یک درصد یا کمتر از آن) را در این دانشگاه دارند.

نمودار ۱۶: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه بامیان

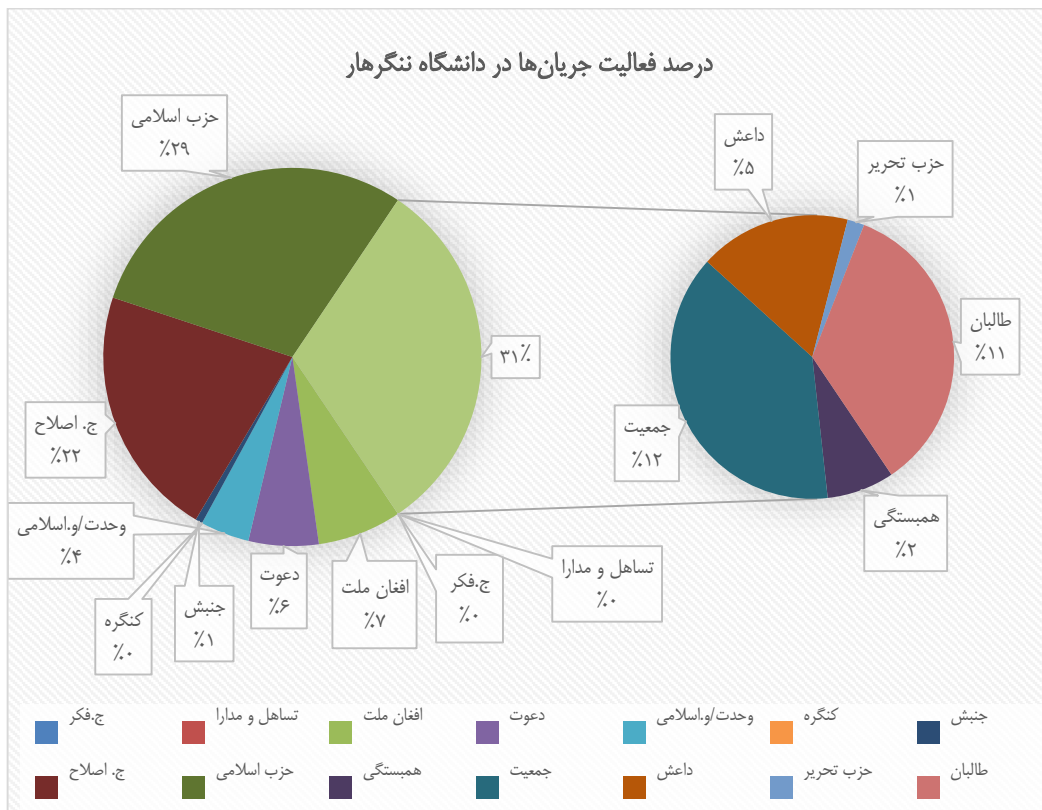


دانشگاه ننگرهار

در دانشگاه ننگرهار بیشترین فعالیت را حزب اسلامی با ۲۹٪ دارد. در این دانشگاه جمعیت اصلاح ۲٪ فعالیت، جمعیت اسلامی ۱۲٪، طالبان ۱۱٪، حزب افغان ملت ۷٪، حزب دعوت ۶٪، گروه داعش ۵٪،

دو حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان ۴٪، حزب همبستگی ۲٪ و حزب جنبش و حزب التحریر هر کدام ۱٪ دارند. حزب کنگره، جریان تساهل و مدارا و جمعیت فکر کمترین فعالیت (یک درصد یا کمتر از آن) را در این دانشگاه دارند.

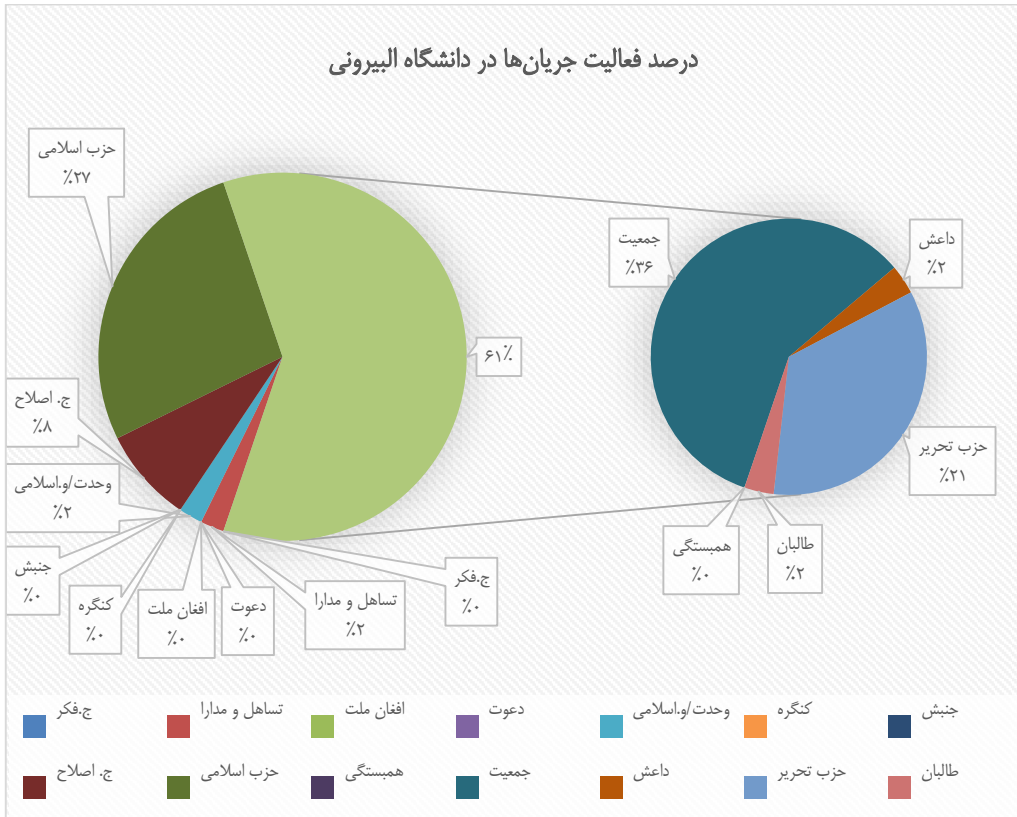
نمودار ۱۷: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه ننگرهار



دانشگاه البیرونی

در دانشگاه البیرونی حزب جمعیت با ۳۶٪ بیشترین فعالیت را دارد. حزب اسلامی ۲۷٪، حزب التحریر ۲۱٪، داعش، طالبان، جریان تساهل و مدارا، و دو حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان هر کدام ۲٪ فعالیت دارند. در این دانشگاه کمترین فعالیت (یک درصد یا کمتر از آن) را حزب دعوت، افغان ملت، جمعیت فکر، حزب جنبش، حزب کنگره ملی و حزب همبستگی دارند.

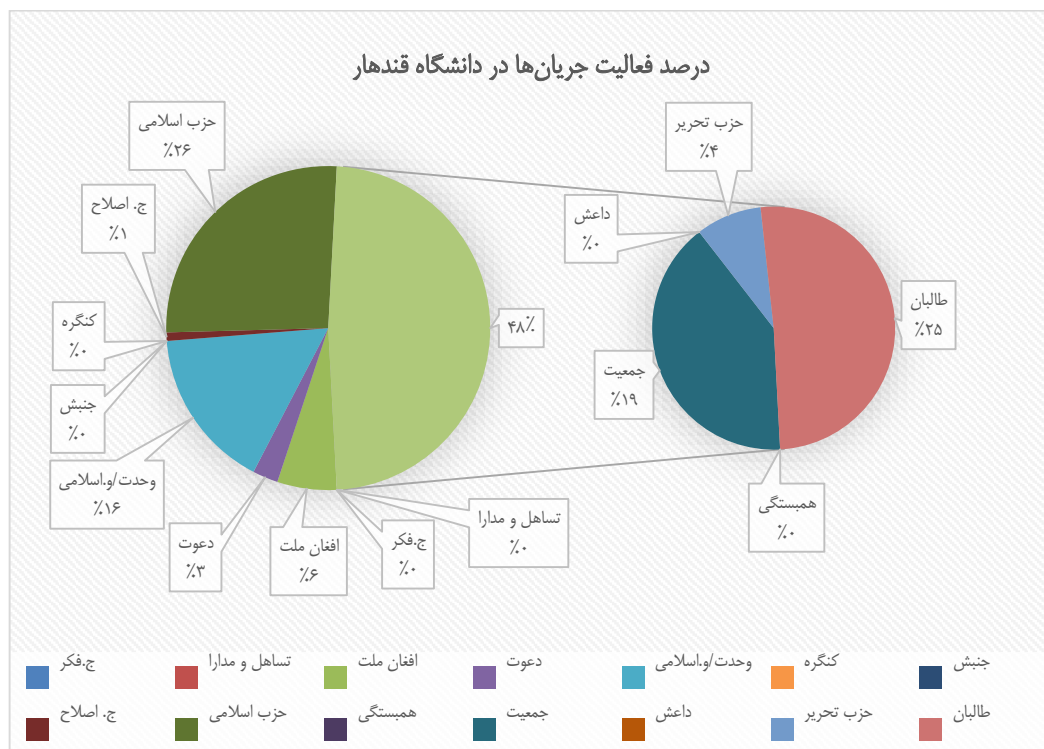
نمودار ۱۸: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه البیرونی



دانشگاه قندهار

در دانشگاه قندهار حزب اسلامی با ۲۶٪ بیشترین فعالیت را دارد. در این دانشگاه طالبان ۲۵٪، جمعیّت اسلامی ۱۹٪، هر دو حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان ۱۶٪، حزب افغان ملت ۶٪، حزب التحریر ۴٪ و حزب دعوت ۳٪ فعالیت دارند. حزب کنگره ملی، حزب جنبش، جمعیّت فکر، جریان تساهل و مدارا، حزب همبستگی و داعش کمترین فعالیت (یک درصد یا کمتر از آن) را در این دانشگاه دارند.

نمودار ۱۹: درصد فعالیت جریان‌ها در دانشگاه قندهار

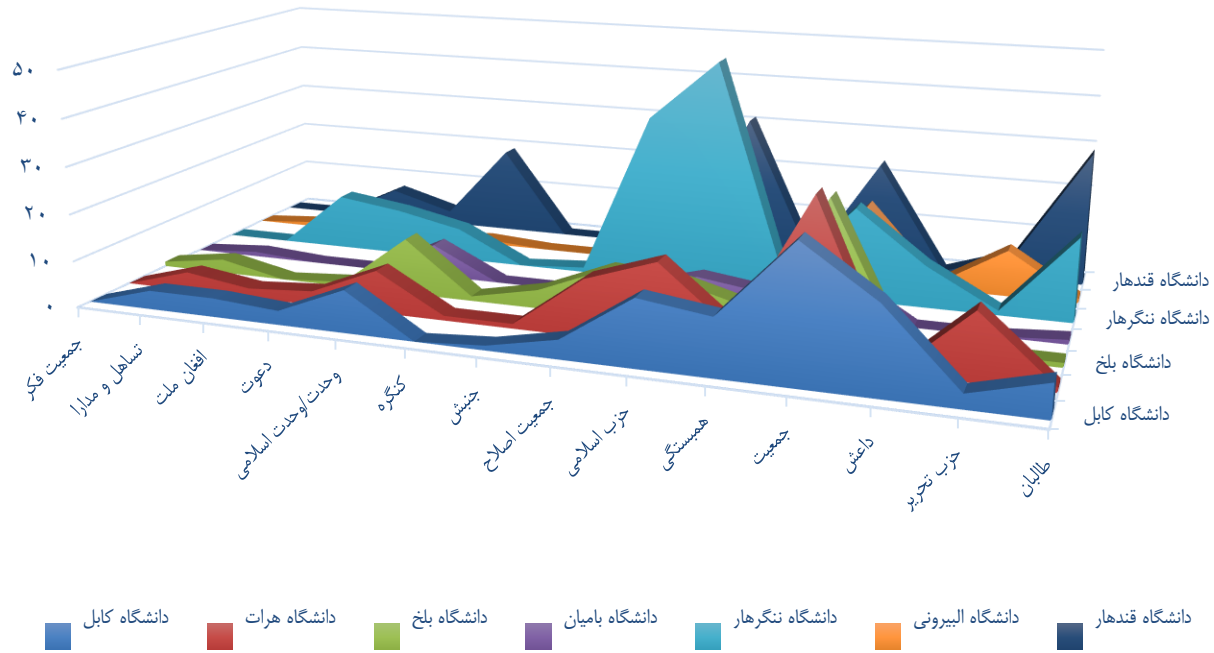


پرسش سوم: آیا شما در جریانی عضویت دارید؟

در این پرسش از اشتراک‌کننده‌ها خواسته شده است که عضویت یا عدم عضویت خویش در جریان‌های فعال را مشخص کنند. این پرسش دارای دو گزینه «بلی» و «نخیر» است. از مجموع نمونه آماری پژوهش ۸۶٪ پاسخ‌دهنده‌ها گفته‌اند که در جریانی عضویت ندارند و ۱۴٪ دیگر اذعان داشته‌اند که عضویت یکی از جریان‌ها را دارند. یک نفر از اشتراک‌کننده‌ها گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده و یک نفر دیگر هم به این پرسش پاسخ نداده است.

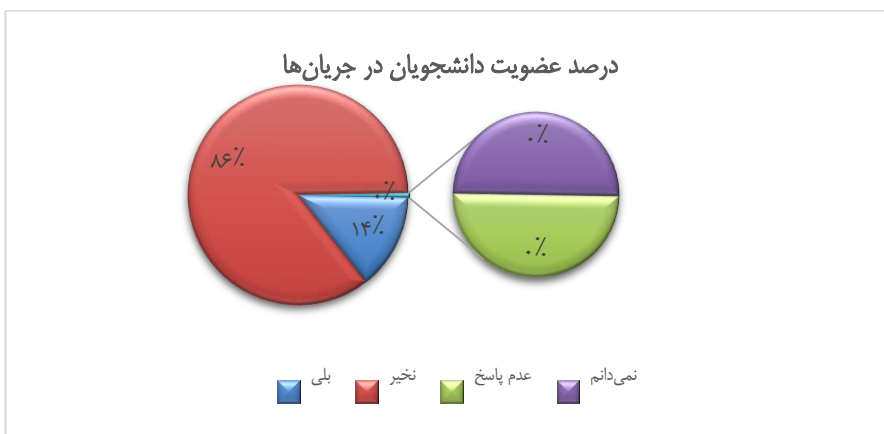
نمودار ترکیبی داده‌های پرسش دوم با تفکیک «نام جریان» و «نام دانشگاه» که در بالا به صورت انفرادی شرح شد، به شرح زیر است. در این نمودار سه‌بعدی داده‌ها بر بنیاد هر دو متغیر «نام جریان» و «نام دانشگاه» به صورت ترکیبی نظم یافته است.

نمودار سه‌بعدی نسبت فعالیت جریان‌ها و دانشگاه‌ها



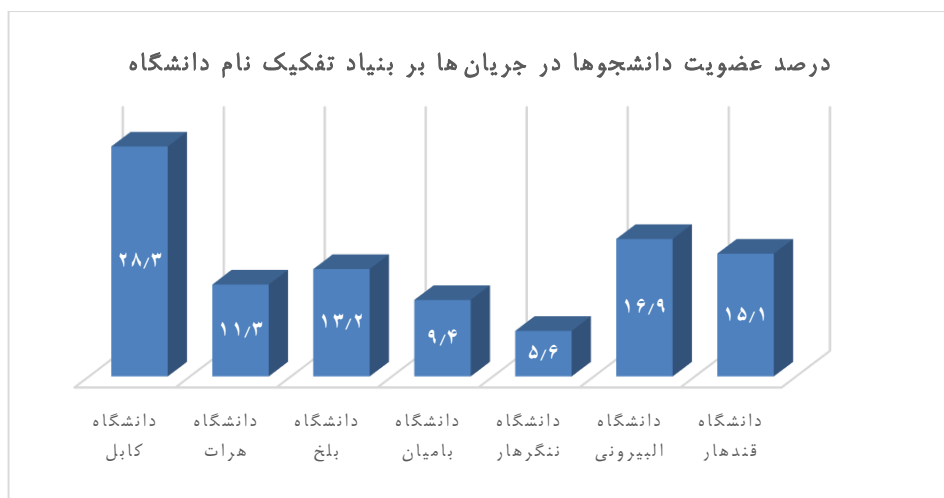
نمودار ۲۰: نمایش سه‌بعدی نسبت فعالیت جریان‌ها در دانشگاه‌ها

نمودار ۲۱: درصد عضویت دانشجویان در جریان‌ها



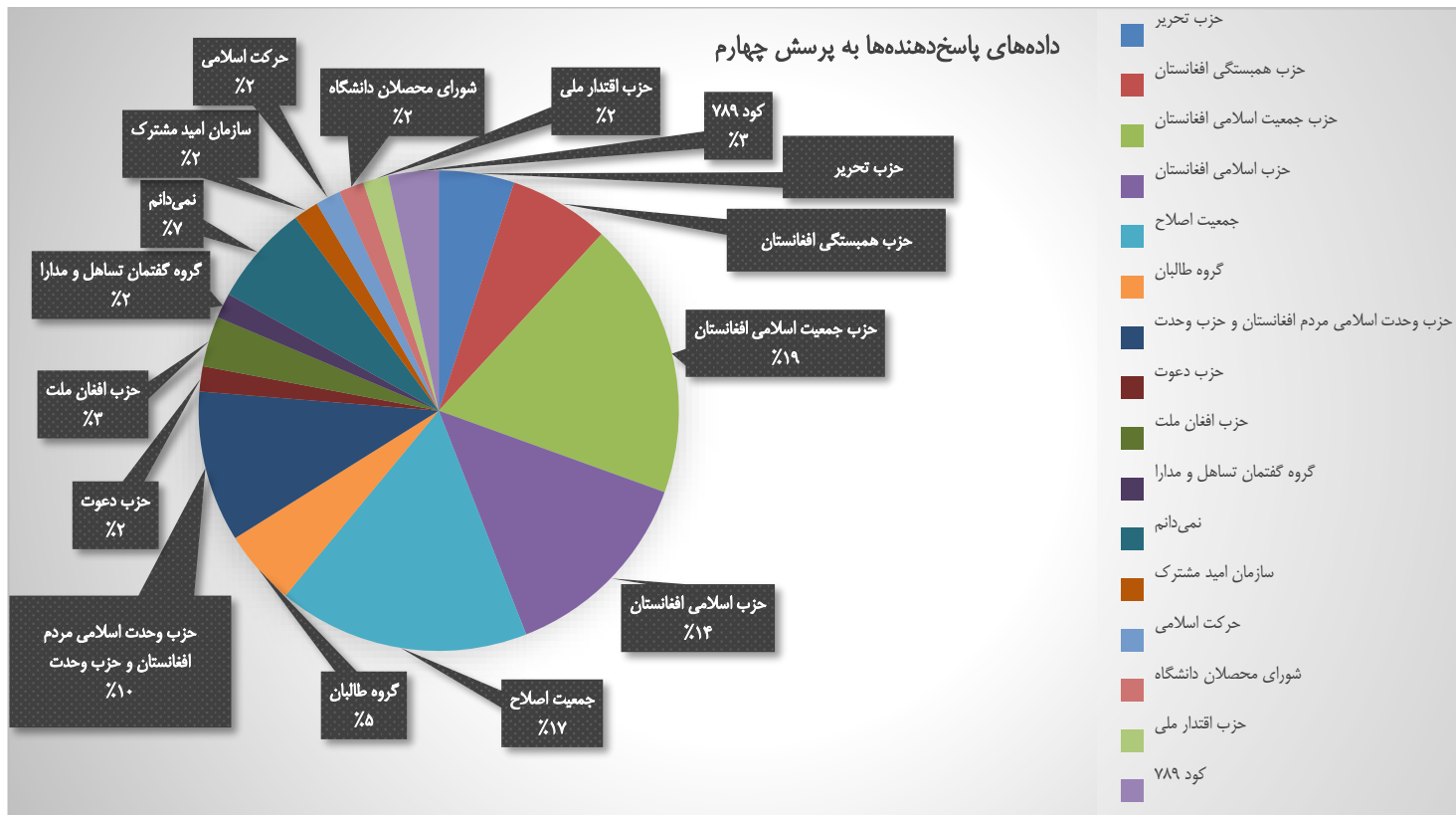
از میان ۱۴٪ پاسخ‌دهندگانی که گفته‌اند عضویت جریانی را دارند، بیشترین عضویت را دانشجویان دانشگاه کابل و کمترین را دانشجویان دانشگاه ننگرهار دارند. شرح محاسبه درصدی دانشجویانی که عضویت جریان‌ها را دارند، به ترتیب به این قرار است: ۲۸٫۳٪ دانشجویان دانشگاه کابل، ۱۶٫۹٪ دانشجویان دانشگاه البیرونی، ۱۵٫۱٪ دانشجویان دانشگاه قندهار، ۱۳٫۲٪ دانشجویان دانشگاه بلخ، ۱۱٫۳٪ دانشجویان دانشگاه هرات، ۹٫۴٪ دانشگاه بامیان و ۵٫۶٪ دانشجویان دانشگاه ننگرهار.

نمودار ۲۲: درصد عضویت دانشجویان در جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام دانشگاه



پرسش چهارم: اگر پاسخ شما به پرسش بالا (پرسش سوم) «بلی» است، نام جریان را علامت زده یا بنویسید.

پرسش چهارم، پرسش تعقیبی برای پرسش سوم است. در این پرسش از اشتراک‌کننده‌هایی که در پاسخ به پرسش سوم نوشته بودند عضویت جریانی را دارند، خواسته شده بود نام آن جریان را مشخص کنند. از میان ۱۴٪ پاسخ‌دهندگان که به پرسش سوم پاسخ «بلی» داده بودند و کل پاسخ‌دهندگان پرسش چهارم را تشکیل می‌دهند، درصد عضویت آن‌ها در یکی از جریان‌ها به ترتیب به این قرار است: ۱۹٪ عضویت حزب جمعیت اسلامی افغانستان، ۱۷٪ عضویت جمعیت اصلاح، ۱۴٪ عضویت حزب اسلامی افغانستان، ۱۰٪ عضویت دو حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان، ۷٪ عضویت حزب همبستگی افغانستان، ۵٪ عضویت گروه طالبان، ۵٪ عضویت حزب التحریر، ۳٪ عضویت حزب افغان ملت، ۲٪ عضویت حزب دعوت، ۲٪ عضویت جریان گفتمان تساهل و مدارا، ۲٪ عضویت سازمان امید مشترک، ۲٪ عضویت حرکت اسلامی و ۲٪ عضویت حزب اقتدار ملی را دارند. ۲٪ پاسخ‌دهنده‌ها نیز گفته‌اند که عضویت شورای محصلان دانشگاه خود را دارند. ۳٪ پاسخ‌دهنده‌ها گزینهٔ دیگر را انتخاب کرده‌اند، اما در مقابل آن نام جریان مورد نظر خویش را ننوشته‌اند.



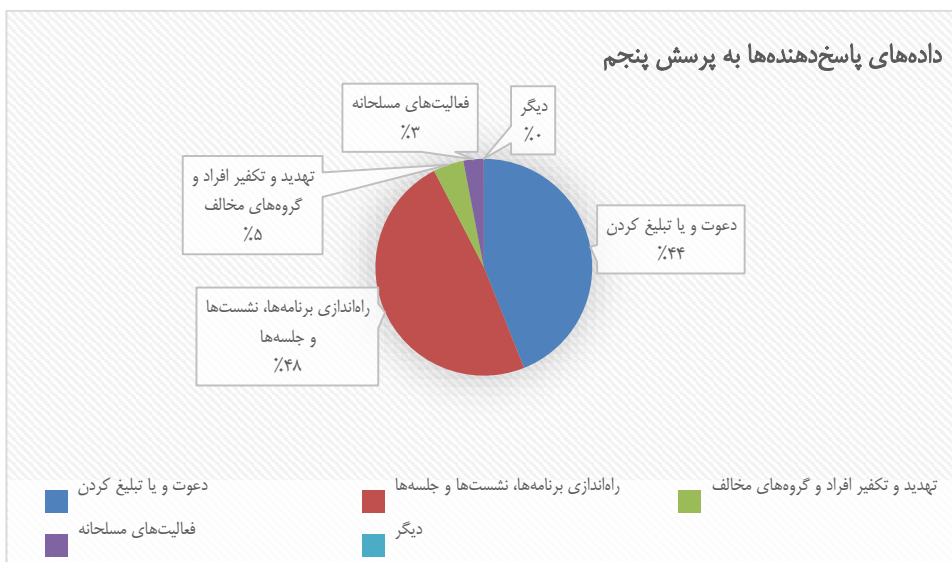
نمودار ۲۳: درصد عضویت دانشجویان در جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان

پرسش پنجم: اگر پاسخ شما به سؤال سوم «بلی» است، به عنوان عضو جریان چه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهید؟

پرسش پنجم نیز پرسش تعقیبی دیگری برای پرسش سوم است. در این پرسش تلاش صورت گرفته است تا چگونگی فعالیت اشتراک‌کنندگانی که عضویت جریانی را دارند، برای آن جریان، بررسی شود. پاسخ این پرسش شامل گزینه‌های ذیل است که اشتراک‌کنندگان از آن میان یک یا چند گزینه را انتخاب کرده‌اند: دعوت کردن و یا تبلیغ، راه‌اندازی برنامه‌ها، نشست‌ها و جلسه‌ها، تهدید و تکفیر افراد و گروه‌های مخالف، فعالیت مسلحانه، و دیگر. پاسخ‌دهندگان می‌توانستند در صورتی که فعالیت مورد نظر خود را در گزینه‌های موجود نیابند، در مقابل گزینه دیگر بنویسند. همچنان از پاسخ‌دهنده‌ها خواسته شده بود که در مقابل نوع فعالیت، نام جریانی را که در آن عضویت دارند و این فعالیت‌ها را انجام داده‌اند، نیز بنویسند.

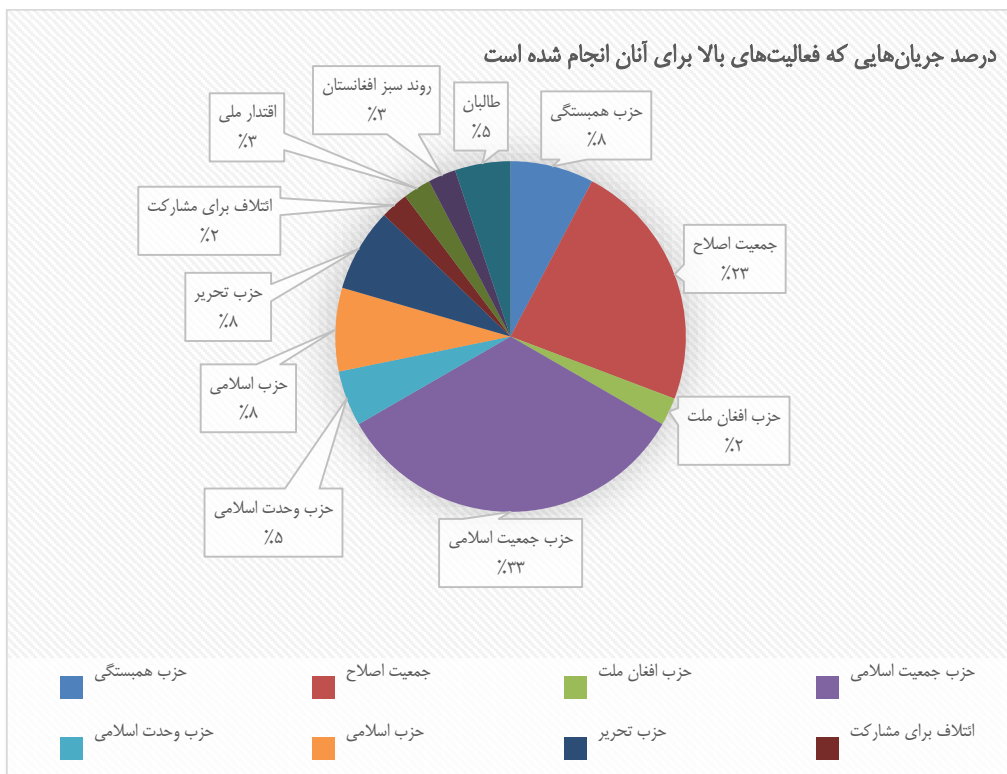
بر اساس آمار به دست آمده، ۴۸٪ پاسخ‌دهنده‌ها برای جریانی که عضویت آن را دارند، فعالیت «راه‌اندازی برنامه‌ها، نشست‌ها و جلسه‌ها»، ۵٪ «تهدید و تکفیر افراد و گروه‌های مخالف»، ۳٪ «فعالیت‌های مسلحانه» و ۴۴٪ فعالیت «دعوت و یا تبلیغ کردن» را انجام می‌دهند.

نمودار ۲۴: درصد گونه‌های فعالیتی که دانشجویها برای جریان‌ها انجام داده‌اند.



فعالیت‌های که در بالا آورده شد، ۳۳٪ برای حزب جمعیت اسلامی، ۲۳٪ برای جمعیت اصلاح، ۸٪ برای حزب اسلامی، ۸٪ برای حزب همبستگی افغانستان، ۵٪ برای طالبان، ۳٪ برای روند سبز افغانستان، ۳٪ برای حزب اقتدار ملی، ۲٪ برای حزب افغان ملت و ۲٪ برای ائتلاف برای مشارکت انجام شده است.

نمودار ۲۵: درصد جریان‌هایی که فعالیت‌های دینی - سیاسی برای آن‌ها از سوی دانشجویان انجام شده است

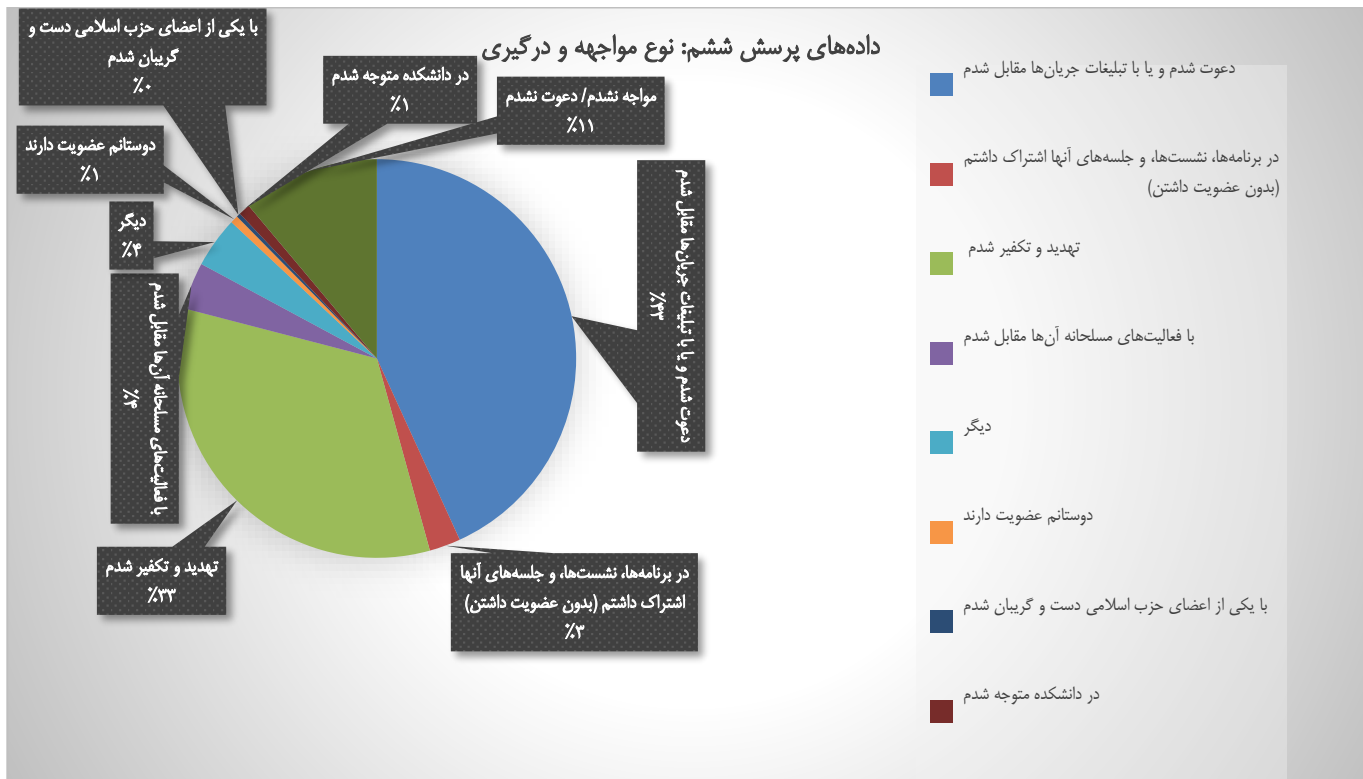


پرسش ششم: اگر پاسخ شما به سؤال سوم «نخیر» است، آیا به یکی از طریقه‌های زیر تجربه‌ی مواجهه و درگیری با یکی از این جریان‌ها را دارید؟

پرسش ششم وابسته به ارائه پاسخ منفی به پرسش سوم است. گزینه‌هایی که در پاسخ این پرسش تعیینی قرار داشت عبارت بودند از: دعوت شدم و یا با تبلیغات جریان‌ها مقابل شدم، عضویت داشتم (در

گذشته)، در برنامه‌ها، نشست‌ها و جلسات آن‌ها اشتراک داشتم (بدون عضویت‌داشتن)، تهدید و تکفیر شدم و دیگر.

پاسخ‌دهنده‌ها می‌توانستند در صورتی که نوع مواجهه و درگیری خویش را با یکی از جریان‌ها در گزینه‌های موجود نیابند، در مقابل گزینه دیگر بنویسند. این پرسش در تلاش بوده تا چگونگی مواجهه افراد و دانشجویانی که عضویت جریانی را ندارند با جریان‌های فعال را بررسی کند.



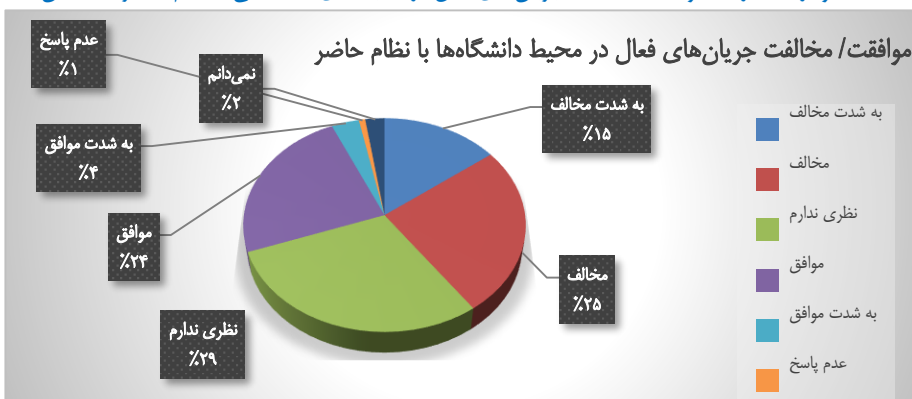
نمودار ۲۶: درصد نوع مواجهه دانشجویانی که عضویت جریان‌ها را ندارند با دانشجویانی که عضویت آن جریان‌ها را دارند.

بر بنیاد آمارهای به دست آمده، دانشجویانی که در یکی از جریان‌ها عضویت ندارند، به این یکی از این اشکال با جریان‌های فعال مواجه شده‌اند: ۴۳٪ آن‌ها به گونه‌های مختلف با تبلیغ و دعوت جریان‌ها مواجه شده‌اند؛ ۳۳٪ از سوی اعضای جریان‌ها تهدید و تکفیر شده‌اند؛ ۴٪ با فعالیت‌های مسلحانه جریان‌ها مقابل شده‌اند؛ و ۳٪ بدون این‌که عضویت داشته باشند، در برنامه‌ها، نشست‌ها و جلسات جریان‌ها اشتراک کرده‌اند. ۱٪ پاسخ‌دهنده‌ها هم گفته‌اند که دوستان‌شان عضویت جریان‌های فعال را دارند. ۱٪ دیگر گفته‌اند که در دانشگاه به گونه‌های مختلف متوجه فعالیت جریان‌ها شده‌اند. یک نفر از پاسخ‌دهنده‌ها هم گفته که با اعضای حزب اسلامی دست به گریبان شده است که از لحاظ محاسبه زیر یک درصد با تقرب به صفر قرار می‌گیرد. ۴٪ پاسخ‌دهنده‌ها هم گزینه دیگر را انتخاب کرده‌اند اما در مقابل آن نوع مواجهه خود را مشخص نکرده‌اند.

پرسش هفتم: به نظر شما جریان‌های فعال در محیط دانشگاه تا چه حد در موافقت یا مخالفت با نظام حاضر افغانستان قرار دارند؟

این سؤال به روش «لیکرت» طراحی شده است و دارای پنج گزینه به شدت مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق و به شدت موافق است. بر بنیاد آمار به دست آمده، ۲۹٪ گزینه نظری ندارم، ۲۵٪ گزینه مخالف، ۲۴٪ گزینه موافق، ۱۵٪ گزینه به شدت مخالف و ۴٪ گزینه به شدت موافق را انتخاب کرده‌اند. ۲٪ اشتراک‌کننده‌ها گزینه نمی‌دانم را انتخاب کرده‌اند و ۱٪ آن‌ها هم به این پرسش پاسخ نداده‌اند. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۴۰٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۲۸٪ می‌شود.

نمودار ۲۷: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی با نظام حاضر افغانستان

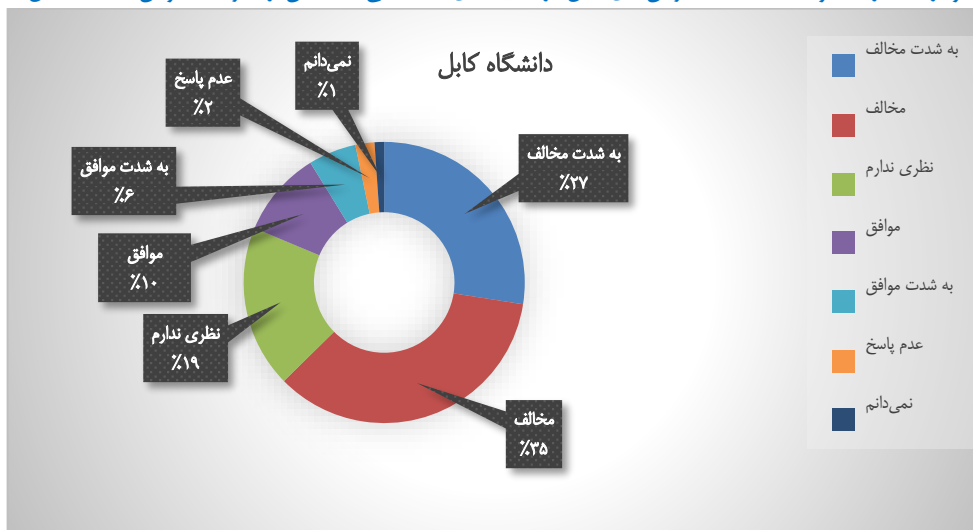


سطح و درصد موافقت و مخالفت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه با نظام حاضر افغانستان به نظر دانشجویان هر دانشگاه که شامل نمونه آماری پژوهش می‌شوند، متفاوت است. از این رو داده‌های پرسش هفتم بر بنیاد متغیر «دانشگاه» نیز می‌تواند تحلیل شود که در نتیجه نشان می‌دهد دانشجویان کدام دانشگاه فکر می‌کنند جریان‌های فعال در موافقت یا مخالفت بیشتر یا کمتر با نظام حاضر قرار دارد.

دانشگاه کابل

نگاه دانشجویان دانشگاه کابل نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند با موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این‌گونه است: ۲۷٪ به شدت مخالف، ۳۵٪ مخالفت، ۱۹٪ نظری ندارم، ۱۰٪ موافق و ۶٪ به شدت موافق. ۱٪ گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند و ۲٪ نیز به این پرسش پاسخ نداده‌اند. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۶۲٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۱۶٪ می‌شود.

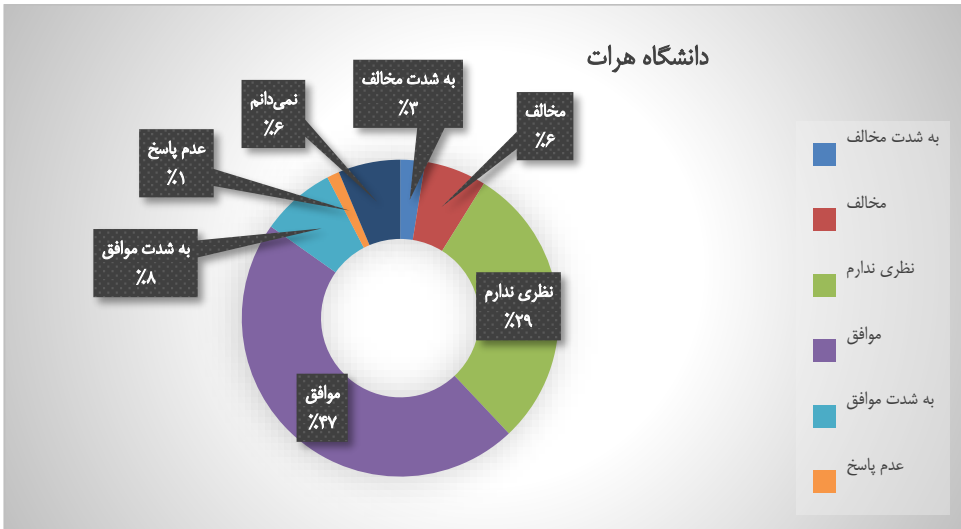
نمودار ۲۸: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه کابل



دانشگاه هرات

نگاه دانشجویان دانشگاه هرات نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند به موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این‌گونه است: ۳٪ به شدت مخالف، ۶٪ مخالف، ۲۹٪ نظری ندارم، ۴۷٪ موافق و ۸٪ به شدت موافق. ۶٪ گفته‌اند که «نمی‌دانم» و ۱٪ نیز به این پرسش پاسخ نگفته‌اند. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۹٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۵۵٪ می‌شود.

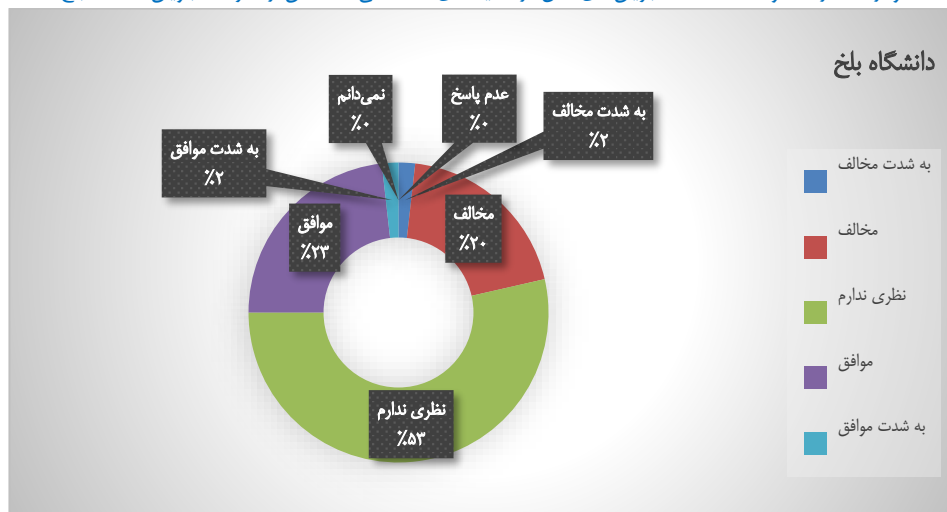
نمودار ۲۹: درصد موافقت/مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه هرات



دانشگاه بلخ

نگاه دانشجویان دانشگاه بلخ نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند به موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این‌گونه است: ۲٪ به شدت مخالف، ۲۰٪ مخالف، ۵۳٪ نظری ندارم، ۲۳٪ موافق و ۲٪ به شدت موافق. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۲۲٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۲۵٪ می‌شود.

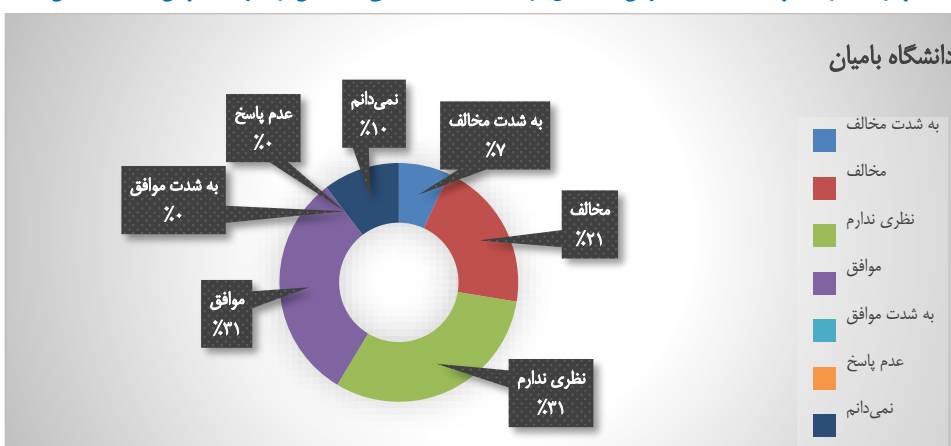
نمودار ۳۰: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه بلخ



دانشگاه بامیان

نگاه دانشجویان دانشگاه بامیان نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند به موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این گونه است: ۷٪ به شدت مخالف، ۲۱٪ مخالف، ۳۱٪ نظری ندارم، ۳۱٪ موافق و ۰٪ به شدت موافق. ۱۰٪ نیز گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۲۸٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۳۱٪ می‌شود.

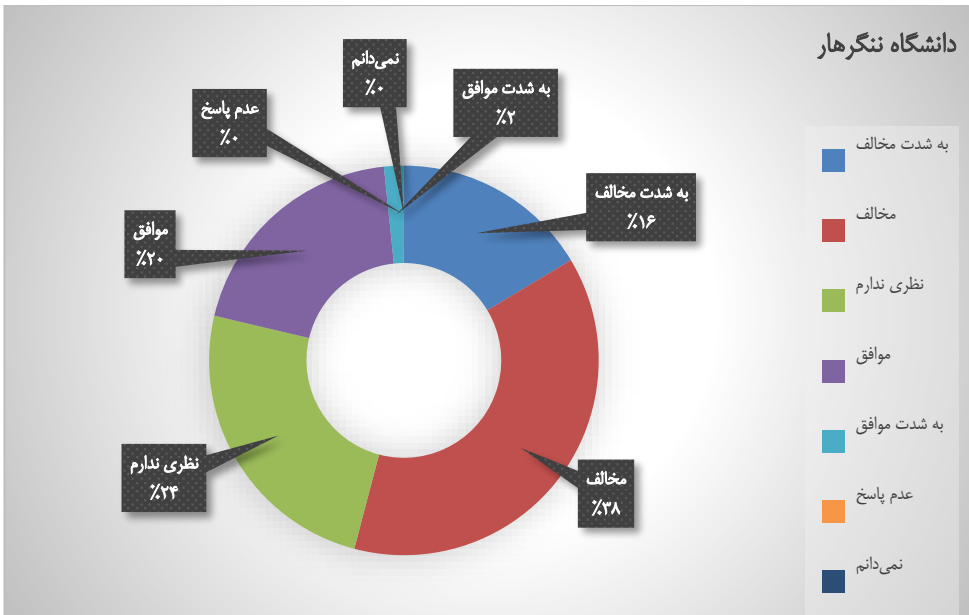
نمودار ۳۱: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه بامیان



دانشگاه ننگرهار

نگاه دانشجویان دانشگاه ننگرهار نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند به موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این‌گونه است: ۱۶٪ به شدت مخالف، ۳۸٪ مخالف، ۲۴٪ نظری ندارم، ۲۰٪ موافق و ۲٪ به شدت موافق. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۵۴٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۲۲٪ می‌شود.

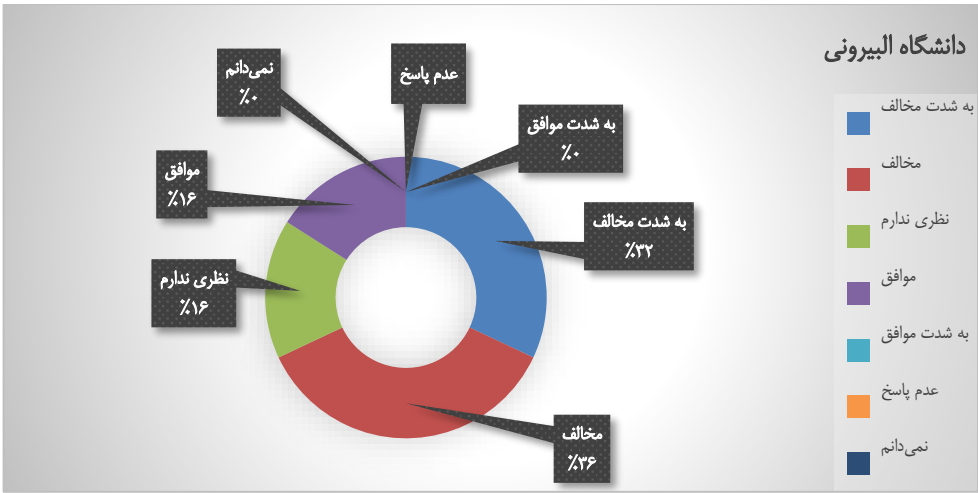
نمودار ۳۲: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه ننگرهار



دانشگاه البیرونی

نگاه دانشجویان دانشگاه البیرونی نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند به موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این‌گونه است: ۳۲٪ به شدت مخالف، ۳۶٪ مخالف، ۱۶٪ نظری ندارم، ۱۶٪ موافق و ۰٪ به شدت موافق. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۶۸٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۱۶٪ می‌شود.

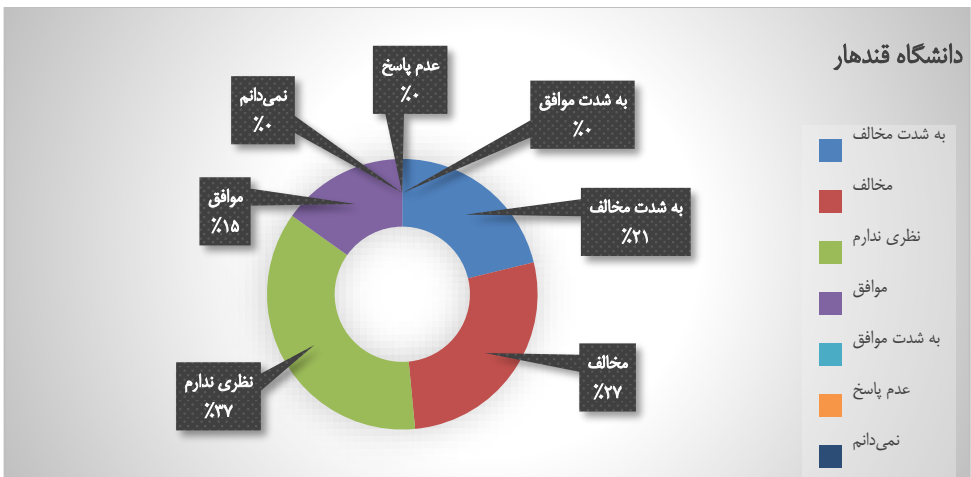
نمودار ۳۳: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه البیرونی



دانشگاه قندهار

نگاه دانشجویان دانشگاه قندهار نسبت به فعالیت جریان‌های فعال در این دانشگاه در پیوند به موافقت یا مخالفت آن جریان‌ها با نظام حاضر افغانستان این گونه است: ۲۱٪ به شدت مخالف، ۲۷٪ مخالف، ۳۷٪ نظری ندارم، ۱۵٪ موافق، و ۰٪ به شدت موافق. مجموع گزینه‌های مخالف و به شدت مخالف، ۴۸٪ و مجموع گزینه‌های موافق و به شدت موافق، ۱۵٪ می‌شود.

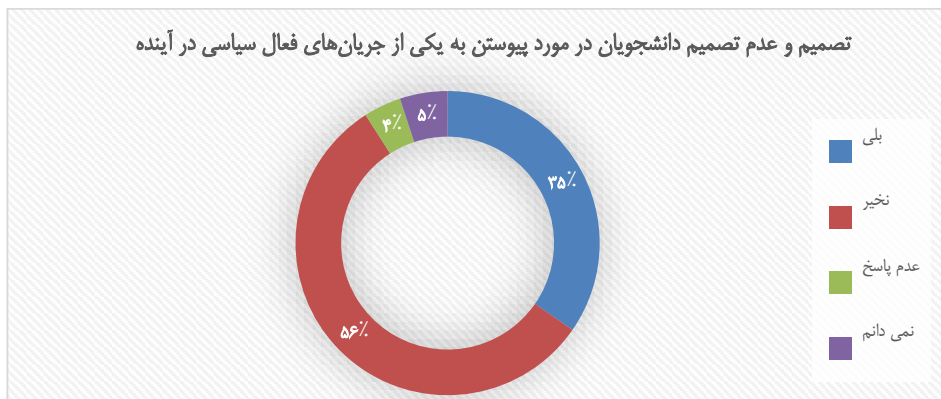
نمودار ۳۴: درصد موافقت/ مخالفت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان از نظر دانشجویان دانشگاه قندهار



پرسش هشتم: آیا شما تصمیم دارید که در آینده به یکی از جریان‌های فعال در محیط دانشگاه‌تان پیوندید؟

پرسش هشتم علاوه بر گزینه «نمی‌دانم»، دارای دو گزینه «بلی» و «نخیر» است. این پرسش تلاش دارد تا تصمیم و یا عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده را بررسی کند. بر بنیاد آمار به دست آمده ۳۵٪ دانشجویان تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌ها پیوندند؛ ۵۶٪ تصمیم پیوستن به جریانی را ندارند و ۵٪ دانشجویان هم گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. ۴٪ پاسخ‌دهندگان نیز به این پرسش هیچ پاسخی نداده‌اند.

نمودار ۳۵: درصد تصمیم/عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده



و اما آن‌هایی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال پیوندند، بیشتر دانشجویان کدام دانشگاه‌اند؟ ارقام به دست آمده نشان می‌دهد که از میان مجموع دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به یکی از جریان‌ها پیوندند، ۲۲٫۳٪ دانشجویان دانشگاه بلخ، ۱۷٫۷٪ دانشجویان دانشگاه کابل، ۱۶٫۳٪ دانشجویان دانشگاه هرات، ۱۲٫۳٪ دانشجویان دانشگاه بامیان، ۱۲٫۳٪ دانشجویان دانشگاه ننگرهار، ۱۰٫۷٪ دانشجویان دانشگاه البیرونی و ۸٫۴٪ دانشجویان دانشگاه قندهار هستند. بر این بنیاد، بیشترین علاقه‌مندی و تصمیم برای پیوستن به جریان‌های فعال در دانشجویان دانشگاه بلخ و کمترین تصمیم و علاقه‌مندی در دانشجویان دانشگاه قندهار است.

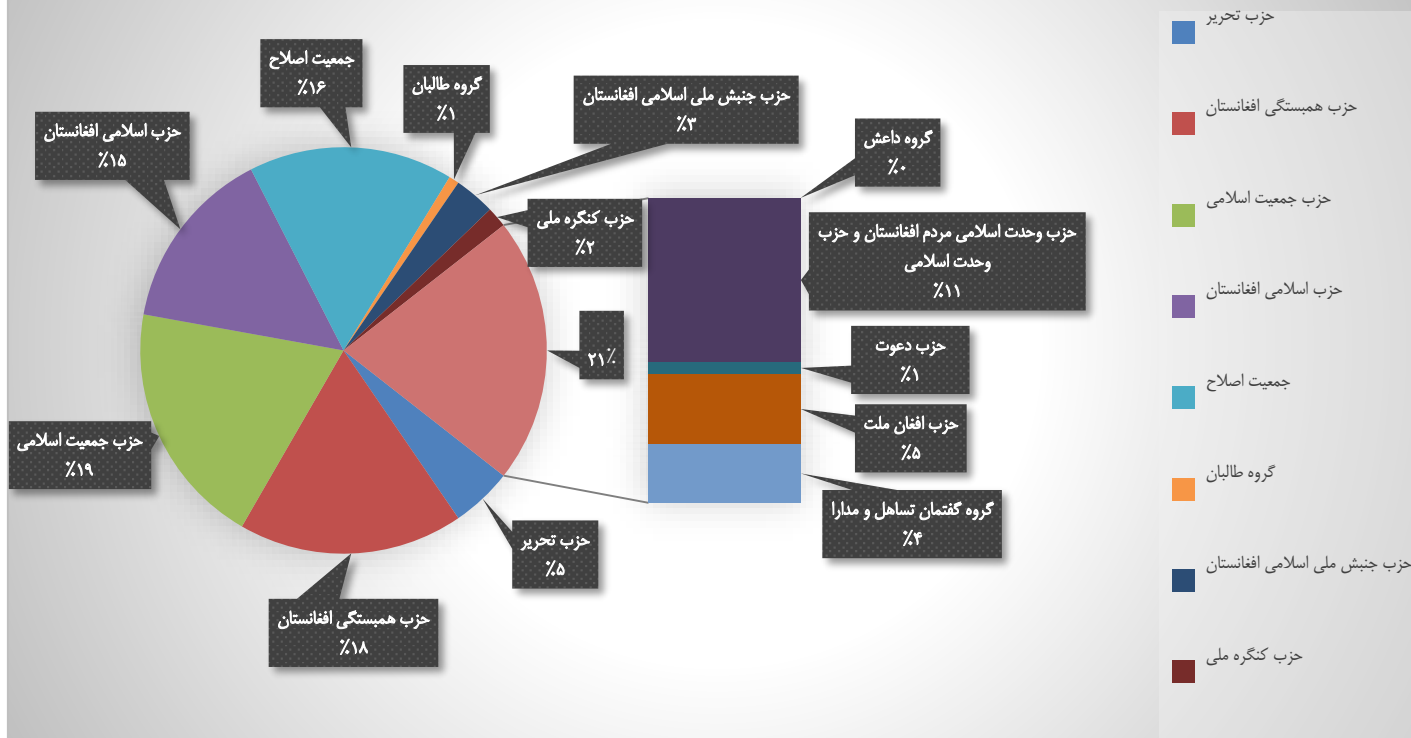
جدول ۲۳: درصد تصمیم/ عدم تصمیم دانشجویان هر دانشگاه برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده

۲۳٪	دانشگاه کابل
۲۱٪	دانشگاه هرات
۲۹٪	دانشگاه بلخ
۱۱٪	دانشگاه قندهار
۱۶٪	دانشگاه ننگرهار
۱۶٪	دانشگاه بامیان
۱۴٪	دانشگاه البیرونی

پرسش نهم: اگر پاسخ شما به پرسش بالا (پرسش هشتم) «بلی» است، نام جریان را علامت زده یا بنویسید.

این پرسش، متمرکز بر آن عده از اشتراک‌کننده‌هایی است که در پرسش قبلی یادآور شدند تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند. داده‌ها و ارقامی که از این پرسش به دست آمده، نشان می‌دهد از میان آن دانشجویانی که تصمیم دارند به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند: ۱۹٪ به حزب جمعیت اسلامی افغانستان، ۱۸٪ به حزب همبستگی افغانستان، ۱۶٪ به جمعیت اصلاح، ۱۵٪ به حزب اسلامی افغانستان، ۱۱٪ به حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان، ۵٪ به حزب التحریر، ۵٪ به حزب افغان‌ملت، ۴٪ به گروه گفتمان تساهل و مدارا، ۳٪ به حزب جنبش ملی افغانستان، ۲٪ به حزب کنگره ملی، ۱٪ به حزب دعوت و ۱٪ به گروه طالبان می‌خواهند بپیوندند. در این میان هیچ یک از دانشجویان تصمیم ندارند به گروه داعش بپیوندند.

تصمیم پیوستن دانشجویان به یکی از جریان‌های فعال در آینده



نمودار ۳۶: تصمیم / عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده بر بنیاد تفکیک نام جریان

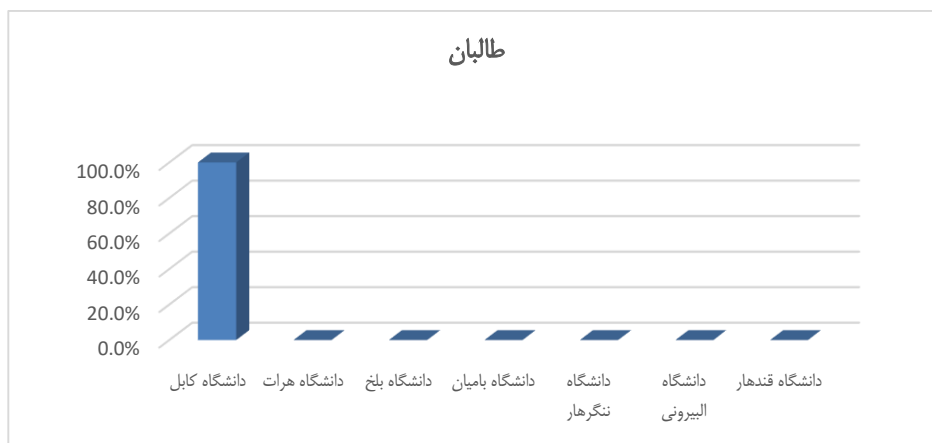
برای شرح بیشتر، داده‌های به دست آمده را بر بنیاد تفکیک دو متغیر «نام دانشگاه» و «نام جریان» طرح و نمودار بندی می‌کنیم.

در تحلیل داده‌ها بر بنیاد متغیر نام جریان، این موضوع بررسی می‌شود که هر جریان در هر دانشگاه در چه سطحی گزینه مورد نظر دانشجویانی است که در آینده می‌خواهند به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند.

طالبان

از میان تمام دانشجویانی که تصمیم دارند به یکی از جریان‌های فعال در آینده بپیوندند، فقط یک نفر تصمیم پیوستن به گروه طالبان را دارد که از دانشجویان دانشگاه کابل است.

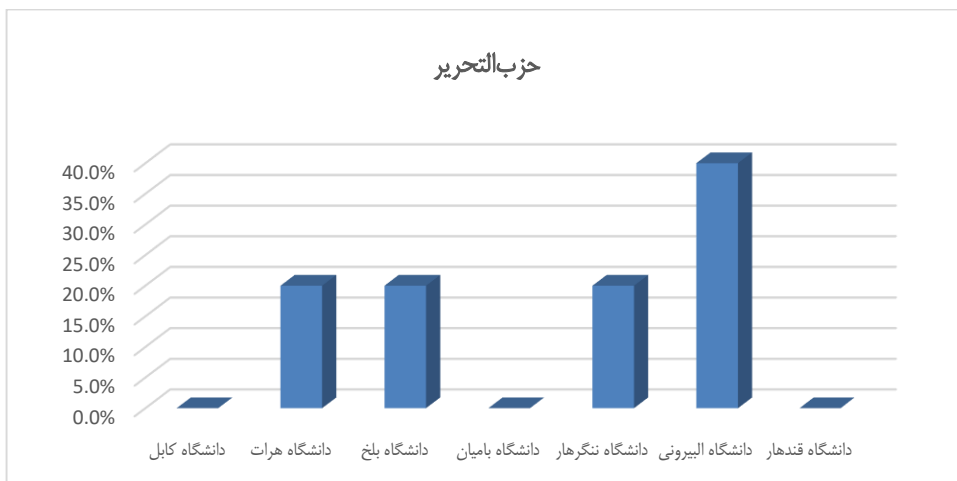
نمودار ۳۷: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به طالبان با تفکیک نام دانشگاه



حزب التحریر

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب التحریر بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۲۰٪ از دانشگاه هرات، ۲۰٪ از دانشگاه بلخ، ۲۰٪ از دانشگاه ننگرهار و ۴۰٪ از دانشگاه البیرونی. سهم دانشگاه‌های کابل، بامیان و قندهار ۰٪ است.

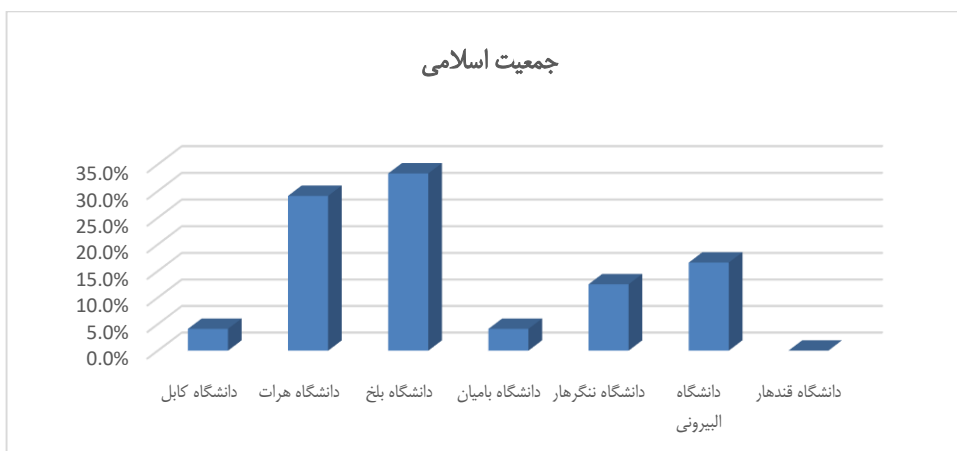
نمودار ۳۸: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب التحریر با تفکیک نام دانشگاه



حزب جمعیت اسلامی افغانستان

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب جمعیت اسلامی پیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۴,۱٪ دانشگاه کابل، ۲۹,۱٪ دانشگاه هرات، ۳۳,۳٪ دانشگاه بلخ، ۴,۱٪ دانشگاه بامیان، ۱۲,۵٪ دانشگاه ننگرهار و ۱۶,۶٪ دانشگاه البيروني است. سهم دانشگاه قندهار ۰٪ است. بر این اساس بیشترین دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به حزب جمعیت اسلامی پیوندند، از دانشگاه بلخ و کمترین از دانشگاه قندهار است.

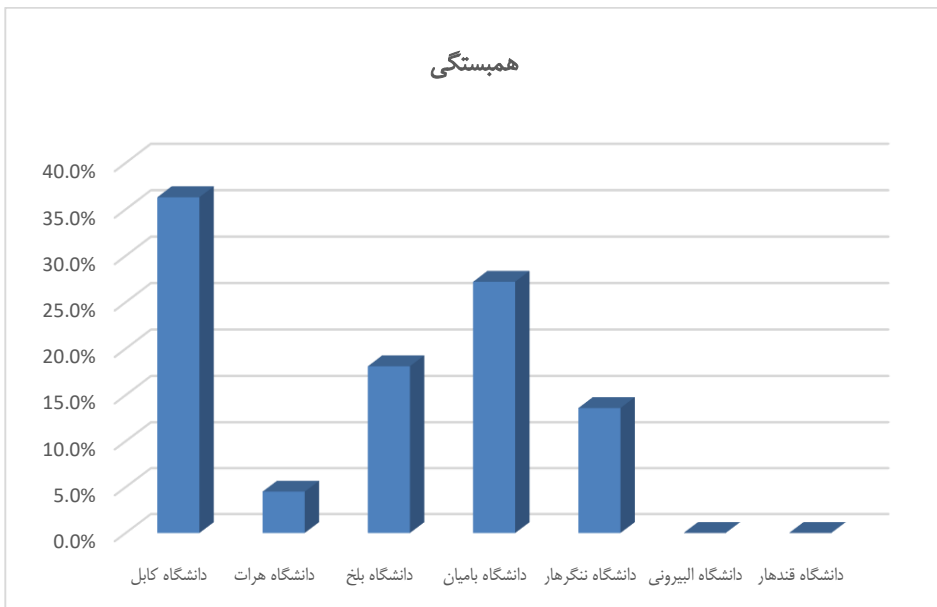
نمودار ۳۹: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب جمعیت اسلامی با تفکیک نام دانشگاه



حزب همبستگی افغانستان

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب همبستگی بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۳۶,۳٪ دانشگاه کابل، ۴,۵٪ دانشگاه هرات، ۱۸,۱٪ دانشگاه بلخ، ۲۷,۲٪ دانشگاه بامیان و ۱۳,۶٪ دانشگاه ننگرهار. سهم دانشگاه‌های البیرونی و قندهار ۰٪ است. بر این اساس بیشترین تعداد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب همبستگی بپیوندند از دانشگاه کابل و کمترین از دانشگاه‌های البیرونی و قندهارند.

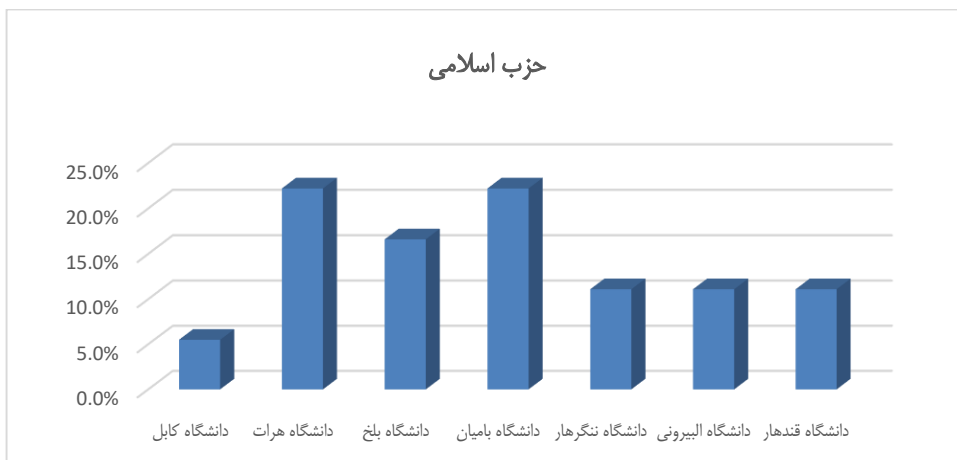
نمودار ۴۰: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب همبستگی با تفکیک نام دانشگاه



حزب اسلامی افغانستان

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب اسلامی بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۵,۵٪ دانشگاه کابل، ۲۲,۲٪ دانشگاه هرات، ۱۶,۶٪ دانشگاه بلخ، ۲۲,۲٪ دانشگاه بامیان و دانشگاه‌های ننگرهار و البیرونی و قندهار هر کدام ۱۱,۱٪. بر این بنیاد، بیشترین درصد دانشجویانی که در آینده می‌خواهند به حزب اسلامی بپیوندند، از دانشگاه‌های هرات و بامیان و کمترین درصد از دانشگاه کابل است.

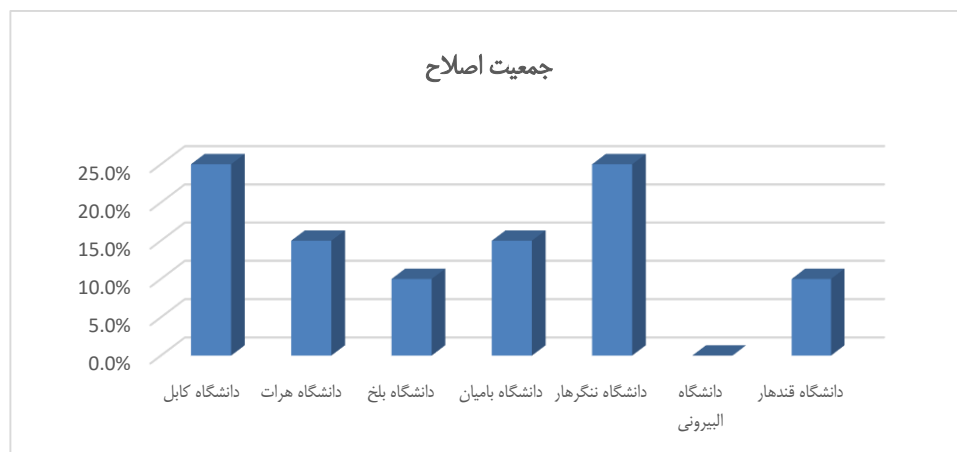
نمودار ۴۱: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب اسلامی با تفکیک نام دانشگاه



جمعیت اصلاح

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به جمعیت اصلاح بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۲۵٪ دانشگاه کابل، ۱۵٪ دانشگاه هرات، ۱۰٪ دانشگاه بلخ، ۱۵٪ دانشگاه بامیان، ۲۵٪ دانشگاه ننگرهار و ۱۰٪ دانشگاه قندهار. سهم دانشگاه البيروني ۰٪ است. بر این اساس، بیشترین شمار دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به جمعیت اصلاح بپیوندند، از دانشگاه‌های کابل و ننگرهار و کمترین آن‌ها از دانشگاه البيروني است.

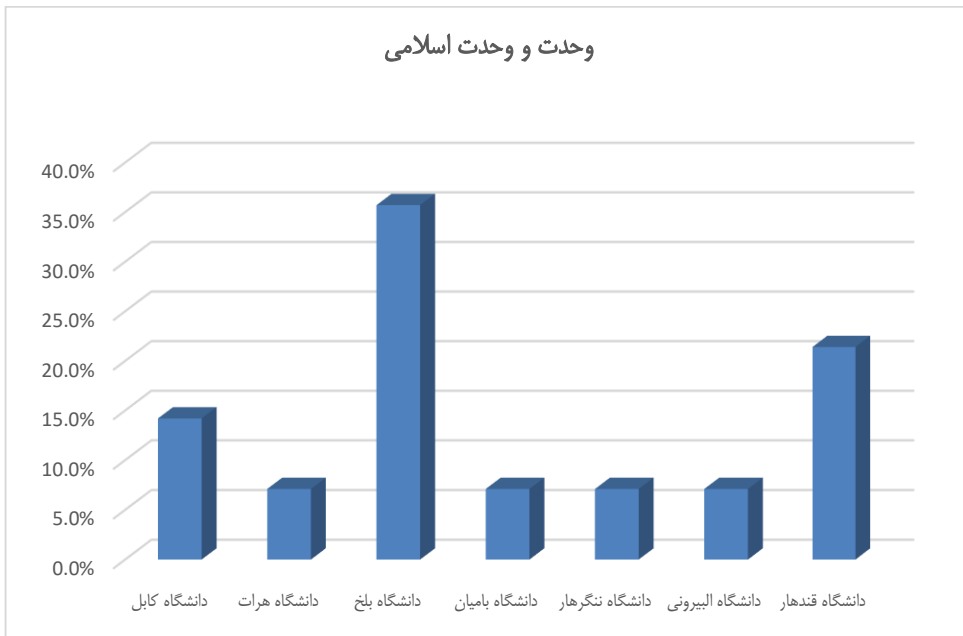
نمودار ۴۲: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به جمعیت اصلاح با تفکیک نام دانشگاه



احزاب وحدت و وحدت اسلامی افغانستان

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۱۴,۲٪ دانشگاه کابل، ۳۵,۷٪ دانشگاه بلخ، ۲۱,۴٪ دانشگاه قندهار و دانشگاه‌های بامیان، هرات، نگرهار و البیرونی هر کدام ۷,۱٪. بر این اساس، بیشترین دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به این دو حزب بپیوندند، از دانشگاه بلخ و کمترین آن‌ها از دانشگاه‌های هرات، بامیان، نگرهار و البیرونی است.

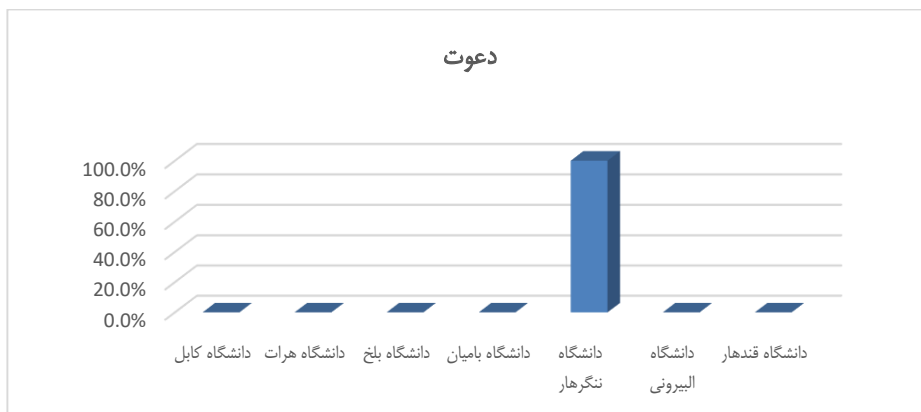
نمودار ۴۳: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به احزاب وحدت و وحدت اسلامی افغانستان با تفکیک نام دانشگاه



حزب دعوت

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب دعوت بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: سهم دانشگاه نگرهار ۱۰۰٪ و از بقیه دانشگاه‌ها ۰٪ است. بر این اساس بیشترین دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به حزب دعوت بپیوندند از دانشگاه نگرهار و کمترین آن از بقیه دانشگاه‌هاست.

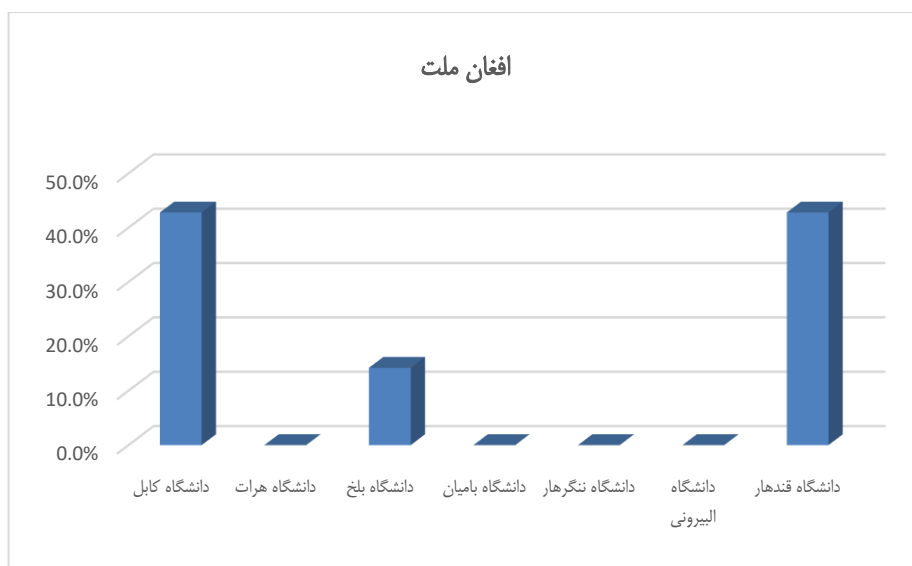
نمودار ۴۴: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به دعوت با تفکیک نام دانشگاه



حزب افغان ملت

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب افغان ملت بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۴۲,۹٪ دانشگاه کابل، ۱۴,۲٪ دانشگاه بلخ و ۴۲,۹٪ از دانشگاه قندهار. سهم بقیه دانشگاه‌ها ۰٪ است. بر این مبنای، بیشترین دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب افغان ملت بپیوندند، از دانشگاه‌های کابل و قندهار و کمترین از دانشگاه‌های هرات، بامیان، ننگرهار و البیرونی است.

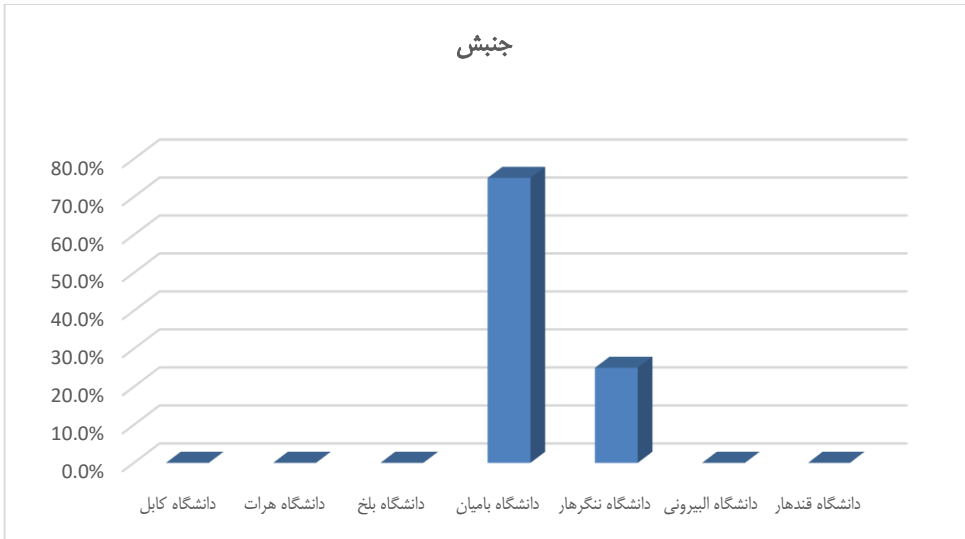
نمودار ۴۵: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به افغان ملت با تفکیک نام دانشگاه



حزب جنبش ملی افغانستان

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب جنبش ملی افغانستان بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۷۵٪ دانشگاه بامیان و ۲۵٪ دانشگاه ننگرهار. سهم بقیه دانشگاه‌ها در این میان ۰٪ است. بر این اساس، بیشترین شمار دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به حزب جنبش بپیوندند، از دانشگاه بامیان و کمترین از دانشگاه‌های کابل، هرات، بلخ، البیرونی و قندهار است.

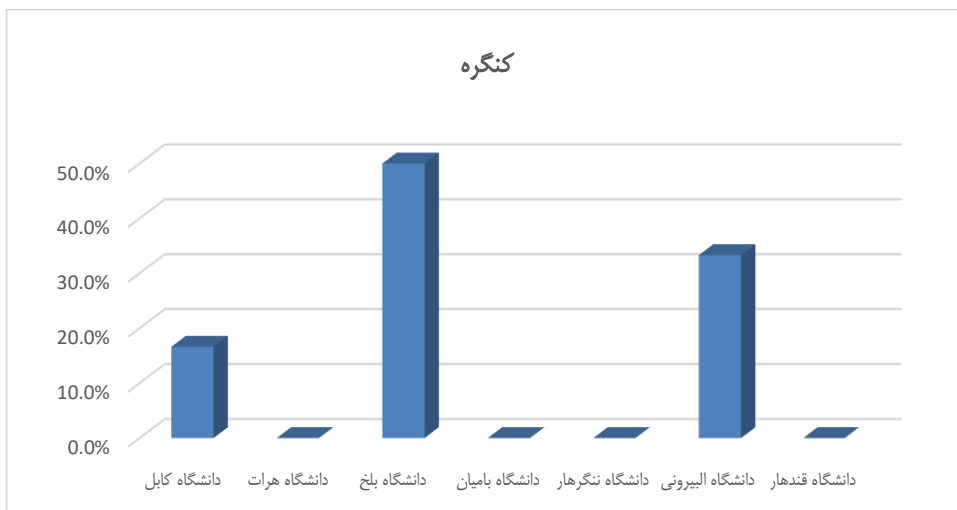
نمودار ۴۶: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب جنبش ملی افغانستان با تفکیک نام دانشگاه



حزب کنگره ملی

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به حزب کنگره ملی بپیوندند، بر بنیاد نام دانشگاه به این قرار است: ۱۶٫۶٪ دانشگاه کابل، ۵۰٪ دانشگاه بلخ و ۳۳٫۴٪ دانشگاه البیرونی. سهم دانشگاه‌های هرات، بامیان، ننگرهار و قندهار ۰٪ است. بر این اساس، بیشترین دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به کنگره بپیوندند، از دانشگاه بلخ و کمترین از دانشگاه‌های هرات، بامیان، ننگرهار و قندهار است.

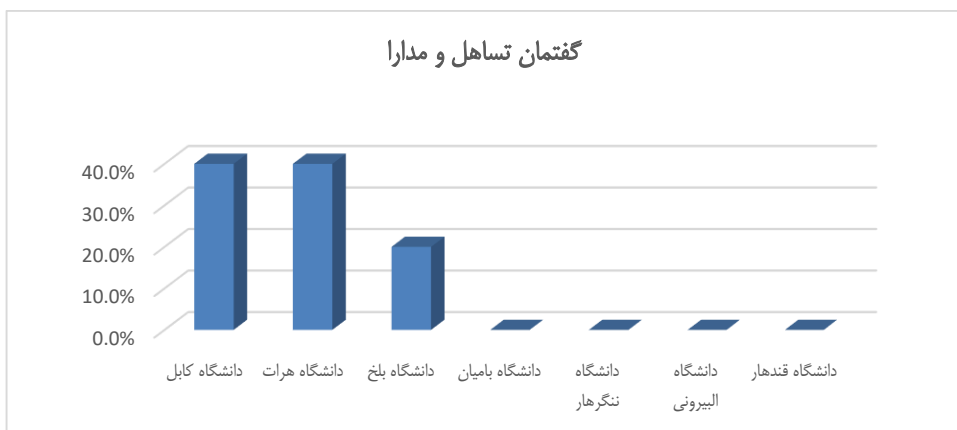
نمودار ۴۷: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به حزب کنگره با تفکیک نام دانشگاه



گفتمان تساهل و مدارا

درصد دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به جریان تساهل و مدارا بپیوندند: بر بنیاد نام دانشگاه به قرار زیر است: ۴۰٪ دانشگاه کابل، ۴۰٪ دانشگاه هرات و ۲۰٪ دانشگاه بلخ. بر این اساس بیشترین دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به جریان تساهل و مدارا بپیوندند، از دانشگاه‌های کابل و هرات و کمترین از دانشگاه‌های بامیان، ننگرهار، البيروني و قندهار است.

نمودار ۴۸: درصد تصمیم پیوستن دانشجویان به گفتمان تساهل و مدارا با تفکیک نام دانشگاه

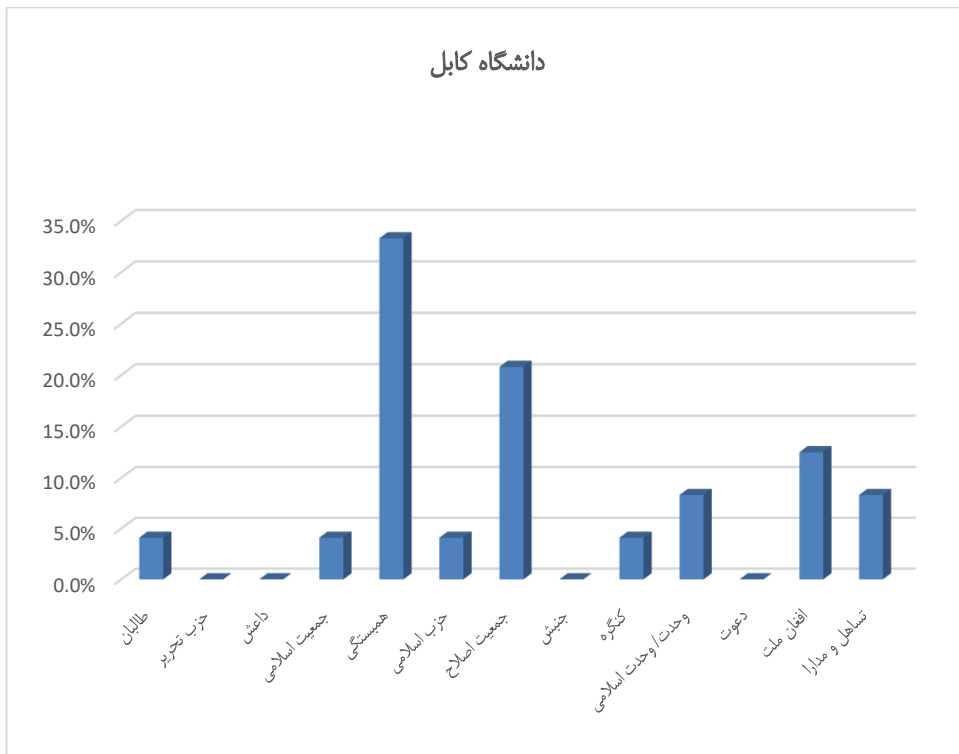


در تحلیل داده‌ها بر بنیاد متغیر «نام دانشگاه» این موضوع بررسی می‌شود که در هر دانشگاه، چند درصد از دانشجویان تصمیم دارند و می‌خواهند به کدام جریان فعال در آینده بپیوندند.

دانشگاه کابل

در دانشگاه کابل از میان آن عده دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند: ۴,۱٪ به طالبان، ۴,۱٪ به جمعیت اسلامی، ۳,۳٪ به حزب همبستگی، ۱,۴٪ به حزب اسلامی، ۲۰,۸٪ به جمعیت اصلاح، ۴,۱٪ به حزب کنگره ملی، ۳,۸٪ به دو حزب وحدت و وحدت اسلامی مردم افغانستان، ۴,۱۲٪ به حزب افغان ملت و ۳,۸٪ به جریان تساهل و مدارا خواهند پیوست. سهم حزب‌التحریر، داعش، جنبش و دعوت ۰٪ و یا نزدیک به صفر است. بر این اساس، از میان دانشجویان دانشگاه کابل بیشترین آن‌ها تمایل دارند به حزب همبستگی بپیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط به گروه داعش، حزب‌التحریر، جنبش و حزب دعوت است.

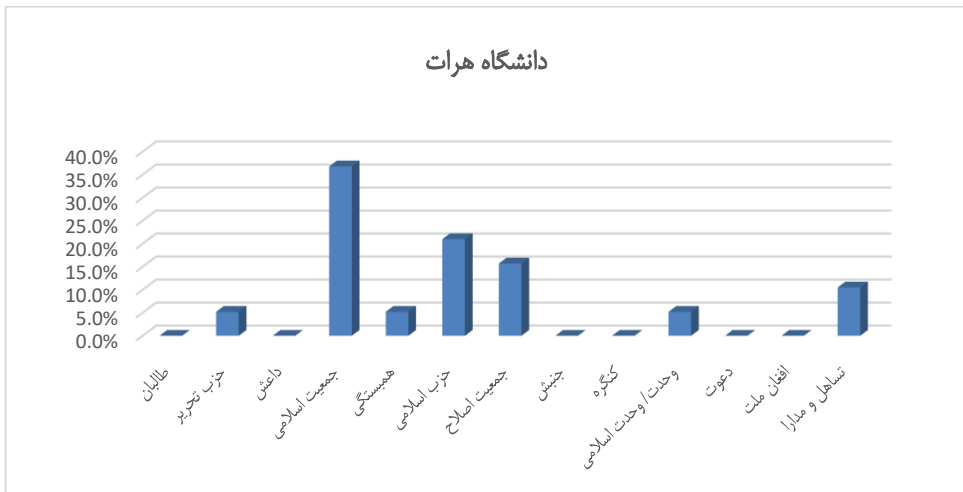
نمودار ۴۹: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه کابل در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان



دانشگاه هرات

در دانشگاه هرات از میان آن دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌ها بپیوندند: ۵,۲٪ به حزب التحریر، ۳۶,۸٪ به جمعیت اسلامی، ۵,۲٪ به حزب همبستگی، ۲۱٪ به حزب اسلامی، ۱۵,۷٪ به جمعیت اصلاح، ۵,۲٪ به حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان و ۱۰,۵٪ به جریان تساهل و مدارا خواهند پیوست. میزان تمایل به احزاب افغان ملت، دعوت، کنگره، جنبش و گروه‌های داعش و طالبان ۰٪ است. بر این مینا، در دانشگاه هرات بیشترین دانشجویان تمایل دارند به حزب جمعیت اسلامی بپیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط به طالبان، داعش، افغان ملت، دعوت، کنگره و جنبش است.

نمودار ۵۰: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه هرات در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان

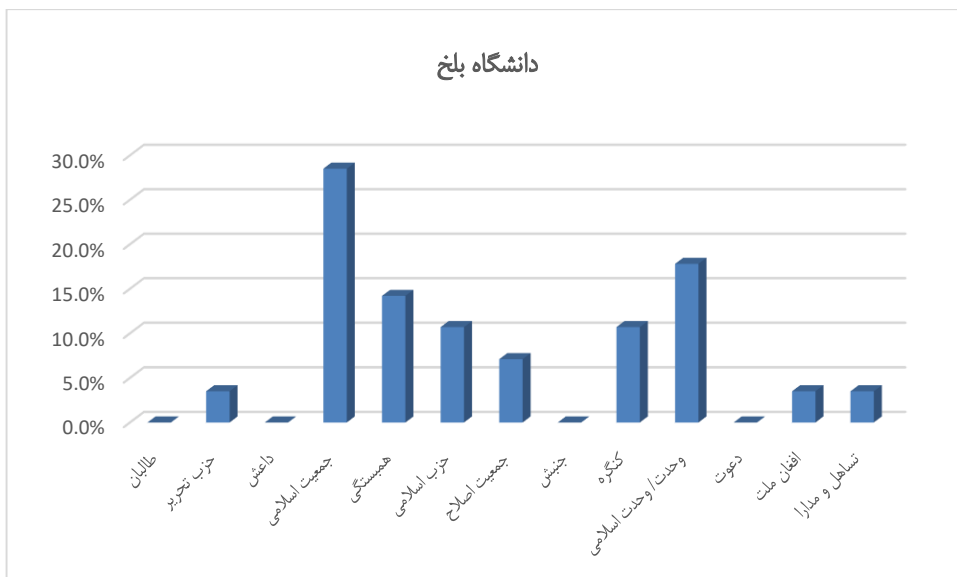


دانشگاه بلخ

در دانشگاه بلخ از میان دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند: ۳,۵٪ به حزب التحریر، ۲۸,۵٪ به حزب جمعیت اسلامی، ۱۴,۲٪ به حزب همبستگی، ۱۰,۷٪ به حزب اسلامی، ۷,۱٪ به جمعیت اصلاح، ۱۰,۷٪ به حزب کنگره ملی، ۱۷,۸٪ به حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان، ۳,۵٪ به حزب افغان ملت و ۳,۵٪ به جریان تساهل و مدارا خواهند پیوست. سهم گروه داعش و طالبان و احزاب جنبش و دعوت ۰٪ است. بر این اساس، بیشترین دانشجویان دانشگاه بلخ،

تمایل دارند به حزب جمعیت اسلامی بپیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط به طالبان، داعش، جنبش و دعوت است.

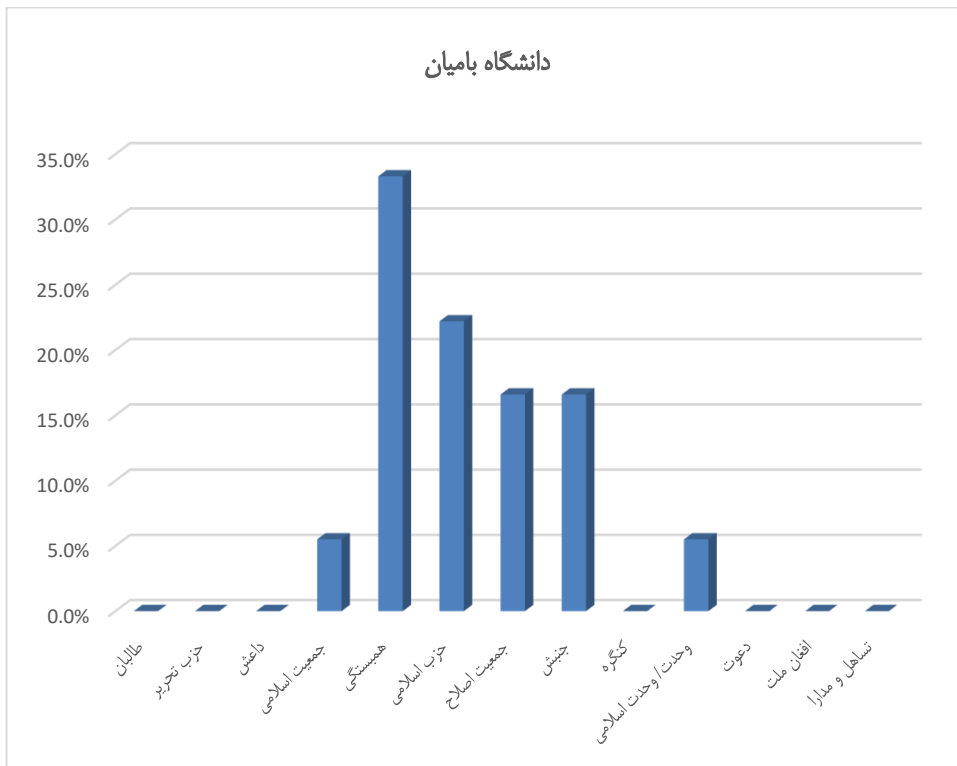
نمودار ۵۱: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه بلخ در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان



دانشگاه بامیان

در دانشگاه بامیان از میان دانشجویانی که تصمیم دارند به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند: ۵,۵٪ به جمعیت اسلامی، ۳۳,۳٪ به حزب همبستگی، ۲۲,۲٪ به حزب اسلامی، ۱۶,۶٪ به جمعیت اصلاح، ۱۶,۶٪ به حزب جنبش، و ۵,۵٪ به حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان خواهند پیوست. سهم جریان‌های تساهل و مدارا، حزب افغان ملت، حزب دعوت، حزب کنگره، حزب التحریر و گروه داعش و طالبان از این موضوع ۰٪ است. بر این اساس، بیشترین دانشجویان دانشگاه بامیان تصمیم دارند به حزب همبستگی بپیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط به گروه داعش و طالبان و احزاب تحریر، کنگره، دعوت، افغان ملت و جریان تساهل و مدارا است.

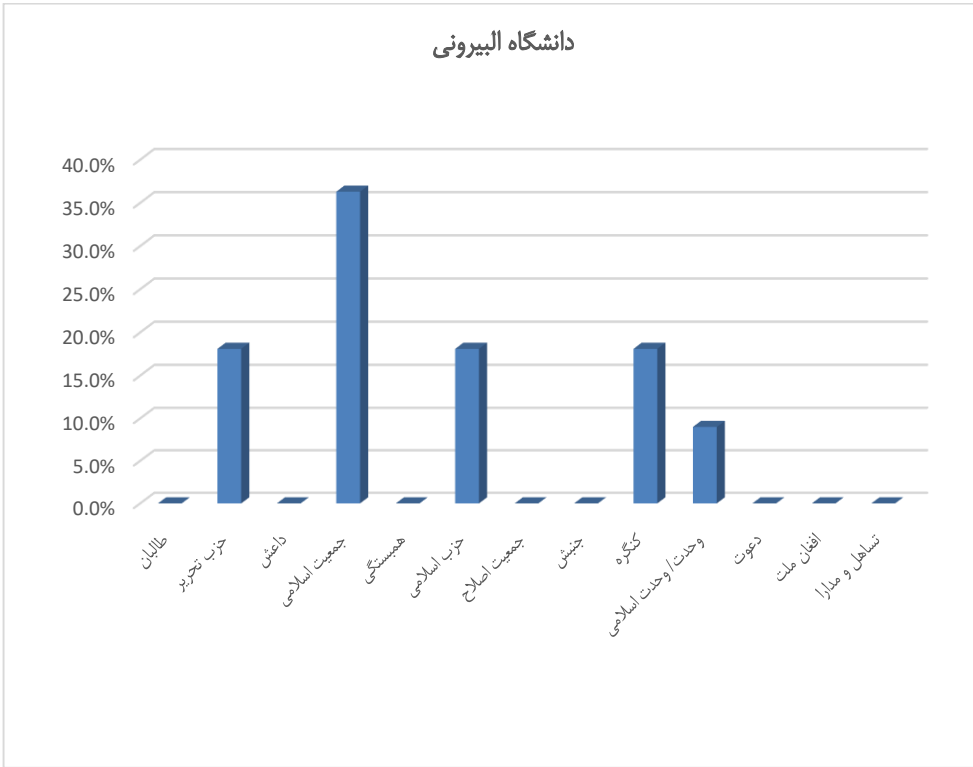
نمودار ۵۲: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه بامیان در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان



دانشگاه البیرونی

در دانشگاه البیرونی از میان دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال پیوندند: ۱۸,۱٪ به حزب التحریر، ۳,۳٪ به جمعیت اسلامی، ۱,۱٪ به حزب اسلامی، ۱,۱٪ به حزب کنگره ملی، و ۹٪ به حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان خواهند پیوست. سهم گروه طالبان و داعش و احزاب همبستگی، جنبش، دعوت، افغان ملت، جریان تساهل و مدارا و جمعیت اصلاح ۰٪ است. بر این اساس، بیشترین شمار دانشجویان دانشگاه البیرونی تصمیم دارند به حزب جمعیت اسلامی پیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط به گروه‌های طالبان و داعش و احزاب همبستگی، جنبش، دعوت، افغان ملت، جریان تساهل و مدارا و جمعیت اصلاح است.

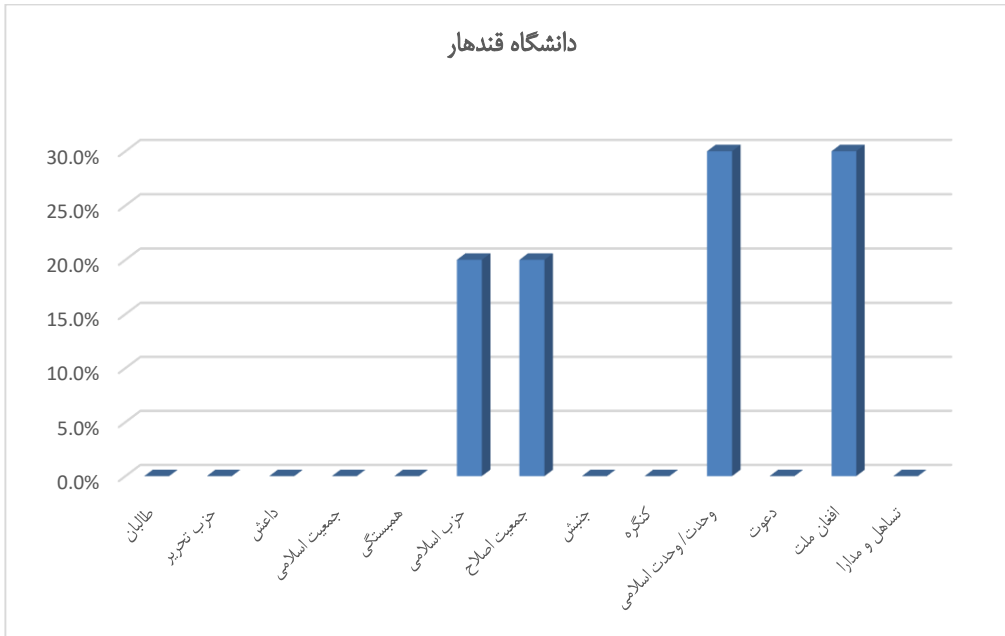
نمودار ۵۳: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه البیرونی در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان



دانشگاه قندهار

در دانشگاه قندهار از میان دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند: ۲۰٪ به حزب اسلامی، ۲۰٪ به جمعیت اصلاح، ۳۰٪ به حزب افغان‌ملت و ۳۰٪ به دو حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان خواهند پیوست. همچنین سهم گروه طالبان و داعش و احزاب تحریر، جمعیت اسلامی، همبستگی، جنبش، کنگره، دعوت و جریان تساهل و مدارا ۱۰٪ است. بر این اساس، بیشترین دانشجویان دانشگاه قندهار تصمیم دارند در آینده به حزب افغان‌ملت و دو حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان بپیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط گروه طالبان و داعش و احزاب تحریر، جمعیت اسلامی، همبستگی، جنبش، کنگره، دعوت و جریان تساهل و مدارا است.

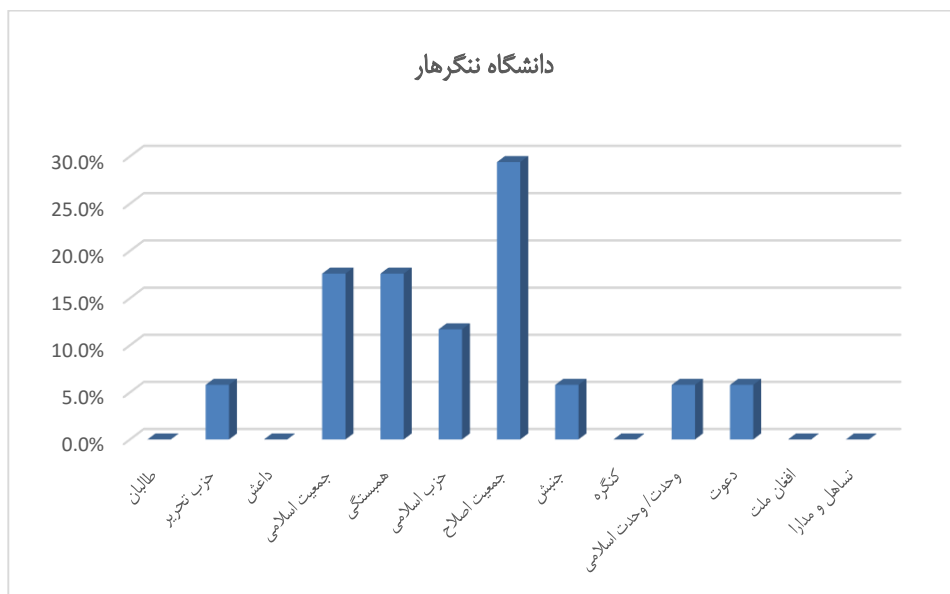
نمودار ۵۴: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه قندهار در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان



دانشگاه ننگرهار

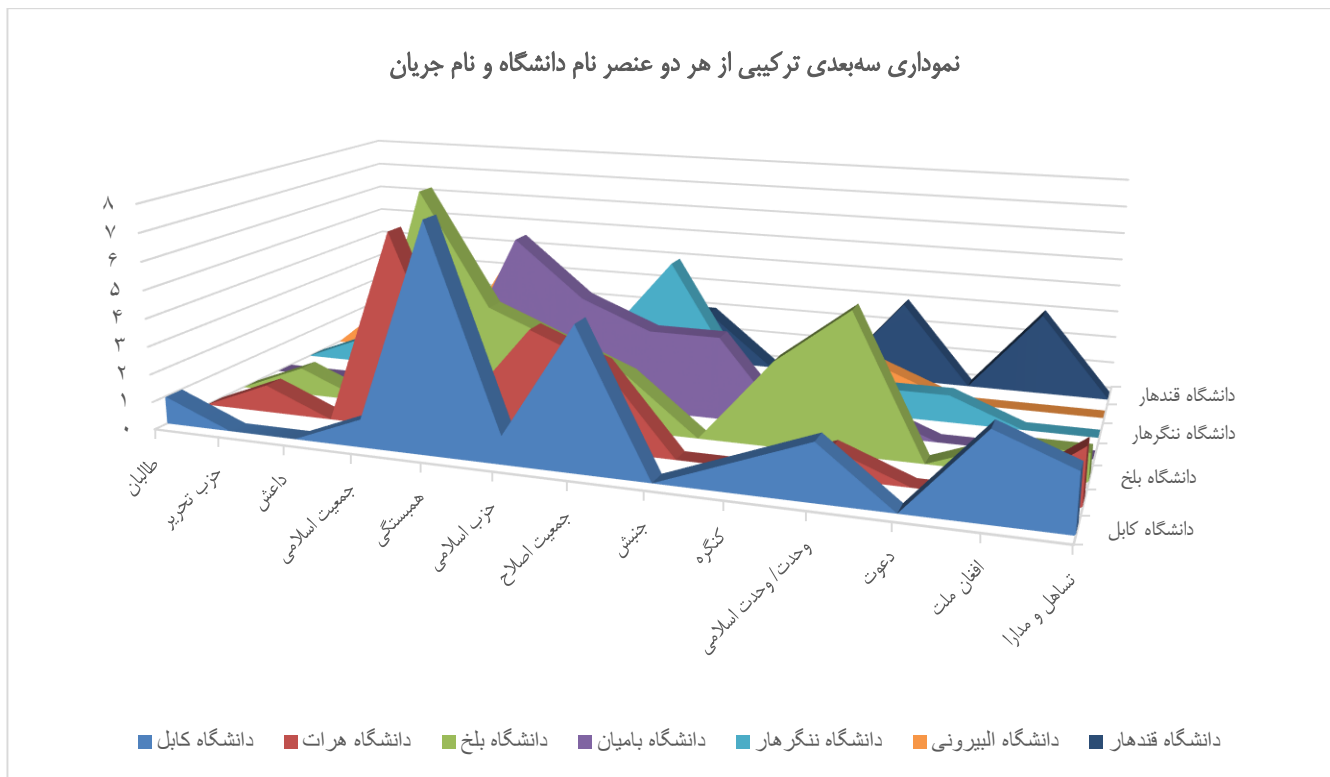
در دانشگاه ننگرهار از میان دانشجویانی که تصمیم دارند در آینده به یکی از جریان‌های فعال پیوندند: ۵,۸٪ به حزب التحریر، ۱۷,۶٪ به جمعیت اسلامی، ۱۷,۶٪ به حزب همبستگی، ۱۱,۷٪ به حزب اسلامی، ۲۹,۴٪ به جمعیت اصلاح، ۵,۸٪ به حزب جنبش، ۵,۸٪ به حزب کنگره و ۵,۸٪ به دو حزب وحدت اسلامی و وحدت اسلامی مردم افغانستان خواهند پیوست. سهم گروه طالبان و داعش و احزاب کنگره و افغان ملت و جریان تساهل و مدارا ۰٪ است. بر این بنیاد، بیشترین دانشجویان دانشگاه ننگرهار تصمیم دارند در آینده به جمعیت اصلاح پیوندند و کمترین میزان تمایل به پیوستن (صفر درصد) مربوط به گروه طالبان و داعش و احزاب کنگره و افغان ملت و جریان تساهل و مدارا است.

نمودار ۵۵: درصد پیوستن دانشجویان دانشگاه نگرهار در آینده به یکی از جریان‌ها بر بنیاد تفکیک نام جریان



نموداری سه‌بعدی که تصمیم یا عدم تصمیم دانشجویان را برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده بر بنیاد هر دو متغیر «نام جریان» و «نام دانشگاه» به صورت هم‌زمان نشان می‌دهد، به صورت زیر است.

نمودار ۵۶: درصد تصمیم/عدم تصمیم دانشجویان برای پیوستن به جریان‌ها در آینده بر بنیاد تفکیک نام جریان و نام دانشگاه

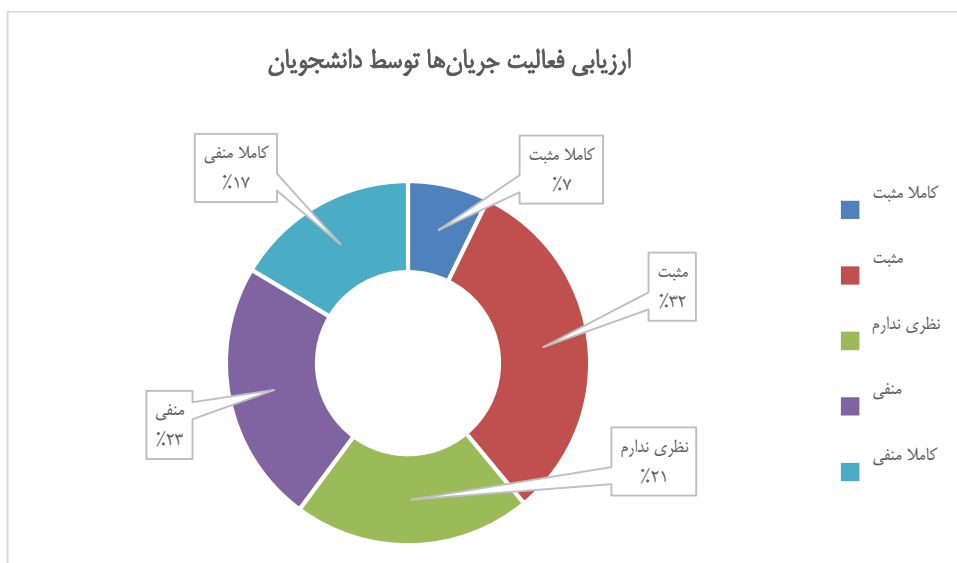


پرسش دهم: فعالیت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه‌تان را به صورت کلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پرسش دهم، به عنوان آخرین پرسش در پی بررسی کلی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان است. این پرسش با استفاده از شیوه لیکرت در کنار گزینه «نمی‌دانم» گزینه‌های «کاملاً مثبت» «مثبت» «نظری ندارم» «منفی» و «کاملاً منفی» را در اختیار پاسخ‌دهنده قرار می‌دهد. این پرسش نظر نهایی دانشجویان را در مورد فعالیت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه بررسی و مطالعه می‌کند.

بر بنیاد آمارهای به دست آمده: ۷٪ دانشجویان، فعالیت جریان‌ها در محیط دانشگاه خود «کاملاً مثبت»، ۳۲٪ «مثبت»، ۲۳٪ «منفی» و ۱۷٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۲۱٪ پاسخ‌دهنده‌ها هم گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۳۹٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۴۰٪ است.

نمودار ۵۷: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان

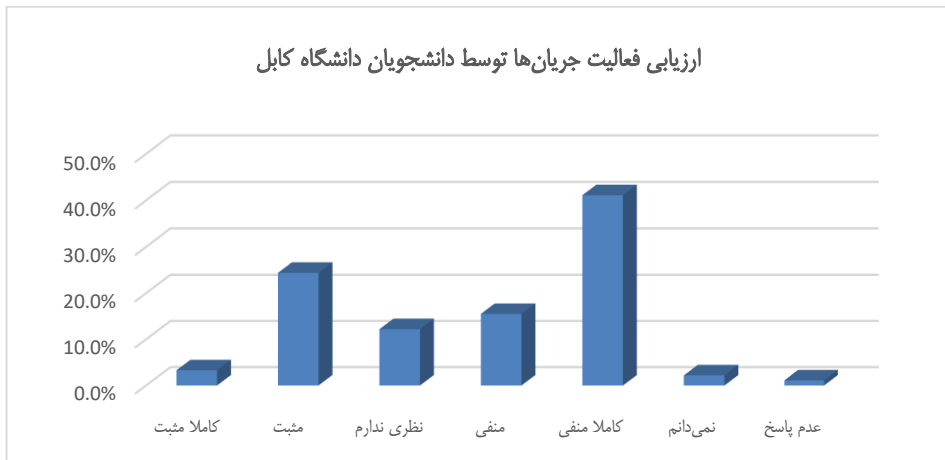


در ادامه، بررسی فعالیت جریان‌ها به وسیله دانشجویان بر بنیاد متغیر «نام دانشگاه» می‌آید که به صورت موردی‌تر به قرار زیر است:

دانشگاه کابل

از میان دانشجویان دانشگاه کابل، ۳،۳٪ آن‌ها فعالیت جریان‌ها را «کاملاً مثبت»، ۲۴،۴٪ «مثبت»، ۱۵،۵٪ «منفی» و ۴۱،۱٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۱۲،۲٪ پاسخ‌دهنده‌ها گفته‌اند که در این مورد نظری ندارم. ۱،۱٪ هم این پرسش را پاسخ نداده و ۲،۲٪ آن‌ها گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۲۷،۷٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۵۶،۶٪ است.

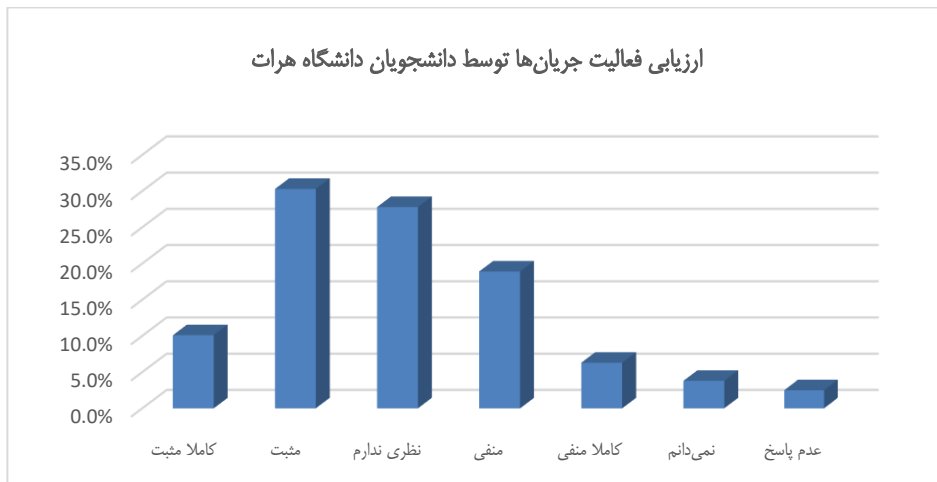
نمودار ۵۸: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه کابل



دانشگاه هرات

از میان دانشجویان دانشگاه هرات، ۱۰،۱٪ آن‌ها فعالیت جریان‌ها را «کاملاً مثبت»، ۳۰،۳٪ «مثبت»، ۱۸،۹٪ «منفی» و ۶،۳٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۲۷،۸٪ آن‌ها نیز گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند. ۳،۸٪ آن‌ها گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند و ۲،۵٪ نیز این پرسش را بدون پاسخ گذاشته‌اند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۴۰،۴٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۲۵،۲٪ است.

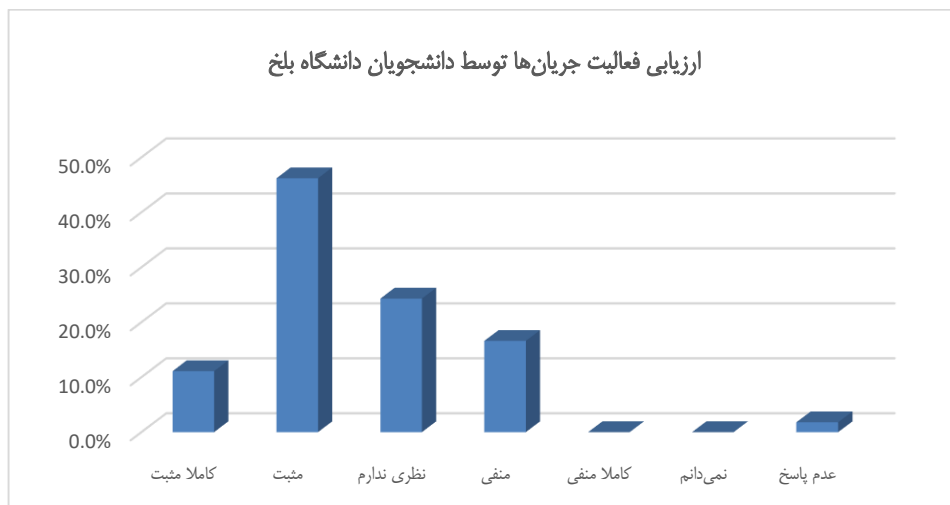
نمودار ۵۹: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه هرات



دانشگاه بلخ

از میان دانشجویان دانشگاه بلخ، ۱۱٫۱٪ فعالیت جریان‌ها را در محیط دانشگاه خویش «کاملاً مثبت»، ۴۶٫۲٪ «مثبت»، ۱۶٫۶٪ «منفی» و ۰٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۲۴٫۳٪ آن‌ها گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند و ۱٫۸٪ هم این پرسش را بدون پاسخ گذاشته‌اند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۵۷٫۳٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۱۶٫۶٪ است.

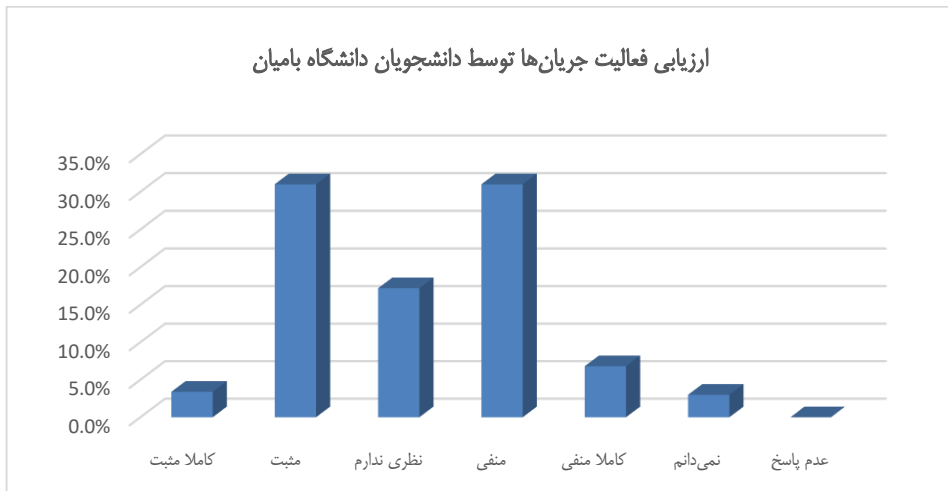
نمودار ۶۰: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه بلخ



دانشگاه بامیان

از میان دانشجویان دانشگاه بامیان، ۳,۴٪ فعالیت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه خود را «کاملاً مثبت»، ۳۱٪ «مثبت»، ۳۱٪ «منفی» و ۶,۸٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۱۷,۲٪ آن‌ها گفته‌اند که در مورد نظری ندارند و ۳٪ نیز گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۳۴,۴٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۳۷,۸٪ است.

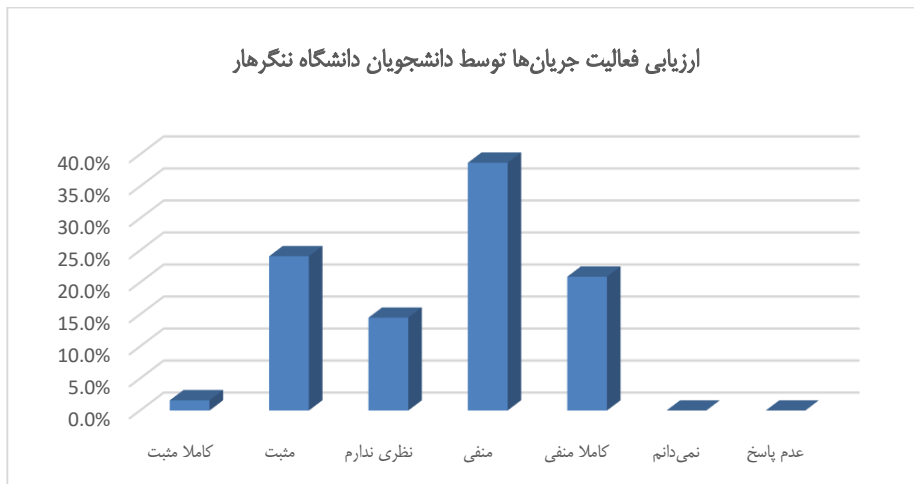
نمودار ۶۱: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه بامیان



دانشگاه ننگرهار

از میان دانشجویان دانشگاه ننگرهار، ۱,۶٪ فعالیت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه خود را «کاملاً مثبت»، ۲۴,۱٪ «مثبت»، ۳۸,۷٪ «منفی» و ۲۰,۹٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۱۴,۵٪ دانشجویان هم گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۲۵,۷٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۵۹,۶٪ است.

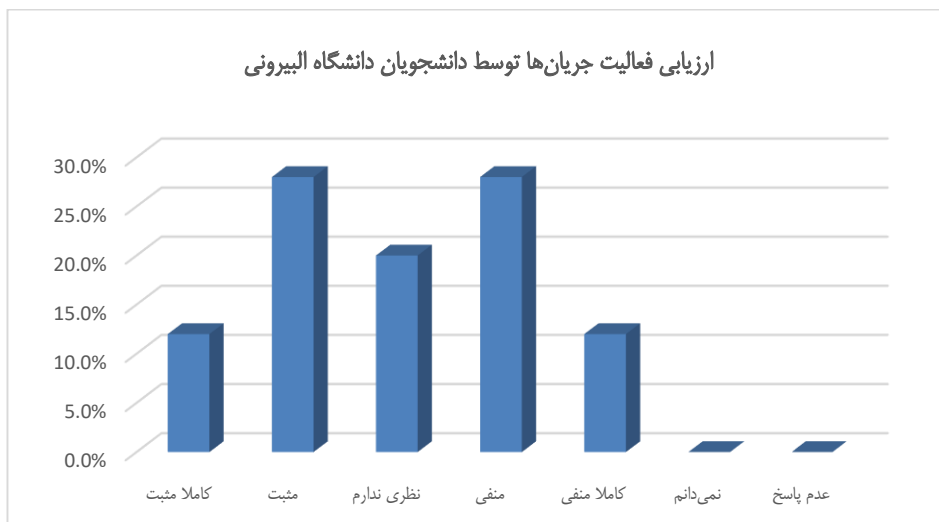
نمودار ۶۲: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه ننگرهار



دانشگاه البیرونی

از میان دانشجویان دانشگاه البیرونی، ۱۲٪ آن‌ها فعالیت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه خود را «کاملاً مثبت»، ۲۸٪ «مثبت»، ۲۸٪ «منفی» و ۱۲٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۲۰٪ آن‌ها نیز گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۴۰٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۴۰٪ است.

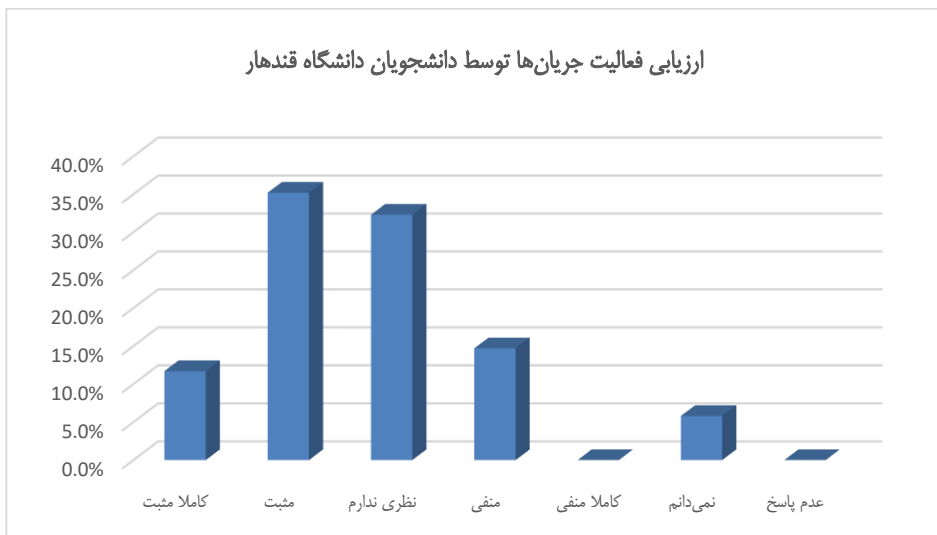
نمودار ۶۳: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه البیرونی



دانشگاه قندهار

از میان دانشجویان دانشگاه قندهار، ۱۱,۷٪ آن‌ها فعالیت جریان‌های فعال در محیط دانشگاه خود را «کاملاً مثبت»، ۳۵,۲٪ «مثبت»، ۱۴,۷٪ «منفی» و ۰٪ «کاملاً منفی» ارزیابی کرده‌اند. ۳۲,۳٪ آن‌ها نیز گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند و ۵,۸٪ درصد آن‌ها گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. مجموع گزینه‌های کاملاً مثبت و مثبت، ۴۶,۹٪ و مجموع گزینه‌های منفی و کاملاً منفی، ۱۴,۷٪ است.

نمودار ۶۴: ارزیابی فعالیت جریان‌ها توسط دانشجویان دانشگاه قندهار



تمام آمار ارائه‌شده در این بخش برآمده از پاسخ‌های اشتراک‌کننده‌های تحقیق است که به صورت مفصل و مشروح در بالا ارائه شد. هر بخش از آمارهای فوق، نشان‌دهنده یافته‌های مشخصی است که حکایت از چگونگی حضور و فعالیت جریان‌ها در محیط‌های دانشگاهی افغانستان دارد. با تحلیل‌های آماری و کمی‌ای که در بالا صورت گرفت، زوایا و گوشه‌های مختلف مسئله، روشن و بازگشایی شد که همه در پی پاسخ به سؤال‌های پژوهش بود.

تحلیل یافته‌ها بر بنیاد چهارچوب نظری

در این بخش تلاش می‌شود تا بر بنیاد آمار و نتایج به دست آمده که در بالا شرح آن رفت، به چگونگی ماهیت کار سیاسی - دینی در محیط‌های دانشگاهی و چیستی محتوایی و ایدئولوژیک این جریان‌ها پرداخته شود. به بیان دیگر، در این بخش تلاش می‌شود تا آمار به دست آمده در قالب چهارچوب نظری که در بخش اول این پژوهش آمده است، شرح داده شود. در این بخش تمرکز بر این است که چگونگی فعالیت هر جریان فعال در محیط‌های دانشگاهی و پیوند آن با شدت عمل، تشکیلات سیاسی - سازمانی، بینش نظام سیاسی، و روایت دینی هر جریان بازنمایی و بررسی شود.

در مرحله نخست نیم‌نگاهی به یافته‌های عمده پژوهش که لازمه تحلیل کیفی در این بخش است، انداخته می‌شود: بر بنیاد آمار به دست آمده، بیشترین فعالیت را در محیط‌های دانشگاهی افغانستان حزب جمعیت اسلامی، سپس حزب اسلامی، جمعیت اصلاح، حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان و حزب وحدت دارند. گروه‌های دیگری چون حزب‌التحریر، داعش، حزب همبستگی، حزب افغان ملت، گروه طالبان، حزب دعوت، گروه گفت‌مان تساهل و مدارا و حزب جنبش ملی نیز فعالیت‌هایی دارند. در دانشگاه‌های کابل، هرات، البیرونی، بلخ و بامیان بیشترین فعالیت را حزب جمعیت اسلامی دارد. این در حالی است که در دانشگاه‌های ننگرهار و قندهار، بیشترین فعالیت را حزب اسلامی دارد. در دانشگاه ننگرهار پس از حزب اسلامی، جمعیت اصلاح و در دانشگاه قندهار، طالبان بیشترین فعالیت را دارند. (رجوع شود به نتایج آماری پرسش‌های اول و دوم). بر همین بنیاد بیشترین دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان عضویت حزب جمعیت اسلامی افغانستان را دارند. پس از حزب جمعیت، جمعیت اصلاح و حزب اسلامی افغانستان بیشترین عضو را از میان دانشجویان دارند، سهم ۵ درصدی طالبان از دانشجویانی که عضویت جریان‌های فعال را دارند، جالب توجه است (رجوع شود به نتایج آماری پرسش چهارم).

در حال حاضر بیشتر دانشجویان نسبت به فعالیت و حضور جریان‌های فعال سیاسی - دینی در محیط دانشگاهی خود برای پیوستن به آن‌ها چندان اعتماد ندارند. نتایج آماری نشان می‌دهد که فقط ۱۴٪ دانشجویان عضویت یکی از جریان‌های سیاسی - دینی را دارند، در حالی که ۸۶٪ آن‌ها گفته‌اند که در هیچ جریانی عضویت ندارند. در این میان اما دانشجویان دانشگاه کابل بیشتر از هر دانشگاه دیگری در

جریان‌های فعال عضویت دارند و از این منظر بیشتر فعال‌اند. این در حالی است که دانشجویان دانشگاه ننگرهار کمترین عضویت را در جریان‌های فعال سیاسی - دینی دارند که این مورد می‌تواند با عناصری چون بیداری سیاسی و سطح رشد شعور مدنی - سیاسی دانشجویان رابطه داشته باشد. از این لحاظ دانشجویان دانشگاه کابل، شعور مدنی - سیاسی فعال‌تری نسبت به دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها دارند و نسبت به مسئله‌های اجتماعی، سیاسی و دینی بیشتر اظهار نگرانی دارند و فعال‌اند (رجوع شود به نتایج آماری پرسش سوم).

دانشجویانی که عضویت یکی از جریان‌ها را داشته‌اند، برای جریان مورد نظر خود فعالیت‌های متفاوتی، همچون راه‌اندازی برنامه‌ها، نشست‌ها و جلسه‌ها، دعوت و تبلیغ را انجام داده‌اند. در این میان درصد کمی از دانشجویان در فعالیت‌های خشونت‌آمیزی چون تهدید و تکفیر دیگران و فعالیت‌های مسلحانه نیز دخیل بوده‌اند. (رجوع شود به نتایج آماری پرسش پنجم). بر این بنیاد، فضاهای دانشگاهی افغانستان در عین حالی که برای دانشجویان فرصتی برای کسب دانش و فعالیت‌های خشونت‌پرهیز سیاسی - دینی را مساعد ساخته است، در سطحی خشونت‌آمیز و توأم با فعالیت‌های مسلحانه نیز هست. از همین رو، ۳۳٪ دانشجویان از سوی دانشجویانی که عضویت یکی از جریان‌های فعال را داشته‌اند، مورد تهدید و تکفیر قرار گرفته‌اند و ۴٪ آن‌ها نیز با فعالیت‌های مسلحانه این دانشجویان مقابل شده‌اند (رجوع شود به نتایج آماری پرسش ششم).

نسبت موافقت یا مخالفت فعالیت جریان‌ها در محیط‌های دانشگاهی با نظام حاضر افغانستان و سازوکارهای موجود سیاسی متفاوت است. بیشتر فعالیت‌هایی که از سوی جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی انجام می‌شود، در مخالفت با نظام کنونی افغانستان صورت می‌گیرد (رجوع شود به نتایج آماری پرسش هفتم). این به معنی آن است که در نتیجه فعالیت‌های گسترده جریان‌های فعال دینی - سیاسی، دانشگاه‌های دولتی افغانستان به صورت عملی می‌توانند به پایگاه‌ها و تریبون‌های مخالف نظام حاضر در آینده بدل شوند. در این میان اما بیشترین موافقت با نظام حاضر در فعالیت جریان‌های دینی - سیاسی در دانشگاه هرات و بیشترین مخالفت، در دانشگاه‌های البیرونی و کابل است. عوامل گوناگونی می‌تواند در چرایی مخالفت فعالیت جریان‌های فعال دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی نقش داشته باشد. این عوامل را در سطح کلان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته از عواملی که باعث می‌شود جریان‌های فعال در مخالفت با نظام حاضر در دانشگاه‌های افغانستان ظهور کنند، به نوع کارکرد

دولت، به‌ویژه حکومت، و برخورد آن با مسائل کلان کشوری بستگی دارد. این عوامل در زمینه‌های مختلف اجتماعی باعث می‌شود تا جریان‌های فعال و به تبع آن دانشجویان، از حکومت ناراضی باشند و بر بنیاد آن فعالیت کنند. دسته دوم این عوامل بیشتر برون‌حکومتی و در سطح استخباراتی است که شامل فعالیت جریان‌ها و گروه‌هایی می‌شود که به صورت عملی و فعال در جنگ با نظام حاضر قرار دارند.

اما نسبت تصمیم‌پیوستن دانشجویان به یکی از جریان‌های فعال در آینده در مقایسه با سطح عضویت کنونی دانشجویان در یکی از جریان‌های فعال خیلی متفاوت است. نسبت دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به یکی از جریان‌های فعال بپیوندند، نزدیک به ۲,۵ برابر دانشجویانی است که اکنون عضویت یکی از جریان‌ها را دارند. در این میان دانشجویان دانشگاه بلخ در رتبه اول و دانشجویان دانشگاه کابل در رتبه دوم بیشترین علاقه‌مندی برای پیوستن به یکی از جریان‌های فعال در آینده قرار دارند. به بیان دیگر دانشجویان دانشگاه بلخ و کابل در مقایسه با دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها بیشتر در مورد مسئله‌های سیاسی می‌اندیشند و تصمیم برای عمل و واردشدن به صحنه سیاست دارند (رجوع شود به نتایج آماری پرسش هشتم).

سطح علاقه‌مندی دانشجویان برای پیوستن به هر یک از جریان‌های فعال دینی - سیاسی در آینده نشان می‌دهد که کدام جریان‌های دینی - سیاسی فعال بیشتر رو به رشد هستند. بیشترین دانشجویان می‌خواهند در آینده به حزب جمعیت اسلامی، سپس حزب همبستگی افغانستان، جمعیت اصلاح و حزب اسلامی بپیوندند. از مجموع دانشجویان مصاحبه‌شونده، فقط یک دانشجو از دانشگاه کابل می‌خواهد در آینده به گروه طالبان بپیوندد. بیشترین دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به حزب جمعیت اسلامی بپیوندند، از دانشگاه‌های هرات و بلخ‌اند. بیشترین دانشجویانی که می‌خواهند به حزب همبستگی بپیوندند از دانشگاه کابل، بیشترین دانشجویانی که می‌خواهند به حزب اسلامی بپیوندند از دانشگاه‌های هرات و بامیان، بیشترین دانشجویانی که می‌خواهند که به جمعیت اصلاح بپیوندند از دانشگاه‌های کابل و ننگرهار، بیشترین دانشجویان که می‌خواهند به احزاب وحدت و وحدت اسلامی بپیوندند از دانشگاه بلخ و... هستند (رجوع شود به نتایج آماری پرسش نهم). این آمار و ارقام نشان می‌دهد که از یک طرف جریان‌ها هر کدام

سطوح رو به رشد متفاوتی در هر یک از دانشگاه‌ها دارند و از طرف دیگر هم دانشگاه‌ها هر کدام فضاهای متفاوتی برای فعالیت هر یک از جریان‌های دینی - سیاسی دارند.

ارزیابی کلی فعالیت جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی از سوی دانشجویان نیز نشان می‌دهد که سطح خوش‌بینی و بدبینی و یا مثبت‌انگاری و منفی‌انگاری دانشجویان نسبت به فعالیت جریان‌ها به صورت تقریبی همسان است. اما در سطح هر دانشگاه این نسبت متفاوت است. دانشجویان دانشگاه‌های کابل، بامیان، ننگرهار و البیرونی، فعالیت جریان‌های فعال را در محیط‌های دانشگاهی بیشتر منفی و دانشجویان دانشگاه‌های هرات، بلخ و قندهار بیشتر مثبت ارزیابی کرده‌اند (رجوع شود به نتایج آماری پرسش دهم).

اما یکی از پرسش‌های مهم این است که ماهیت و چیستی جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی چه و چگونه است؟ به‌ویژه ماهیت آن دسته از جریان‌هایی که اکنون بیشترین عضو را از میان دانشجویان و بیشترین فعالیت را در دانشگاه‌ها دارند و همچنین آن دسته از جریان‌هایی که رو به رشد هستند و یا آن دسته از جریان‌هایی که در جنگ و مخالفت با نظام کنونی قرار دارند، مهم است. برای رسیدن به این مرام و بررسی ماهیت این جریان‌ها دو راه وجود دارد: یکی این که به اسناد پایه‌ای این جریان‌ها، همچون اساس‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و مرام‌نامه‌ها رجوع کنیم تا ببینیم این جریان‌ها کدام آرمان سیاسی و اجتماعی را دنبال می‌کنند. دوم این که دریابیم این جریان‌ها به صورت عملی در عرصه سیاسی، چه تصمیم‌ها و موقف‌هایی اختیار می‌کنند که مبنای عملکرد آن‌ها را شکل می‌دهد. به صورت معمول تمرین کار سیاسی و تحلیل عرصه سیاست نشان داده است که میان اسناد پایه‌ای و آنچه که جریان‌ها عمل می‌کنند، تفاوت وجود داشته است. به بیان دیگر میان آنچه از سوی جریان‌ها اعلان می‌شود و آنچه اعمال می‌شود، تفاوت و فاصله بوده است. نکته مهم دیگر این است که اعمال و اصول جریان‌ها آن‌گاه که در قدرت هستند و آن‌گاه که برای رسیدن به قدرت مبارزه می‌کنند، می‌تواند متفاوت باشد. تجربه تاریخی - سیاسی نشان داده است که گاهی جریان‌ها پس از رسیدن به قدرت متفاوت از آنچه در گذشته عمل کرده‌اند، عمل می‌کنند. از همین رو مهم است که هم به اسناد پایه‌ای و هم به آنچه این جریان‌ها در قالب عمل از خود بیرون می‌دهند، توجه شود.

با نظر داشت به نکات بالا و چهارچوب نظری پژوهش، جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان و به تبع آن جریان‌های موجود در عرصه سیاسی و مدنی افغانستان را می‌توان دسته‌بندی و بر بنیاد آن بررسی کرد. هر یک از جریان‌های فعال موجود دارای سطح شدت عمل، تشکیلات سیاسی - سازمانی، بینش نظام سیاسی و روایت دینی خاص خود هستند.

جریان‌ها، احزاب و گروه‌های فعالی که در نتیجه گردآوری داده‌های آماری این پژوهش به دست آمده‌اند، از منظر حیات سیاسی خویش به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته شامل آن عده از جریان‌ها، احزاب و گروه‌هایی می‌شود که در بیست سال اخیر و پس از ورود آمریکایی‌ها و جامعه جهانی به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی، شکل گرفته‌اند. این جریان‌ها دارای گونه‌های فراوان، از افراطی گرفته تا میانه‌رو هستند. از جمله جریان‌هایی چون داعش، گفتمان تساهل و مدارا، روند سبز و شماری دیگر را می‌توان شامل این دسته کرد. دسته دیگر شامل آن عده از جریان‌ها، احزاب و گروه‌هایی است که دارای سابقه تاریخی بیشتری هستند که از منظر حیات سیاسی، عمر بیشتر و پیشتر از سال ۲۰۰۱ میلادی دارند. جریان‌ها و احزاب جهادی نمونه‌های بارز این دسته‌اند. بیشتر این جریان‌ها با درنظرداشت تغییر وضع سیاسی اساس‌نامه‌ها و اصول سیاسی خویش را پس از تصویب قانون اساسی حاضر (مصوب ۱۳۸۲ هجری شمسی) و در مطابقت با آن تغییر و تعدیل کردند. در این میان اما جریان‌هایی نیز وجود دارند که به اصول قبلی خویش متعهد باقی مانده‌اند که از این جمله «طالبان» را می‌توان نام برد. در این پژوهش اساس‌نامه‌ها، مرام‌نامه‌ها و همچنین کارنامه پس از ۲۰۰۱ میلادی آن عده از جریان‌های دسته دوم که دارای پیشینه تاریخی قبل از ۲۰۰۱ میلادی هستند و اکنون ذیل قوانین افغانستان و با احترام به قانون اساسی حاضر فعالیت دارند، مدنظر است. البته این سویه‌نگاری حیات سیاسی این جریان‌ها برای این پژوهش از روی ناچاری انجام می‌شود؛ زیرا شماری از این جریان‌ها در حیات سیاسی ابتدایی خود مشمول جریان‌های رادیکال و تندرو محسوب می‌شوند، در حالی که پس از ۲۰۰۱ میلادی این جریان‌ها توانستند با تعدیل در رفتار و اصول خود مشمول جریان‌های میانه‌رو سیاسی شوند.

اکنون به بررسی شماری از جریان‌ها، احزاب و گروه‌هایی می‌پردازیم که در نتیجه داده‌های آماری به دست آمده، در عرصه فضای سیاسی دانشگاه‌های افغانستان، نقش برجسته و فعالیت بیشتر دارند.

حزب جمعیت اسلامی افغانستان

حزب جمعیت اسلامی افغانستان که بر بنیاد نتایج آماری بیشترین فعالیت را در محیط‌های دانشگاهی افغانستان دارد و جریان رو به رشد سیاسی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان است، از جمله احزاب سیاسی جهادی است که اکنون ذیل چهارچوب حقوقی دولت افغانستان فعالیت دارد. ماده ششم اساس‌نامه حزب جمعیت اسلامی، اصول زیر را به عنوان اهداف کلی این جریان معرفی کرده است:

- (۱) تنظیم همه‌جانبه حیات فردی و اجتماعی جامعه بر اساس تعالیم و ارزش‌های والای اسلام؛
- (۲) دفاع از آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی افغانستان و پاسداری از افتخارات تاریخی، جهاد و مقاومت؛
- (۳) تأمین عدالت، برادری و برابری میان کلیه اقوام جهت تحکیم وحدت ملی؛
- (۴) تأمین رفاه اجتماعی، توسعه سیاسی و اقتصادی و مشارکت ملی؛
- (۵) تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر مبانی اسلام با تأکید بر حق انتخاب و رأی مردم؛
- (۶) ایجاد دولتی مبتنی بر تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه؛
- (۷) حمایت از حقوق انسان اعم از زن و مرد؛
- (۸) حفظ و گسترش روابط با همه ملت‌های جهان بر اساس برادری انسانی، مشترکات دینی، فرهنگی، سیاسی، اصول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و علایق اقتصادی، امنیتی و نظایر آن؛
- (۹) مبارزه با تبعیض نژادی، لسانی، مذهبی و امثال آن؛
- (۱۰) مبارزه در راستای تحقق آزادی‌های عمومی و خصوصی، آزادی تشکیل احزاب و نهادهای جامعه مدنی و اصلاحات سیاسی و قانونی؛
- (۱۱) اعتقاد به مرجعیت شریعت اسلامی با پیش‌جمهور علمای اسلام. (ماده ششم، اساس‌نامه حزب جمعیت اسلامی افغانستان)

این حزب شریعت اسلامی را به عنوان مرجع اعتقادی در نظر دارد و می‌خواهد حیات فردی و اجتماعی جامعه را بر اساس تعالیم و ارزش‌های اسلامی تنظیم کند. هم‌زمان بر شماری از ارزش‌ها و ساختارهای دموکراتیک، همچون تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه و مبارزه در راستای تحقق آزادی‌های عمومی و

خصوصی نظر دارد. این حزب می‌خواهد نوع خاصی از نظام سیاسی را تشکیل دهد که مبتنی بر مبانی اسلام و با تأکید بر حق انتخاب و رأی مردم است. از این منظر به نظر می‌رسد این حزب در تلاش ترکیب اسلام سیاسی و شماری از ارزش‌های مردم‌سالار است.

حزب جمعیت اسلامی در فصل اول «مرام‌نامه» خود، برنامه‌های این حزب در عرصه سیاست را در دو سطح سیاست داخلی و خارجی قسمت‌بندی کرده است. از منظر محتوایی، این پژوهش بیشتر با سیاست داخلی حزب پیوند دارد که شامل این موارد است:

- (۱) حفظ استقلال و حاکمیت ملی، وحدت ملی و پاسداری از تمامیت ارضی، صلح و ثبات دایمی، فرهنگ و هویت اسلامی و ملی پایه‌های اساسی سیاست داخلی جمعیت را تشکیل می‌دهد؛
- (۲) جمعیت در وضعیت کنونی تلاش می‌ورزد، تا اقتدار ملی را از راه توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تعمیم ارزش‌های معنوی در پرتو تعالیم اسلام و احکام مندرج در قانون اساسی تأمین کند. جمعیت به منظور تحقق این اهداف با تشکل‌های دیگر مشارکت فعال را مورد توجه قرار می‌دهد؛
- (۳) جمعیت از آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی، همگرایی و وفاق ملی و حقوق مردم دفاع می‌نماید و بر ضد هر نوع تبعیض و بی‌عدالتی مبارزه می‌کند و به این باور است که تأمین وحدت ملی بدون برقراری عدالت اجتماعی ممکن نیست؛
- (۴) جمعیت فساد اداری را از آسیب‌های تباه‌کن نظام سیاسی و اجتماعی می‌داند و برای ریشه‌کن کردن آن با تمامی امکانات مبارزه می‌کند؛
- (۵) جمعیت با تأکید و باور به مرجعیت شریعت اسلامی در امر قانون‌گذاری، تشکیل دولت را حق مردم می‌داند و معتقد است که انسان به عنوان موجودی مکرم در نظام هستی، آزاد و مکلف برای تنظیم حیات اجتماعی خویش است. از نظر جمعیت بهترین راه استفاده از این حق مراجعه به آرای مردم است؛
- (۶) از نگاه جمعیت تنها دولتی مشروعیت دارد که بر اساس اراده مردم تشکیل شده باشد، و دوام مشروعیت چنین دولتی به رضایت مردم و کفایت آن بستگی دارد؛

۷) جمعیت فراهم نمودن زمینه‌های استفاده از حقوق و آزادی‌های انسانی را در نظام حقوقی اسلام، قانون اساسی و حقوق بشر از وجایب دولت می‌داند؛

۸) از نظر جمعیت شهروندان افغانستان بدون هر گونه تبعیض حق دارند متناسب به اهلیت و شایستگی خویش در امور کشور سهم بگیرند؛

۹) تلاش برای ایجاد محیط مساعد جهت رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوی و مبارزه بر ضد کلیه مظاهر فساد از اهمیت ویژه نزد جمعیت برخوردار است؛

۱۰) جمعیت هر گونه انحصار طلبی و استبداد رأی و اعمال سلیقه‌های فردی و گروهی را در تصمیم‌گیری‌ها مردود می‌داند؛

۱۱) جمعیت هر نوع خشونت و زورگویی را نکوهش می‌کند و از تعمیم آزادی‌های مشروع مانند آزادی بیان و اندیشه و ایجاد زمینه‌های تفاهم و مشارکت ملی حمایت می‌کند؛

۱۲) از نظر جمعیت حاکمیت ملی تجزیه‌ناپذیر است و هیچ قدرتی نمی‌تواند حاکمیت ملی افغانستان را خدشه‌دار نماید؛

۱۳) جمعیت نظام جمهوری پارلمانی را نظام مناسب برای افغانستان می‌داند. برای نیل به این هدف از راه‌های تعریف‌شده قانونی تلاش می‌ورزد؛

۱۴) جمعیت از تعدد احزاب سیاسی حمایت می‌نماید؛ حزب مخالف از نگاه جمعیت مفهوم نظارت و احتساب و همکاری در جهت اصلاح نظام را دارد. (فصل اول، مرام‌نامه حزب جمعیت اسلامی افغانستان).

بر اساس آنچه در بالا آمد، حزب جمعیت اسلامی افغانستان، به عنوان یک جریان دینی - سیاسی، از منظر شدت عمل، میانه‌رو؛ از منظر تشکیلات سازمانی، حزب‌محور؛ از منظر بینش نظام سیاسی، مردم‌سالار دینی؛ و از منظر روایت دینی دارای روایت معتدل است. جایگاه حزب جمعیت اسلامی در این‌گونه‌شناسی با توجه به حیات سیاسی پس از ۲۰۰۱ میلادی این حزب صورت گرفته است.

حزب اسلامی افغانستان

حزب اسلامی افغانستان از دیگر جریان‌های برجسته سیاسی - دینی در دانشگاه‌های افغانستان است. حزب اسلامی افغانستان در بندهای دو، سه و چهار فصل اول اساس‌نامه آن، اهداف و ویژگی‌های زیر را برای خود تعریف می‌کند:

۱) حزب اسلامی افغانستان صف مشترک آن افراد باایمانی است که به حکم ایمان برای ساختن یک جامعه اسلامی، مستقل و آزاد به همدیگر دست برادری داده‌اند، از منظر عقیدتی به اسلام باورد دارند و شریعت اسلامی را برای تنظیم تمام ابعاد زندگی رهنمود و راهنمای خود می‌دانند.

۲) مرام‌نامه حزب و مراحل مختلف مبارزه در روشنایی اسلام تعیین می‌شود.

۳) حزب و اعضای متعهد آن معیار روایی و ناروایی هر چیز و حلال و حرام را اسلام می‌داند و به صورت جدی با تمام اعمال، قراردادهای و احکام و دساتیر و مقرراتی مخالفت می‌کند که با رهنمودهای اسلام تضاد دارد. در زندگی فردی و اجتماعی، در تمام حالات و با همه کسان در سطوح ملی و بین‌المللی به صورت کامل از احکام و اوامر اسلام، بدون این‌که از آن چیزی زیاد یا کم کنند، اطاعت و پیروی می‌کند. (فصل چهارم، اساس‌نامه حزب اسلامی افغانستان)

حزب اسلامی افغانستان «شریعت اسلامی» را مبنای تنظیم تمام ابعاد زندگی قرار می‌دهد و از این منظر یک جریان دینی - سیاسی محسوب می‌شود. این نظم‌بخشی بر مبنای شریعت اسلامی شامل همه حوزه‌های زندگی و سطوح اجتماعی و سیاسی می‌شود. حزب اسلامی افغانستان با تشکیلات سیاسی - سازمانی ساختار حزبی دارد و بیشتر معتقد به روایت سلفی - بنیادگرایانه از دین است. حزب اسلامی افغانستان «اسلام» را تنها مرجع برای نظم‌بخشی حوزه‌های زندگی تشخیص می‌دهد. این حزب در مورد نظام سیاسی ایدئال خود توضیح روشن نمی‌دهد، اما تأکید می‌ورزد که نظام سیاسی باید به صورت کامل بر بنیاد احکام و اوامر اسلامی باشد. بر این بنیاد، ایدئال نظری این حزب در مورد نظام سیاسی می‌تواند به امارت، خلافت و یا نوعی خاصی از حکومت اسلامی بیانجامد.

حزب وحدت اسلامی افغانستان

حزب وحدت اسلامی افغانستان از دیگر احزابی است که نتایج آماری از برآزندگی فعالیت آن حکایت دارد. در فصل دوم اساس‌نامه حزب وحدت اسلامی افغانستان، مرام و اهداف این حزب در مواد هفت تا یازده چنین آمده است:

ماده هفتم

از نظر حزب وحدت اسلامی افغانستان، اسلام به عنوان دینی که در بنیادگذاری تمدن، تاریخ و فرهنگ بشری و در زندگی فردی و اجتماعی مردم کشور نقش اساسی داشته است، از منابع اصلی قانون گذاری و حکمروایی در نظام سیاسی کشور می باشد.

ماده هشتم

(۱) اصول اساسی حقوق بشر و میثاق های بین المللی مربوط به آن مورد قبول و احترام حزب می باشد.

(۲) حزب همه توان خود را برای تأمین آزادی های عمومی و حقوق اساسی ملت به کار می بندد.

ماده نهم

حزب با حمایت از قانون اساسی افغانستان، فعالیت خود را مطابق به احکام ماده ۳۵ آن تنظیم می نماید. همه اعضا و منسوبین حزب به رعایت احکام قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور مکلف می باشند.

ماده دهم

نظام سیاسی مورد قبول حزب، سیستمی است که بر اساس دموکراسی، پلورالیسم سیاسی و انتخابات رقابتی عمومی و آزاد بن نهاده شده باشد.

ماده یازدهم

تحقق وحدت ملی و عدالت اجتماعی، نفی خشونت، رفع تبعیض، تأمین برابری بین همه اقوام ساکن کشور و انکشاف متوازن اقتصادی و فرهنگی در تمام مناطق افغانستان، جزء انفکاک ناپذیر مرام سیاسی حزب می باشد (فصل دوم، اساس نامه حزب وحدت اسلامی افغانستان).

این حزب «اسلام» را از منابع اصلی قانون گذاری می داند، اما هم زمان بر اصول اساسی حقوق بشر، آزادی های عمومی، حقوق اساسی ملت، رعایت احکام قانون اساسی، دموکراسی، پلورالیسم سیاسی و انتخابات تأکید دارد. بر این بنیاد، حزب وحدت اسلامی افغانستان به عنوان یک جریان دینی - سیاسی، از منظر شدت عمل؛ میانه رو؛ از منظر تشکیلات سازمانی؛ حزب محور؛ از منظر پیش نظام سیاسی؛

مردم‌سالار دینی؛ و از منظر روایت دینی، از آن‌جا که به اصول حقوق بشری و دموکراتیک احترام می‌گذارد، دارای روایت معتدل است.

حزب همبستگی افغانستان

حزب همبستگی افغانستان، پس از حزب جمعیت اسلامی بیشترین سطح رشد را دارد. زیرا در آینده پس از حزب جمعیت، بیشتر دانشجویان می‌خواهند به این حزب بپیوندند. حزب همبستگی افغانستان، بر بنیاد اسناد رسمی و اساس‌نامه این حزب، دارای اهداف ذیل است:

- ۱) افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و تقسیم‌ناپذیر که در آن همه مردم بدون هیچ‌گونه تبعیض ملیتی، جنسی، قومی، دینی، مذهبی، لسانی و منطقوی با روحیه همبستگی و احساس آرامش، زیست کنند.
- ۲) برقراری حاکمیت سیاسی‌ای که ماهیت ملی و مردمی داشته، کار را به اهل کار بسپارد و در برابر مردم حساب‌ده باشد.
- ۳) استقرار و تحکیم پایه‌های دموکراسی و دفاع از آن به هر شکل مؤثر؛ دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد؛ منع آزار، شکنجه و هر نوع تعزیر.
- ۴) سیستم اقتصادی‌ای که متضمن رفاه عامه، رشد سرمایه‌های ملی و جلب سرمایه‌های بیرونی بوده به شرطی که منافی استقلال کشور نباشد.
- ۵) برانداختن مناسبات عقب‌مانده اقتصادی، فرهنگی و دفاع از حقوق تمامی زحمت‌کشان و اتحادیه‌های صنفی.
- ۶) «حزب همبستگی افغانستان» در حالی که به معتقدات مذهبی تمام مردم افغانستان احترام می‌گذارد، خواهان پایان‌بخشیدن به هر گونه تعصب و سوءاستفاده از معتقدات مذهبی مردم، ختم فوری جنگ‌های خاینانه گروه‌های مسلح و محاکمه تمامی جنایت‌کاران جنگی و خاینان ملی و ضبط و مصادره ثروت‌های فراوان آنان که از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ به این سو گرد آورده‌اند، می‌باشد.

- (۷) خلع سلاح سراسری بدون قید و شرط گروه‌های مسلح، ایجاد اردو و پولیس ملی حافظ استقلال ملی، تمامیت ارضی و عاری از کلیه مناسباتی که منافی وحدت ملی باشد.
- (۸) تحکیم مناسبات دوستانه با سایر کشورها بر اساس اصول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و حفظ موقعیت تاریخی بی‌طرفانه و مردود شمردن هر نوع مداخله کشورهای دیگر در امور داخلی خود. «حزب همبستگی افغانستان» کشور روسیه را مکلف به پرداخت غرامت جنگی و پاک‌کاری ماین‌های کشت‌شده در افغانستان می‌داند.
- (۹) «حزب همبستگی افغانستان» در حالی که مخالف هر گونه تجاوز کشوری بر کشور دیگر می‌باشد، دفاع از جنبش‌های آزادی‌خواهانه ملت‌ها را برای رهایی‌شان از وظایف خود می‌داند.
- (۱۰) مبارزه بنیادی و پی‌گیر بر ضد تروریسم در هر جا، با کلیه اشکال و کوتاه کردن دست حامیان خارجی آن از کشور ما.
- (۱۱) دفاع از حقوق زن بر پایه تساوی حق زن و مرد.
- (۱۲) ریشه‌کن کردن کشت، تولید، قاچاق، ترویج و استعمال مواد مخدر.
- (۱۳) مساعد کردن شرایط مناسب تعلیم و تربیه ابتدایی اجباری، تعلیمات ثانوی و تحصیلات عالی رایگان، پرورش، کار و آسایش جسمی و روحی اطفال، جوانان، زنان و مردان همچنان مبارزه جدی علیه سوءاستفاده و خشونت جنسی، قاچاق و کارهای شاقه اطفال.
- (۱۴) مهیانبودن سهولت‌های مجانی صحی برای مردم؛ مساعد کردن شرایط مناسب معیشت برای مأمورین پایین‌رتبه دولت، معلمین و کارگران.
- (۱۵) تلاش برای شکوفایی هنر بالنده و آماده کردن شرایط بهتر زندگی هنرمندان؛ تشویق و رایج‌نمودن ورزش در تمام کشور از طریق تهیه امکانات لازم برای ورزش‌کاران به‌خصوص دختران و پسران جوان.
- (۱۶) «حزب همبستگی افغانستان» حفظ آثار باستانی موجود، ترمیم آثار آسیب‌پذیر، جمع‌آوری و برگرداندن آثار غارت‌شده تاریخی را از وظایف خود می‌داند.

۱۷) حمایت از شرایط مناسب زندگی برای کوچی‌ها، رسیدگی به صحت، آموزش و اسکان آنان؛ توجه به اسکان مجدد بی‌جاشدگان، حل منازعات و حمایت اقتصادی آنان تا سرحد متکی به خودشدن.

۱۸) حمایت از شرایط مناسب تعلیم و تحصیل رایگان و کار برای معلولین، معیوبین و بازماندگان شهدا، زنان و اطفال بی‌سرپرست کشور.

۱۹) حمایت از توجه همه‌جانبه و جدی به وضع زندگی متقاعدین و سالمندان و پرداخت حقوق آنان.

۲۰) حزب همبستگی افغانستان فعالیت‌های خود را در چهارچوب قانون اساسی افغانستان با تمام کمبودهای معین آن، تنظیم می‌نماید. (اسناد و مدارک حزب همبستگی افغانستان، اهداف حزب همبستگی افغانستان)

حزب همبستگی افغانستان به عنوان یک حزب چپی، بر بنیاد اهداف تعریف‌شده آن، به نظر می‌رسد دارای شدت عمل میانه‌رو، تشکیلات سیاسی - سازمانی حزب‌محور، بینش نظام سیاسی سکولار (مراجعه شود به صفحه «درباره ما» وبسایت رسمی حزب همبستگی افغانستان) و روایت غیردینی چپ‌محور است. در میان احزاب برجسته که در دانشگاه‌های افغانستان فعالیت دارند، حزب همبستگی افغانستان تنها حزب سکولار، با روایت غیردینی چپ‌گرایانه است.

حزب‌التحریر

حزب‌التحریر در افغانستان از جمله احزابی است که به صورت غیرقانونی فعالیت دارد، بدون این‌که به صورت رسمی در دولت افغانستان ثبت باشد. در بخشی از معرفی‌نامه این حزب که در وبسایت رسمی آن قابل دسترس است، در مورد چیستی و هدف ایجاد آن چنین آمده است: «حزب‌التحریر یک حزب سیاسی است که اساس و مبدأ آن اسلام می‌باشد، لذا کارش سیاست و مبدأش اسلام بوده؛ در میان امت و با امت کار و فعالیت می‌کند تا اسلام را قضیه مهم امت گردانیده و مسلمانان را به سوی برپایی خلافت به صفحه هستی و حکم به آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده است، سوق داده و رهبری کند... هدف از ایجاد این حزب بلندکردن (انهاض) امت اسلامی از انحطاط هست که دچار آن شده‌اند، و رهاندن امت از افکار، نظام‌ها و احکام کفر و سیطره و نفوذ دولت‌های استعمارگر می‌باشد. هدف فعالیت حزب‌التحریر برای برپایی خلافت اسلامی بر منهج نبوت به صفحه هستی است تا حکم «بما أنزل الله»

اعاده گردد» (معرفی‌نامهٔ حزب‌التحریر). این حزب در ادامه، وجوب قیام احزاب سیاسی از جمله حزب‌التحریر را از نظر شرع در راستای اقدام به این دو کار نیک بیان می‌دارد:

«نخست؛ دعوت به سوی خیر و صلاح یعنی دعوت به اسلام، چون همه خوبی‌ها در اسلام است.

دوم؛ امر به معروف (کارهای نیک) و نهی از منکر (کارهای زشت)» (معرفی‌نامهٔ حزب‌التحریر).

حزب‌التحریر به عنوان یک جریان دینی - سیاسی بیرونی صورت رادیکال دارد که در قالب یک حزب اسلامی - جهانی بدون این که در افغانستان به صورت رسمی ثبت باشد، با تشکیلات سیاسی - سازمانی فعالیت دارد. این حزب از جمله احزاب خلافت‌طلب اسلامی است که در پی تشکیل مجدد خلافت اسلامی در سطح جهان اسلام است. روایت دینی مورد نظر این حزب نیز روایت سلفی و وهابی است.

جمعیت اصلاح

جمعیت اصلاح از دیگر جریان‌های فعال، هدف اصلی خود را این‌گونه تعریف می‌کند: «هدف اساسی از تمام سعی و تلاش جمعیت اصلاح، کسب رضای الهی و رستگاری اخروی و تلاش در جهت اقامه و برپایی دین مبین اسلام می‌باشد». مراد از اقامهٔ دین در نزد جمعیت اصلاح این است که انسان در اموری که در دایرهٔ اختیار او قرار دارد، به رضا و رغبت خویش، نظام و حاکمیت الله متعال را چنان بپذیرد که همهٔ کاینات، از روی فطرت پذیرفته‌اند.

مقصد از اقامهٔ دین اسلام، تطبیق و اجرای بخشی از آن نه، بلکه تطبیق همهٔ دین می‌باشد، چه به جانب فردی زندگی انسان مربوط باشد، چه به جانب اجتماعی زندگی وی؛ چه نماز، روزه، زکات و حج باشد، چه اقتصاد، اجتماع، تمدن و سیاست. زیرا هیچ جزء دین اسلام غیر ضروری نیست. مؤمن وظیفه دارد به خاطر تطبیق همه‌جانبهٔ اسلام سعی و تلاش نموده، از تجزیه و تقسیم دین در میدان عمل، به گونه‌ای که به شماری از احکام آن عمل نماید و برخی دیگر را ترک کند، اجتناب ورزد. آن بخش احکام دین که به زندگی فردی مسلمان ارتباط می‌گیرد، باید در زندگی شخصی وی تطبیق شود؛ و آن بخش از احکام که مربوط به زندگی اجتماعی او می‌باشد، باید از طریق کار اجتماعی منظم به معرض اجرا درآید. «جمعیت اصلاح در ادامه اذعان می‌دارد که «به خاطر تحقق اهداف والای خویش از وسایل و شیوه‌هایی»

چون «دعوت و تبلیغ»، «سازمان‌دهی و تربیت»، «نصیحت و ارشاد» و «خدمات اجتماعی» استفاده می‌کند. (اهداف جمعیت اصلاح)

جمعیت اصلاح به عنوان یک جریان دینی - سیاسی دارای تشکیلات سیاسی - سازمانی گروه‌محور است. این جریان با وجود این‌که روایت دینی مورد نظر خود را با صراحت بیان نمی‌کند، در جاهایی میان روایت معتدل از دین و روایت‌های سلفی و وهابی قرار دارد. همچنین این جریان بینش نظام سیاسی مورد نظر و ایدئال خود را روشن نکرده است.

حزب جنبش ملی

حزب جنبش ملی افغانستان با شدت عمل میانه‌رو و تشکیلات حزب‌محور فعال است. دیدگاه این جریان نسبت به نظام سیاسی و پیوند آن با مباحثی چون دین و دموکراسی خیلی واضح نیست، هرچند این حزب در حیات سیاسی قبل از ۲۰۰۱ میلادی خود با شماری از احزاب جهادی دیگر همچون جمعیت و حزب اسلامی در مقاطع مختلف همکاری‌ها و برخوردهایی داشته است. اساس‌نامه این حزب متشکل از هفت فصل و چهل‌ویک ماده است. فصل‌های اساس‌نامه این حزب به ترتیب، در قالب این فصل‌ها سامان یافته است: شرایط عضویت، حقوق و وظایف اعضا، مقامات مرکزی، سازمان‌های محلی جنبش ملی اسلامی، واحدهای اولیه، بودجه حزبی و مکافات و مجازات. (اساس‌نامه حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان) در محتوای این هفت فصل نکاتی به صورت واضح در مورد چگونگی دورنمای حزب نسبت به مسائل کلان کشوری همچون ساختار نظم سیاسی، پیوند سیاست و دین در افغانستان، دموکراسی، انتخابات و مسئله‌های حقوق بشری و حقوق اساسی شهروندان نیامده است.

طالبان

طالبان به عنوان یک جریان دینی - سیاسی رادیکال دارای تشکیلات گروه‌محور، بینش نظام سیاسی امارت‌طلب و روایت دینی سلفی‌اند. طالبان روایت سلفی خویش از اسلام را معیار فرمان‌روایی و تحکیم این فرمان‌روایی را فریضه شرعی می‌دانند (مراجعه شود به بخش «امارت‌طلبی» چهارچوب نظری این پژوهش). طالبان به صورت عملی در دوران حاکمیت خود از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی نوعی حکومت بسته دینی زیر نام «امارت اسلامی» را که ریشه در اسلام سیاسی دارد، اعمال کردند (رجوع شود به تاریخ حکومت طالبان). پس از سال ۲۰۰۱ میلادی، طالبان تبدیل شدند به یک گروه مخالف دولت که

به صورت مسلحانه تا هنوز با دولت افغانستان در جنگ است. این گروه مسئولیت شمار زیادی از حملاتی را عهده‌دار شده که به صورت گسترده شهروندان ملکی و بی‌طرف را هدف قرار داده است (رجوع شود به اعلامیه‌های مطبوعاتی طالبان در وبسایت این گروه).

داعش

داعش همچون طالبان، به عنوان یک جریان دینی - سیاسی رادیکال دارای تشکیلات گروه‌محور، بینش نظام سیاسی خلافت‌طلب و روایت دینی سلفی است. داعیه داعش نیز برآمده از اسلام سیاسی توأم با افراطیت، تندروی و خشونت است. این گروه در پی احیای خلافت اسلامی است و در راستای آن می‌جنگد.

گفتمان تساهل و مدارا

گفتمان تساهل و مدارا، به عنوان یک جریان فعال دینی - سیاسی در سطح دانشگاه‌های افغانستان دارای شدت عمل کثرت‌گرایانهٔ میانه‌رو، تشکیلات گروه‌محور و روایت روشنفکری دینی است. فعالیت‌های این جریان بیشتر متمرکز بر مبارزه روشنفکرانهٔ دینی است و به صورت واضح، نگاه خاصی نسبت به نوع و چگونگی نظام سیاسی ارائه نمی‌کند. بدون شک اما بر بنیاد فعالیت‌ها و آموزه‌های این جریان می‌توان استنباط کرد که طرف‌دار مردم‌سالاری دینی است. گفتمان تساهل و مدارا در راستای ایجاد فرهنگ تساهل، به‌ویژه تساهل دینی، سلسله‌برنامه‌هایی را راه‌اندازی می‌کند و در سطح دانشگاه‌ها فعالیت دارد (رجوع شود به وبسایت گفتمان تساهل و مدارا).

همچنین شماری دیگر از جریان‌های سیاسی و دینی - سیاسی چون حزب کنگرهٔ ملی افغانستان، جمعیت فکر، ائتلاف مشارکت، حزب وطن و... نیز در پژوهش آمده و در موقعیت‌های خاصی از نمودار گونه‌شناسی قرار گرفته‌اند، اما نتایج آماری فعالیت‌های این گروه‌ها به حدی گسترده نیست که در قالب این پژوهش، فرصت پرداختن به آن‌ها مساعد باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با مطالعه و بررسی جریان‌های فعال در دانشگاه‌های افغانستان تلاش کرد تا ماهیت این جریان‌ها را در سطح دانشگاه‌ها، گونه‌های متفاوت این جریان‌ها، و سطح و گونه فعالیت آن‌ها را در قالب یک گزارش مفصل ارائه کند. برای رسیدن به این مرام پس از کلیات، بخش اول این پژوهش به گونه‌شناسی تئوریک و محتوایی جریان‌های سیاسی فعال در افغانستان پرداخت که بیشتر آن‌ها ماهیت دینی - سیاسی دارند. در بخش دوم با استفاده از آمار و ارقام، به گونه‌شناسی و تحلیل سطح و نوع فعالیت این جریان‌ها در محیط‌های دانشگاهی پرداخته شد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جریان‌های دینی - سیاسی همچون حزب جمعیت، حزب اسلامی، حزب‌التحریر و جمعیت اصلاح بر فضای دانشگاهی افغانستان حاکم‌اند. این جریان‌ها با راه‌اندازی برنامه‌های گوناگون فعالیت‌های متفاوتی را در سطح دانشگاه‌های افغانستان انجام می‌دهند. به‌علاوه شماری از جریان‌های چپی سکولار همچون حزب همبستگی افغانستان نیز در سطحی در دانشگاه‌ها حضور دارند و فعال‌اند. در این میان فعالیت جریان‌هایی چون «تساهل و مدارا» که داعیه و غایت روشنفکری دینی، اعتدال و میانه‌روی دینی و کثرت‌گرایی را در حوزه‌های اجتماع و سیاست تبلیغ می‌کنند، نیز قابل تأمل است. شماری از جریان‌های افراطی چون طالبان و داعش که به صورت عملی نیز در میدان نبرد حضور دارند، در حال فعالیت گسترده در فضا و محیط‌های دانشگاهی افغانستان هستند. همچنین تعدادی از جریان‌های دیگر همچون حزب‌التحریر و جمعیت اصلاح که بنا بر گزارش‌ها، تمایل فکری و ایدئولوژیک به شماری از گروه‌های افراطی دارند نیز به صورت گسترده در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعالیت دارند و در پی جلب و جذب دانشجویان هستند.

بر این اساس پرسش اصلی تحقیق: کدام جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعال‌اند؟ و پرسش فرعی تحقیق: فعالیت جریان‌های دینی - سیاسی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان چگونه است؟ در دو سطح متفاوت پاسخ می‌یابند. سطح نخست پاسخ به این پرسش‌ها از منظر نظری و محتوایی است که در بخش نخست تحقیق ارائه شده است. سطح دوم پاسخ اما صورت کمی دارد که بر بنیاد آمار به دست آمده از مصاحبه‌شوندگان، ارائه شده است که شامل بخش دوم تحقیق می‌شود.

بر بنیاد پاسخ‌های ارائه‌شده به پرسش‌های تحقیق، فرضیه‌های طرح‌شده نیز در نسبت بالا تأیید می‌شود. فرضیه نخست که تأکید بر وجود جریان‌های گوناگون از منظرهایی چون شدت عمل، تشکیلات سیاسی - سازمانی، بینش نظام سیاسی و روایت دینی داشت، تأیید می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که جریان‌های مختلفی در سطوح متفاوت در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعال‌اند. فرضیه دوم که متمرکز بر نسبت فعالیت‌های مختلف دینی - سیاسی جریان‌ها داشت، با شرح آمارها و ارقام به صورت کمی در بخش دوم تحقیق تأیید شد.

محیط‌های دانشگاهی افغانستان با حضور این جریان‌ها هم‌زمان که از لحاظ فکری و ایدئولوژیک یک فضای متنوع را شکل داده، پیچیدگی‌ها و تنش‌هایی نیز دارد. این تنش‌ها در سال‌های گذشته نیز به صورت گسترده در رسانه‌های افغانستان بازتاب یافته است؛ گزارش‌هایی چون برخورد دانشجویان روی مباحثی چون مذهب، ایدئولوژی و قومیت، دستگیری شماری از دانشجویان و استادان متهم به حمایت از گروه‌های افراطی و تندرو، و آزار و اذیت شماری از دانشجویان از سوی دانشجویان دیگری که عضویت جریان‌های فعال را داشتند، از بارزترین نمونه‌های گزارش‌های ارائه‌شده است.

به صورت عموم نکات زیر را می‌توان به صورت موردی به عنوان جمع‌بندی ارائه کرد:

- بیشتر جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان دینی و یا هم دینی - سیاسی‌اند.
- به صورت برجسته، تنها یک جریان سکولار و یک جریان با روایت دینی روشنفکری دینی در محیط‌های دانشگاهی افغانستان فعال‌اند.
- بیشتر جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان با وجود این که در اسناد پایه‌ای خود، بیشتر خود را میانه‌رو معرفی کرده‌اند، گهگاهی اعمال سیاسی خشونت‌پرور نیز داشته‌اند.
- در میان جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان گروه‌های افراطی و تندرو چون طالبان و داعش که به صورت بالفعل با دولت در جنگ مسلحانه قرار دارند نیز به صورت گسترده حضور دارند.
- شماری از جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان با وجود این که به صورت عملی فعالیت‌های مسلحانه و سیاسی ندارند، از نظر فکری و محتوایی و روایت دینی‌ای که تبلیغ می‌کنند با گروه‌های افراطی سنخیت دارند.

- فعالیت جریان‌ها در فضای دانشگاهی افغانستان باعث شده است که بیش از یک بر سه درصد دانشجویان از طرف اعضای این جریان‌ها تهدید و تکفیر شوند.
- اعضای جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی افغانستان در فعالیت‌های مسلحانه در داخل دانشگاه‌ها به صورت مستقیم دخالت و نقش داشته‌اند.
- به نظر دانشجویان بیشتر فعالیت‌هایی که از سوی جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی انجام می‌شود، در مخالفت با نظام کنونی افغانستان صورت می‌گیرد.
- دانشجویانی که می‌خواهند در آینده به یکی از جریان‌ها بپیوندند، در مقایسه با دانشجویانی که اکنون عضویت یکی از جریان‌های فعال را دارند، بیشتر از دو برابر است.
- فهرست جریان‌هایی که اکنون بیشترین عضویت را دارند با جریان‌هایی که بیشتر دانشجویان می‌خواهند در آینده به آن‌ها بپیوندند، در سطحی متفاوت است.

پیشنهادها

پیشنهادهای این پژوهش در دو سطح اکادمیک - پژوهشی و پالیسی‌سازی ارائه می‌شود:

در سطح کار پژوهشی، این گزارش تصویر یک گوشه از کلان‌تصویر سیاسی - اجتماعی و سیاسی - دینی است. از این رو لازم است تا پژوهش‌گران دیگر در زمینه گونه‌شناسی و فعالیت جریان‌های مختلف سیاسی و دینی پژوهش‌های بیشتر انجام دهند تا ابعاد بزرگ‌تر مسئله بازتر و ادبیات بیشتری در این زمینه تولید شود.

در سطح پالیسی‌سازی و کار دانشگاهی نیاز به طرح و تدوین پالیسی‌هایی است که بتواند فضا را برای فعالیت سیاسی دانشجویان در دانشگاه بیشتر معتدل و کثرت‌گرا بسازد. از طرف دیگر، باید اقداماتی روی دست گرفته شود که از فعالیت گروه‌های افراطی که به صورت عملی در ایجاد، تشدید خشونت و کشتار دخیل‌اند، جلوگیری شود. نظم کار سیاسی در دانشگاه‌های افغانستان باید بر بنیاد احترام به همدیگر و کثرت‌گرایی دینی، سیاسی و ایدئولوژیک باشد. از طرفی هم فعالیت جریان‌های سیاسی - دینی در سطح دانشگاهی طوری تنظیم شود که بیشتر باعث غیرفعال کردن شکاف‌های اجتماعی باشد نه برعکس در راستای فعال‌سازی بیشتر این شکاف‌ها.

دانشگاه به عنوان یک پایگاه فعال سیاسی برای دانشجویان همواره مورد نظر بوده است، که بدون شک انکار و محدودسازی آن ناممکن و نامناسب است؛ اما هم‌زمان نیاز است کار دانشگاهی یا اکادمیک غیرسیاسی شود. به بیان دیگر گفتمان مسلط بر دانشگاه، باید گفتمان آموزشی و انتقادی باشد. هر گفتمان دیگر باید ذیل گفتمان آموزشی و انتقادی مطرح شود. کار سیاسی و فعالیت سیاسی نیز از این امر مستثنی نبوده و لازم می‌نماید تا زیرمجموعه گفتمان آموزشی باشد. اکنون نظر به وضع موجود، گفتمان مسلط بر فضای دانشگاهی افغانستان بیشتر سیاسی است. در فضا و محیط دانشگاهی افغانستان بیشتر از این‌که سیاست برای آموزش و عدالت‌طلبی باشد، آموزش به صورت شدید سیاسی شده است. یک بخش از تشنج‌ها و تنش‌های خشن به همین سیاسی‌شدگی و سیاست‌زدگی کار دانشگاهی در افغانستان مربوط می‌شود که در لایه‌های مختلف ریشه دوانده است.

بر بنیاد آنچه طرح شد، مهم‌ترین پیشنهاد این تحقیق غیرسیاسی‌سازی کار آموزشی در محیط‌های دانشگاهی است. تنها از این مسیر است که می‌توان تهدید اختلافات سیاسی - دینی را به عنوان یک

فرصت برای پرورش فکری، سیاسی و ایدئولوژیک دانشجویان به صورت کثرت‌گرایانه و با احترام به تنوع فکری و رفتاری، تبدیل کرد.

منابع و مأخذ:

- آقابخشى، على و افشارى‌راد، مينو (۱۳۸۶) فرهنگ علوم سياسى، چاپ دوم، ويرايش ششم، تهران: چاپار.
- اسپوزيتو، جان ال و وال، جان اُ (۱۳۹۷) جنبش‌هاى اسلامى معاصر (اسلام و دموکراسى)، ترجمه شجاع احمدوند، چاپ هفتم، تهران: نشر نى.
- الجابرى، محمد عابد و حنفى، حسن (۱۳۹۲) گفت‌وگوى شرق و غرب جهان اسلام، ترجمه بهرام امانى، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
- اساس‌نامه حزب اسلامى افغانستان (بى‌تاريخ) کابل: حزب اسلامى افغانستان.
- اساس‌نامه حزب جمعيت اسلامى افغانستان (بى‌تاريخ) کابل: حزب جمعيت اسلامى افغانستان.
- اساس‌نامه حزب جنبش ملى اسلامى افغانستان (۱۴۰۰) کابل: حزب جنبش ملى افغانستان. قابل دسترس در:
www.jjaf.blogfa.com/post/5
- اساس‌نامه حزب وحدت اسلامى افغانستان (۱۳۸۳) کابل: حزب وحدت اسلامى افغانستان.
- اسناد و مدارک حزب همبستگى افغانستان (۱۴۰۰) کابل: حزب همبستگى افغانستان. قابل دسترس در:
www.hambastagi.org/new/fa/docs/statute.html
- اهداف جمعيت اصلاح، کابل: جمعيت اصلاح. قابل دسترس در:
www.eslahonline.net/2009/10/28/-205-2-2/
- بشيريه، حسين (۱۳۹۲) جامعه‌شناسى سياسى؛ نقش نيروهاى اجتماعى در زندگى سياسى، چاپ بيست‌ويکم، تهران: نشر نى.
- جمعى از نويسندگان (۱۳۹۶) سلف و سلفيت معاصر، چاپ اول، کابل: جمعيت فکر.
- حلبى، على‌اصغر (۱۳۹۰) تاريخ نهضت‌هاى دينى - سياسى معاصر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات زوار.
- دانش‌بختيارى، محمد قاسم (۱۳۹۴) سرنوشت جنبش‌هاى اسلامى معاصر، کابل: سرور سعادت.
- ديوييس، چارلز (۱۳۸۷) دين و ساختن جامعه؛ جستارهايى در الهيات اجتماعى، مترجمان: حسن

- محدثی و حسین باب‌الحوادثی، چاپ اول، تهران: نشر یادآوران.
- سروش، عبدالکریم و دیگران (۱۳۹۲) سنت و سکولاریسم، چاپ ششم، تهران: انتشارات صراط.
 - سعید، حافظ نوراحمد (۱۳۹۹) امارت اسلامی به ما چه داده است؟، ترجمه مفتی انعام‌الله حبیبی سمگانی: نشر کمیسیون امور فرهنگی طالبان. (مکان چاپ و نشر این اثر مشخص نیست).
 - صمیم، عبدالمجید (۱۳۹۶) نظام سیاسی اسلام، چاپ اول، هرات: انتشارات قدس.
 - طلوعی، محمود (۱۳۸۵) فرهنگ جامع سیاسی، چاپ سوم، ویرایش جدید. تهران: نشر علم.
 - عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷) بنیادهای علم سیاست، چاپ هجدهم، تهران: نشر نی.
 - غلامی، نجف‌علی (۱۳۹۳) بنیادگرایی، چاپ اول، تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
 - قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۱) سیاست‌شناسی؛ مبانی علم سیاست، چاپ سوم؛ تهران: سمت.
 - کمانگر، رامین (۱۳۹۸) ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی، چاپ اول، کابل: انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
 - گزارش‌های گفتمان تساهل و مدارا (۱۴۰۰). قابل دسترس در:
www.tolerancediscourse.com
 - معرفی‌نامه حزب‌التحریر (۱۴۰۰) قابل دسترس در:
<http://www.hizb-ut-tahrir.info/pe/>
 - موثقی، سیداحمد (۱۳۸۹) جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
 - میراحمدی، منصور (۱۳۹۳) اسلام و دموکراسی مشورتی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
 - نش، کیت و اسکات، آلن (۱۳۸۸) راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، جلد اول و دوم، ترجمه محمد خضری و فرزاد پورسعید، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی .
 - نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۷) احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ، چاپ سوم، تهران: نشر قومس.
 - نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
 - وبسایت ۱، وبسایت رسمی سید روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، قابل دسترس در:
[http://www.imamkhomeini.ir/fa/n25530/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86/%D9%85%D9%82](http://www.imamkhomeini.ir/fa/n25530/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86/%D9%85%D9%82)

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/secular>

- وبسایت ۲، وبسایت واژه‌نامه کمبریج، قابل دسترس در:

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/secular>

- وبسایت ۳، وبسایت ویکی شیعه، قابل دسترس در:

https://fa.wikishia.net/view/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81%D8%AA#cite_note-1

- وبسایت ۴، وبسایت ویکی شیعه، قابل دسترس در:

<https://fa.wikishia.net/view/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81%D8%AA>

- وبسایت ۵، وبسایت واژه‌نامه آنلاین واژه‌یاب، قابل دسترس در:

<https://www.vajehyab.com/amid/%D8%AD%D8%B2%D8%A8>

- Armajani, Jon, *Modern Islamist Movements; History, Religion, and Politics*, Sussex: Blackwell Publishing, 2012.

ضمیمه ۱: پرسش‌نامه

پرسش‌نامه پژوهش «گونه‌شناسی جریان‌های فعال در دانشگاه‌ها»

<p>نکته‌هایی که پرسش‌گران باید به خاطر داشته باشند: لطفاً مصاحبه را با توضیح موارد ذیل آغاز کنید:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ غرض از انجام این مصاحبه کسب اطلاعات برای نگارش تحقیقی علمی پیرامون جریان‌های فعال در محیط‌های دانشگاهی است. ▪ این مصاحبه محرمانه است و در گزارش نهایی از کسانی که با آن‌ها مصاحبه صورت می‌گیرد، هیچ نامی ذکر نمی‌شود. ▪ از آن‌جایی که برخی از سؤالات مرتبط به هم هستند، ترجیحاً یک بار سؤالات تا آخر مرور شده و بعد پاسخ داده شود. ▪ گروه تحقیق از شما خواهشمند است با دقت و صداقت تمام به سؤالات پاسخ دهید. ▪ در بخش پاسخ‌ها، لطفاً در محل تعیین شده علامت بزنید و یا دور جواب انتخاب‌شده، خط بکشید.

پرسش‌ها

۱	<p>بر بنیاد مشاهدات؛ کدام جریان‌ها در محیط دانشگاه شما فعال است؟ می‌توانید چند گزینه را انتخاب نموده و در پایان اگر جریان دیگری را می‌شناسید که نام آن در گزینه‌ها نیامده باشد، بنویسید.</p> <ul style="list-style-type: none"> <input type="radio"/> حزب التحریر <input type="radio"/> حزب همبستگی افغانستان <input type="radio"/> حزب جمعیت اسلامی افغانستان <input type="radio"/> حزب اسلامی افغانستان <input type="radio"/> جمعیت اصلاح <input type="radio"/> گروه طالبان <input type="radio"/> حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان <input type="radio"/> حزب کنگره ملی <input type="radio"/> گروه داعش <input type="radio"/> وحدت اسلامی مردم افغانستان و وحدت اسلامی افغانستان <input type="radio"/> حزب دعوت <input type="radio"/> حزب افغان ملت <input type="radio"/> گروه گفتمان تساهل و مدارا
---	--

	<p>○ دیگر:</p> <p>○ نمی‌دانم ○ عدم پاسخ</p>	
۲	<p>به نظر شما کدام جریان‌ها در محیط دانشگاه بیشترین فعالیت را دارد؟ (می‌توانید تا پنج گزینه انتخاب کنید)</p> <p>○ حزب‌التحریر</p> <p>○ حزب همبستگی افغانستان</p> <p>○ حزب جمعیت اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب اسلامی افغانستان</p> <p>○ جمعیت اصلاح</p> <p>○ گروه طالبان</p> <p>○ حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب کنگره ملی</p> <p>○ گروه داعش</p> <p>○ وحدت اسلامی مردم افغانستان و وحدت اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب دعوت</p> <p>○ حزب افغان‌ملت</p> <p>○ گروه گفتمان تساهل و مدارا</p> <p>○ دیگر:</p> <p>○ نمی‌دانم ○ عدم پاسخ</p>	
۳	<p>آیا شما در جریانی عضویت دارید؟</p> <p>○ بلی</p> <p>○ نخیر</p> <p>○ نمی‌دانم ○ عدم پاسخ</p>	
۴	<p>اگر پاسخ شما به پرسش بالا «بلی» است، نام جریان را علامت زده یا بنویسید. (اگر عضویت چند جریان را دارید می‌توانید بیشتر از یک گزینه را انتخاب کنید)</p> <p>○ حزب‌التحریر</p> <p>○ حزب همبستگی افغانستان</p> <p>○ حزب جمعیت اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب اسلامی افغانستان</p> <p>○ جمعیت اصلاح</p>	

	<ul style="list-style-type: none"> ○ گروه طالبان ○ حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان ○ حزب کنگره ملی ○ گروه داعش ○ وحدت اسلامی مردم افغانستان و وحدت اسلامی افغانستان ○ حزب دعوت ○ حزب افغان ملت ○ گروه گفتمان تساهل و مدارا ○ دیگر: <p>○ عدم پاسخ ○ نمی‌دانم</p>	
	<p>۵ اگر پاسخ شما به سؤال سوم «بلی» است، به عنوان عضو جریان چه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهید؟ در مقابل نوع فعالیت، نام جریان را نظر به گزینه‌های سؤال چهارم بنویسید. می‌توانید بیشتر از یک گزینه را انتخاب کنید.</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ دعوت کردن و یا تبلیغ (نام جریان: (○ راه‌اندازی برنامه‌ها، نشست‌ها و جلسه‌ها (نام جریان (○ تهدید و تکفیر افراد و گروه‌های مخالف (نام جریان: (○ فعالیت مسلحانه (نام جریان: (○ دیگر: (نام جریان: (
	<p>۶ اگر پاسخ شما به سؤال سوم «نخیر» است، آیا به یکی از طریقه‌های زیر تجربه‌ی مواجهه و درگیری با یکی از این جریان‌ها را دارید؟ (اگر پاسخ مورد نظر شما شامل گزینه‌های موجود نیست، لطف نموده آن را مقابل گزینه «دیگر» بنویسید)</p> <ul style="list-style-type: none"> ○ دعوت شدم و یا با تبلیغات جریان‌ها مقابل شدم ○ عضویت داشتم (در گذشته) ○ در برنامه‌ها، نشست‌ها، و جلسه‌های آن‌ها اشتراک داشتم (بدون عضویت داشتن) ○ تهدید و تکفیر شدم ○ دیگر: 	
	<p>۷ به نظر شما جریان‌های فعال در محیط دانشگاه تا چه حد در موافقت یا مخالفت با نظام حاضر افغانستان قرار دارند؟</p> <p>○ به شدت مخالف</p>	

<p>○ مخالف</p> <p>○ نظری ندارم</p> <p>○ موافق</p> <p>○ به شدت موافق</p> <p>○ نمی دانم</p> <p>○ عدم پاسخ</p>	
<p>۸ آیا شما تصمیم دارید که در آینده به یکی از جریان های فعال در محیط دانشگاه تان بپیوندید؟</p> <p>○ بلی</p> <p>○ نخیر</p> <p>○ نمی دانم</p> <p>○ عدم پاسخ</p>	
<p>۹ اگر پاسخ شما به پرسش بالا «بلی» است، نام جریان را علامت زده یا بنویسید.</p> <p>○ حزب التحریر</p> <p>○ حزب همبستگی افغانستان</p> <p>○ حزب جمعیت اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب اسلامی افغانستان</p> <p>○ جمعیت اصلاح</p> <p>○ گروه طالبان</p> <p>○ حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب کنگره ملی</p> <p>○ گروه داعش</p> <p>○ وحدت اسلامی مردم افغانستان و وحدت اسلامی افغانستان</p> <p>○ حزب دعوت</p> <p>○ حزب افغان ملت</p> <p>○ گروه گفتمان تساهل و مدارا</p> <p>○ دیگر:</p>	
<p>۱۰ فعالیت جریان های فعال در محیط دانشگاه تان را به صورت کلی چگونه ارزیابی می کنید؟</p> <p>○ کاملاً مثبت</p> <p>○ مثبت</p> <p>○ نظری ندارم</p>	

<input type="radio"/> منفی <input type="radio"/> کاملاً منفی	<input type="radio"/> نمی‌دانم <input type="radio"/> عدم پاسخ
---	--

ضمیمه ۲: پاسخ‌های اداری

شماره	مشخصات	پاسخ‌ها
۱	شماره پرسش‌نامه	
۲	نام پرسش‌گر	
۳	تاریخ مصاحبه	روز/ ماه/ سال / / /
۴	نام دانشگاه	۱ کابل
		۲ ننگرهار
		۳ هرات
		۴ بلخ
		۵ بامیان
		۶ کاپیسا
		۷ قندهار
۵	رشته	۱ علوم ساینسی ^۱
		۲ علوم بشری ^۲

۱. ریاضیات، انجینری، زراعت، کامپیوتر ساینس و...

۲. رشته‌های ادبیات، هنر، فلسفه، تاریخ و...

	علوم اجتماعی ^۱	۳		
--	------------------------------	---	--	--

ضمیمه ۳: معلومات عمومی مصاحبه‌شونده

شماره	مشخصات	پاسخ‌ها
۱	جنس	۱. مرد
		۲. زن
۲	مذهب	۱. حنفی
		۲. جعفری
		۳. دیگر ()
۳	محل رشد و پرورش	۱. شهر
		۲. قریه
۴	قومیت	۱. ترکمن (۱)
		۲. هزاره (۲)
		۳. پشتون
		۴. ازبک
		۵. تاجیک

۱. رشته بی‌معدهش بی، حقوق، خبرنگاری، الفت، با، تعلیم و تربیه و...

	۶. دیگر	()
۵	مکتبی که از آن فارغ شده‌اید	نام: () موقعیت: ولایت () شهر/ ولسوالی () ناحیه/ قریه ()
۶	تعلقات سیاسی پدر و مادر	

معرفی نویسندگان

شهیر سیرت

آقای سیرت پژوهشگر همکار انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و دانشجوی کارشناسی ارشد سیاست‌های مقایسه‌ای و نظریه‌ی سیاسی در دانشگاه جرج میسون (GMU) می‌باشد. وی کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی دارد و دارای نه سال تجربه‌ی فعالیت رسانه‌ای، دانشگاهی، پژوهشی و کار در سازمان‌های ملی و بین‌المللی است. علایق پژوهشی وی در زمینه‌های سیاست، جامعه و فرهنگ، و آموزش و پرورش است. آقای سیرت نویسنده رساله‌ی پژوهشی «ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نصاب معارف افغانستان» (۱۳۹۹) و مقالات متعدد علمی و روزنامه‌ای در مجلات پژوهشی و روزنامه‌های کشور است. آخرین کتاب وی، کتاب مشترک با آقای کمانگر، تحت عنوان «خیابان؛ اعتراض و قدرت» در زمستان ۱۳۹۹ به نشر رسیده است.

رامین کمانگر

آقای کمانگر پژوهشگر همکار انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه آسیاسی جنوبی (SAU) می‌باشد. وی کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی دارد و از سال ۱۳۹۴ فعالیت دانشگاهی، پژوهشی و اداری داشته است. علایق پژوهشی آقای کمانگر در زمینه‌های سیاست، جامعه مدنی و قدرت، و آموزش و پرورش می‌باشد. او نویسنده رساله‌ی پژوهشی «ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی» (۱۳۹۸) و مقالات متعدد علمی و روزنامه‌ای در مجلات علمی و روزنامه‌های کشور است. آخرین کتاب وی، کتاب مشترک با آقای سیرت، تحت عنوان «خیابان؛ اعتراض و قدرت» در زمستان ۱۳۹۹ به نشر رسیده است.

Typology of Active Political Trends at Universities

Abstract

This research studies the typology of active trends, most of which are religio-political, at the universities in Afghanistan. Based on the collected statistical data, the active trends across universities have been identified and investigated using a theoretical framework. The theoretical framework studies active trends across universities in Afghanistan through investigating their views & perspectives on the political order, their organizational structure, their intensity of action, and the religious narrative they carry. The theoretical framework conceptualizes the political order and religious narrative as the variables of opinion and the intensity of action and organizational structure as the variables of action.

The findings of this research show that different trends are active across universities in Afghanistan at different levels. The statistical analysis of this report reveal that *Jamiat-e Islami of Afghanistan*¹, *Wahdat-e Islami of Afghanistan*², *Hizb-e Islami Afghanistan*³, *Solidarity party of Afghanistan*⁴, *Jamiat-e Islah*⁵, *Hizb ut-Tahrir*⁶, *the tolerance discourse*⁷, *Hizb Dawat*⁸, *Tahrir*

¹ حزب جمعیت اسلامی افغانستان

² حزب وحدت اسلامی افغانستان

³ حزب اسلامی افغانستان

⁴ حزب همبستگی افغانستان

⁵ جمعیت اصلاح

⁶ حزب التحریر

⁷ گفتمان تساهل و مدارا

⁸ حزب دعوت

*Taliban*⁹, *Junbesh Milli Afghanistan*¹⁰, *ISIS*¹¹, *Kangara Milli*¹², *Afghan-Millat*¹³, and *Hizbe Watan*¹⁴ are active trends across universities of Afghanistan.

⁹ طالبان

¹⁰ حزب جنبش ملی افغانستان

¹¹ داعش

¹² حزب کنگره ملی افغانستان

¹³ حزب افغان ملت

¹⁴ حزب وطن

Typology of Active Political Trends at Universities

Shahir Sirat - Ramin Kamangar

ISBN 978-9936-655-19-5



9 789936 655195

